

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

لکی فایف



۵۵۵

دعوت کما حقہ
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نرنگہ مقابل مسجد جامع شیرپور • تیلفون: ۲۰۲۱۰



یمار امین ویدیو کست

بعترین فلمعای ویدیو گلچین (پینتو، دری،
هندي وایرانی) آماده فروش دارد • فلمبرد آری از
محافل خوش شمعای بیرونه میشود •
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان
۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشرو سرور شمارا
به بدترین وجه برگه از مینماید
(همچنان شب ویدئو یوسی)

اکسرس: چهار راه سردار
تق برفخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب
را به قیمت های مناسب عرضه میدارد •
مشتری دایمی خوراکه فروشی انوش باشید • همچنان مجلات
و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی
دستیاب کرده میتوانید •

اکسرس: چوک قلع فتح شه

سباوروس

اعلان تان شمسار با شرایط بهتر نشه
میرسانه

خوراکه مورد
نیاز شمارا بیه
فروش میرساند •
همچنان بلوزهای
بهاره هندي ولباس -
چین از قبیل براهن، دامن
جمبرهای زنانه، طفلانه و دخترانه
ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس مراه
جمعین محترن ترارمیدهد •
شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید •
اکسرس: سرکت ۶ قلع فتح شه تقصیر وواخانه برادران هوس

خوراکه فروشی سبزویش

جدید
ترین لوازم
تحریر کلمه
معارف •
اقسام کتاب
و کتابچه، انواع قلم های
خودکار خود رنگ وده ها قلم
اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب
ورضایت بخش دستیاب نمایید • ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ -
افغان • نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای
تشریحی ارزان و خوب

انواع قرطاسیه، جراید و مجلات دخواهتان را عرضه
میدارد • به ادرس توجه نمایید •
ماکتب مکر و باغ کهنه

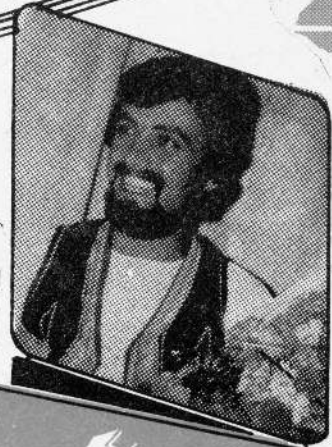
قرطاسیه فروشی اخبارک

قرطاسیه فروشی دوست

ضروری: در شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سباوروس در شرح عکسهای مرسوط
به استعدادها ثروت ملی ما، نام محترن قاری فاخره قاری و قاری تصحیح شوند.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز است (۲۵) صفحه

(۳۵) صفحه

فاجعه



صدای کشته شده
جاودانه شده ها
صفحه (۲۰)

صفحه (۸۴)

درسهای موسیقی

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

کوزیر

آیاتاسی دخیل

از مود تا سینما
صفحه (۵۴)

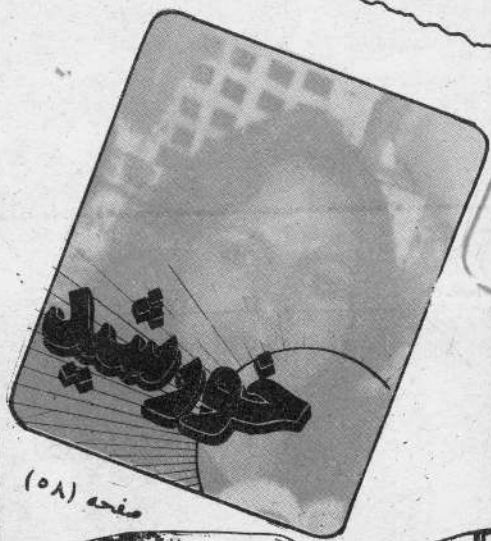
صفحه (۲۲)

چگونگی نوشتن

علی افشاری
پروما جراحی در این کتاب
دنیای عشق خود را
سرگشته نشاند



چاری
در صد سالگی
صفحه (۳۲)



صفحه (۵۸)

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)

۱۳۷۱ سال نوی در سال کال بون

بخ (۲۷)

زن ۱۳ سالگی که مرد

صفحه (۴۰)

مدیرمسئول: دکتور ظا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سوجبور: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمد حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد حبیبی و
وحمید سمور
مطابقی: کبیر امیر
عمیر نامی
مستقیم: محمد گل
نگار: شریف لطیفی و
شاپسون

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف
نظر نویسندگان میباشد.

مصیبت‌هاست

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متأسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایو کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مافیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داروی مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سرولگه‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برابلم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روان‌هاست به ترتیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دواچی می‌موم دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي مي باشد اين عارضه در اثر وابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف مي تواند وجود داشته باشد . ناپائيدگي شخصيت مي ثباتي عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري براي دريافتن اسرار رمز مواد نشه آورنده ها هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگي و نوع بندي باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگي است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهاي مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده مي ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده مي آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده مي همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل مي باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار مي داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمي آرزو به تشويش خمار
در گذر امروز عذاب که فردا آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض رواني چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات رواني بملاحظه ميرسد گاهي ديوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش رواني شده است يا تشويش رواني باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوايي لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدره انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند ، استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساساتي عجول و کوتاه نظرمي شود کم حوصلگي و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثير مي سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهي هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل مي آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچاقچيان و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر مي شود مخصوصاً در کشورهاي مانند کشور ما دشواري هاي زنده گي مصيبت هاي جنگ و بيسوايي و عوامل ازينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخي مناطق از ترياکی بحیث داروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دوايي خواب آور استفاده مي شود از ترياکی کوچر و گاهي براي درمان و معالجه قلع ها کار مي گيرند در برخي از ولايات ما در طبابت هاي محلي و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار مي آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياکی و چرسو تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود مي آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازاریافته است . متاسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعي و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماندرس ، مخم و بننگ آب و بعضي ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه مي گويند : در يکي از مناطق ولايت بدخشان پيغمرد ي بود که مدت درازي ترياکی دود مي کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان مي پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياکی نمی بيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده مي شود ، دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياکی وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود ترياکی و تبا ني آوردن بيترک آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياکی در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است رياست صحت روانسي وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالي اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربط ، احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را مي نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (۷۴)

دواي مرگ و تاجران مرگ

پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنځی ژورنالینم :
تعمیر د اتم اسال باشخړمورد نظم ازدواج تمام 'آرزو د اتم
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .
آرزو مندم بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اړدوسه
وقت معین خانه بیاید ' یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر
میباشد ' باید ' باید حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



رزیا ونا کارمند وزارت امور عودت کننده . کان :
آرزو د اتم باخوانی د ارای تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
ازدواج تمام ' پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان
از کشور سوری تمام .
- اگر باخوانی د ارای چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
- در آن صورت باهیی کسرا دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
د رزنده کیام سه آرزوی بزرگ د اتم که به حقیقت بیوستن آن
خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د اتم خیلی ها
تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
موفقیت ازان من باشد و سوم اینکه میخوایم به ایالات متحده
امریکا سفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو
وروسته د ژورنالینم به پوهنځی کی شامل شم . اوم د ژوند ملگري
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کمن .
- د د پ خصوصیاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده ورا شناسی
عنه انتخابوی ؟
- لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي
اوکه نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم
شبه اوون ورسره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر جوان

مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمره دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و ا همه نداشتید ؟
- البته که و ا همه داشتیم ، حتی صدای قلم رامیشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید، آیا اتفاق افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشتمای بیچند پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را تا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پنج میزتم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها و بدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟

ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. اگر راست بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، در ایران ، دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زودتر از این زمان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا آستم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بخوبی دیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میزنم اما را به بوسه نمیزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر ، فکر ، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- آنروز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتک)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دور هم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختلاف نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدید اید عکس العمر تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوبی حد پیرو و اراد است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهسه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافنه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز ندرند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و ؟

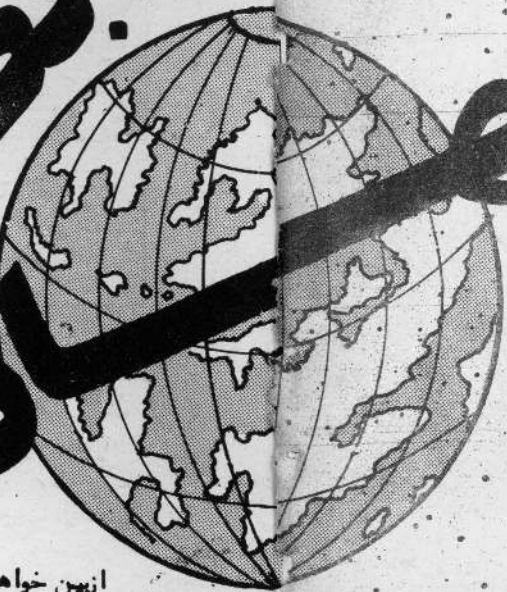
ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذرویی سقوط ناگهانی و سقوط و متداوم درجه حرارت خواهد بود

تأثیر عمده جنگ

ذرویی سقوط ناگهانی و سقوط

و متداوم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوسان کم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست ...
سیاهی جهان بعد از جنگ ذرویی چگونه خواهد بود ؟

در این پاسخ این سوال میتوان به اینست مشابه پاسخ برنده و قاطع
در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذرویی فعلی جهان کار گرفت
در کفرانس های دانشمندان ذرویی در سیکو و واشنگتن شهرهای
نیویورک و لندن کان جامعه ملی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات
شان بهر این که جهان بعد از جنگ ذرویی چگونه خواهد
بود نتیجه بدنی مدول داشته اند . تنهاسه سال قبل دانشمندان
ذرویی این مفکوره که اگر چه وضع جهان بعد از جنگ ذرویی خیلی ناچهار
انگیز و ناگوار خواهد بود ولی موجودات زنده به ناچار مانند گیاه ها
کنه نخواهند شد ، کار کردند ، این دانشمندان اکنون بعد از دست
یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((خوشبینی)) استدلال ضعیف
وجود دارد ، تغییر عقیده داده اند .

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذرویی از نگاه دانشمندان
زمانه که سناریوهای گوناگون جنگ ذرویی در معرض آزمایشات دقیق
و تجارب مدول های کمپیوتر قرار گرفت ، چه قدرت محض انفجار
(۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمز از نصف زیاد خانه میبوس
ذرویی جهان) باشد ، همه به این نتیجه رسیدند که
موجب انفجارات ذرویی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان
دهنده ، جریان حرارت یافتند باد حرارتی و شعله) به مراتب وحشت
ناکتر و کشنده تر است .

مدول های اقلیمی که لحظرت دانشمندان ذرویی و امریکایی یعنی
تم ساگان در پوهنتون کورنل ، متخصصین و دانشمندان مرکزی ایالات
متحده برای تحقیقات اتموسفری در سوتوناید در راس آن قرار دارد
ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستیچکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم
شوروی ، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوی از انستیتوت نیک اتموسفر
مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از
جنگ ذرویی ارائه میکند . تأثیر عمده جنگ ذرویی سقوط ناگهانی ،
سریع و متداوم درجه حرارت خواهد بود ، ظرف چند روز محدود جهان
از سردی یقیناً به انداز سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت .
آفت ایکولوژیکی سرتاسری !

هفته ذرویی بعد از انفجار ((زمستان)) همراه با تاریکی تقریباً
مطلق فرا خورشید ، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد
در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید
شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت
معکوس را بخود خواهد گرفت .

طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف ، درجه حرارت اتموسفر در
ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد
خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج
درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت ، با این کار واکنش زنجیری
از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری
مگردد .

ناپودی عجات بصورت کل !

مدول سرد بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان
تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذرویی را ارائه میکند ، طوری که
تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اقیانوس (هوای خیلی
آهسته تر بر روی اقیانوس) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید
در نون های ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر فباری
های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود
خواهد ساخت ، علاوه بر آن ، تغییرات اتموسفری سبب کاهش های درونی
و کاهش ذرویی خواهد بود و خشکسالی ، ذرواندازی را بر قاره های وسیع
بندگان و بدون خورشید حاکم خواهد ساخت .

بعبارت دیگر ، هر آنچه که از صمیم آتش جان سلامت برده ،
سردی یا خشکسالی آنرا از بین خواهد برد ، یخبندان ناگهانی وسیع
که الکساندروف ستیچکوف آنرا پیش بینی کرده ، برای جنگلات در ارتفاعات
متوسط تپه کن و کشنده خواهد بود ، جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره
ذرویی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگیرد ، یعنی طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه
حرارت بهمانور نمیتوانند مقاومت کنند .

صریخندگان دیگر !

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا
جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد ، این چه چیزی را آشکار سازد
یا توضیح میدهد ؟ جنگلات وسیع به صحرای صحرای تبدیل خواهد شد
البدوی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد
گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و
بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید ،
این نشاندهنده امکان پدید آمدن صریخندگان دیگر است .
ملزوماً الکساندروف و ستیچکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه
بعد از درگیری ذرویی ، هوای گرم بر روی ساحات تپ و بعضی نقاط دیگر
موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و
در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد ، بار
دگر سبیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد
گرفت .

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذرویی در صورت وقوع
در نیم کره شمالی رخ خواهد داد ، چون کله های هوای سرد و نیم
کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند ، انسان
میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه بایست در نیم کره جنوبی
پناه گزین شوند .

زمستان ذرویی بر تمام مناطق تا ثیر خواهد انگذد !

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دلپسند اند ، طبق
نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره
از بین خواهد برد .

این فرضیه که هیچ منطقه ذرویی بر روی کره زمین از این فاجعه در
امان نخواهد ماند بهر جهت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است .
کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوی دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان بهر این تغییرات ممکنه در اتموسفر
بعد از جنگ ذرویی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند ، آنان
توفانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال
می آورند .

طبق نظریه گولیتسین ، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان
تابستان بلند میشود ، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر
میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد ، سطح کره
سرد میشود در حالیکه اتموسفر بهر این بالا گرم است و به شکل متناقض
جهان پدید میآید ، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق
خواهد افتاد ، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه ای که بعمل آمده
آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذرویی در تمام کره زمین از شدت شمعاع
خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -
مراتبه خواهد کاست .

مدول های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که
بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))
کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی
نخواهد بود .

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیج ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد
کالیفرنیا ، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذرویی در امان مانده
باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود ، علت ساده آن اینست
که فوتوسنتز ، این پایه و اساس زنده گی نبات در تاریکی غیر ممکن
خواهد بود و بدین زندگی نبات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین
خواهد رفت .

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نیست شکل ارتجایی بخود بگیرد ،
در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمعاع قوی ماورای بنفش مواجه
خواهد شد .

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر
اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل عضو اکادمی علوم اتحاد شوروی
بقیه در صفحه (۲۲)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بین این اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بسیار بیعی می تواند آید و او را شکل نمد و حتی جریان حسان جاری او را نیز تغییر دهد (۱۰)

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرهموس
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام
بایستی که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود بنا
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الذات و بخشش شامی از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان ازدواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود و هنگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخورد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد و چراغها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بد نظر رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشمهاش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سرکودک نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پدیده ای چون آسمانی است
چون نورانی خاموشی گردید این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
- برا شما گفتمی زنده
و مودت بانه افزود
- آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید
رب النوع سرنوشت گفت
- بلی است اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شایسته من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیار
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کودک مقرر
داشته است از روزم من درختان
تولد هر کودکی را تعیینم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
- آیا آنده را در پیشانی کودک
من نباشته این برای من آشکار
نخواهید کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- من نمیتوانم آشکارا تمس
اگر اینکار را بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه تزیین با عفت
شگرفی تو خواهد شد
- شما همین الان نیم از آن به
را آرزو داشتید بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اشعار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
اشکار سازد که بر او در زنده می
خواهد کرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا را می نمودی گریست
اما بخورد چراغ داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
- خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهورا

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سرانجام سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است تمسب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشند اما ملکه با
شهرزاده کویت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گرفت
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه
جال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهورا به یکی از جنگل نینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت بنوشتن و خواندن
و فلسفه را اموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
- بسیار شگفتی آور است که
هیچگاهی بیشتر از یک آهور در روز
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب ترینکه هیچ روزی را بدون
یک آهوی شکار شده سپری نمیکم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
- این بخاطر است که شکار یک

آهور یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
- مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
- بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی کی میتواند سرنوشت خود
را تغییر دهد
شهرزاده نوجوان گفت
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویشم به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی است بسم من
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعات طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی دیگر او به عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در نور یک
پیشینی کرده بود یک آهور را
در جال یافت
روز بعد به عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
و بعد جال را در بلند ترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت
استیسه
رب النوع خشمگین گفت
- بلی من است منظور تو از
آویختن نیال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
ایا تو میدانی با وجودیکه من یک
رب النوع است در نیای عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوی بالای درخت تازی است
در نوار
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهور هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کارتوست
رب النوع گفت
- آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی
شهرزاده آهسته گفت
- اگر کار تاز شوارنی ساختم
تو در برابر من ظاهر میشدی
- اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده می
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت نوگردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- با اراده و آرزوی خود تو قادر
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
- احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنگاه ناپدید شد
روز بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاج که مستبد و مستغرضه بود
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر
سرنهاد



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیئو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پیناز ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در پهلوی آن حکومت مدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی سلسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. باوصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان سرزایماننداری رسمی در روزه به زندگی عادی شان برداختند، حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور، آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیراز جنگ را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا به جهت تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و ز جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما، موران عالیرتبه شان برداشته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باخ خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، باوصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانسی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری بسده توکیو، ۲۲۰۰۰ پولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاسی مسوترها و اموال تجارتی زمینسی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن در نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتو و نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاس بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتو قاندا داشتند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جارا چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی بسه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی بسره ۵۵ ساله امپراتور نقش مهماندارو - رهبران مذ هبی شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفانمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانیسه های از طرف مدراعظم و دیگر ما، موران جاپانی - ایزاد گردید و بندعوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیو سرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد. تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت نمایسد. البته صرف مساعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمانان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت مدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقتست و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود. امپراتور جدید و خاندانش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و زیاد پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نوشته دکتر کورون الله روحیان
مکروبیست
کشف میکروب کامیابلو بکتیر پیلوس (Compylobacter pylori)
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکبیر واسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز همضی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محوهمین ارگانیم از وجود باعت صحت و ترمم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکتره، اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تداوی هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلنا بالای فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب پیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکتره ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میباشند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتبه اماتف تراز مرخصان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت بلشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط بسه قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخرش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین ویا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معضات تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب پیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانده که یگانه میکروب است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوککن محافظه کند. واکتر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشاهبت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges
بقیه در صفحه (۹۰)

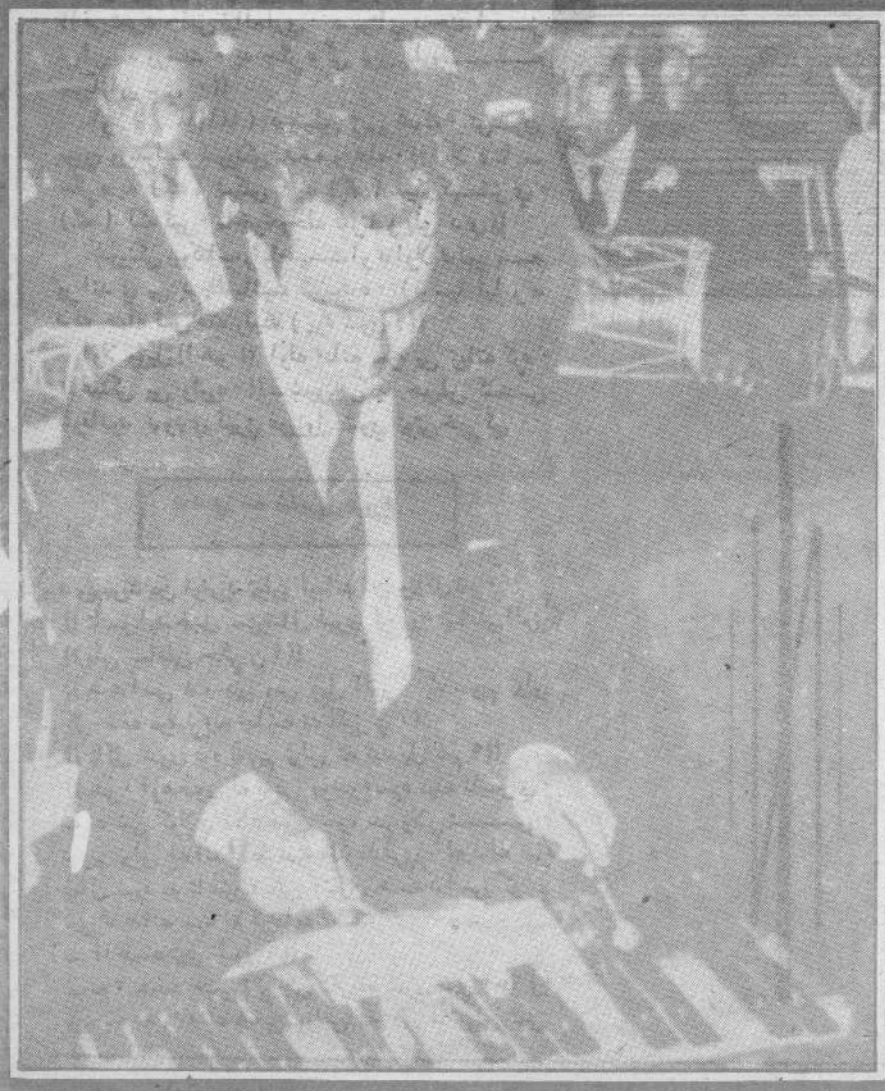


صدای

جاودانه سده ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) با رویای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا "تیر منق" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بیاورده تهدیدش کردم که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

موکیش

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش ورنی - می‌میرند چنین چیزهایی واقع نشد و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششده آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

ته بی ارتقا کړي ټریوي اندازي ضعیف شوي

دي . نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود .
- الرزکونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي . هسه
سربازان ښه روزلي دي او سورشال موهم لیري
کړي (پوه شوي ؟)
- هو ، ښاغلی جگړن .
- او بیا کوي چی سربازان د سگرت څکولوبه وخت
کې احتیاط وکړي . کله چی غشی ویشتونکی دغه
د شپې خلیدونکی چینیچی وینی چی له یوې خوا نه
بلی خواته یی گوتی یی خارشت کوي .
په تیره اونۍ کی پناه کسه سربازان په سروندو
باندې په گولی ولگیدل ، ښه پاملرنه وکړي !
پوه شوي ؟
- هو ، ښاغلی جگړن .
دوم برید من الرزکله چی د ټولې په لوړ روان

لیکونکی : ولکانگ پورشرت
ژباړونکی : ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه ،
یو کال پنځوس سه شنبی ،
او جگړه ، د پیري سه شنبی لري .

د دې سه شنبې په ورځ

په ښوونځی کی بی القاد لویو تورو مشق کاوه .
د ښوونکی په سترگو ، د بلی ښیښی لرونکی عینکی
وي . عینکوی جوگا ټنه درلود اولنژونه یی هغو .
مړه د بیل ووچی سترگی یی په سختی لیدل کیدی .
د وه خلویښت د جونۍ د توري تختی ، وړاندې
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل :
(فریتس د خلیس بیاله لري . د برتای د خندا غمز
تیرایسه ورسید . په جگړه کی ټول پلرونه
سربازان دي .)
اولا (۱۱۱۵) د خپلی ژبی خوکه . تر سړي
پوري ورسوله . ښوونکی هغه ووهله . (اولا (تا -
جگړه په (گ) لیکلی . په (گ) لیکل کیږي .
(گ) لکه گور . ما خو پخپله درته وپلې دي)
ښوونکی یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په
وړاندې یی د چلیانښه کینود . (د سبا لیا ر -
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي ؟)
اولا وویل (هو) اوله ځانه سره یی زیاته کړه :
(عینکی یی وگوره) . د ښوونځی په حویلی کسی
کارغاوند د وږي لیري غوړول شوي ټوټی خورلی .

د دې سه شنبې په ورځ

دوم برید من اولرز د ټولې قوماندان وټاکل شو .
(تا سبا یاید خپل سورشال لیري کړي . ښاغلی الرزکله)
(بلی ښاغلی جگړن ؟)
(هدا س د ه چی ویس ویل الرزکله په دوم ټولی
کی دغه موضوع په چاښه نه لگزی .)
(ټاکل شوي د ه دوم ټولی ته تبدیل شم)
(هو . او هغوی له دغی موضوع سره ښه نلسري .
ته نه شی کولای له هغوي سره سم ولاړ شوسی .
دوم ټولی له انضباط سره عادت کړي . له دغه سره
شال سره په تاسوونه منی . تورن هسه داسی کوم
شی له ځانه سره نه گرځاوه .
(هسه ټی شوي ؟)
- نه ، هغه خبر را کړ چی ناروغه شوي دي ، حال
یی ښه نه و ، له هغی ورځی نه چی د تورنۍ رښی

بیغلی سورین وویل : (هو ، هغه کولای شی) .

د دې سه شنبې په ورځ

تورن هسه یی په تسکړه کی له حشراتو سره د
مجادلی کوټی ته وپوړی . د ننوتو د روزي پر سر په
یوه ټابلو داسی لیکل شوي و : (که جنرال یی
که سرباز یی ، دلته باید خپل وښته وڅیړی)
د هسه وښته یی وڅیړیل . د نرس اوز د پاونر یی
گوتی د غشی لاسواښونه ورته وي .
د بند وپوشاوغوا یی لږ سره ښکاریدله .
هسه ته یی په کم شی باندې چی د درملتون
پوي یی درلود مالش ورکړ . ترس په خپلوشی د وږه
لاسونو د هسه ښوونځی وروسته یی په پوي د بلی
کتابچی کی داسی ولیکل : (تودوخه ارا) ، ښی



و ، سورشال یی له ځانه لیري کړ . سگرت یسی
ولگاوه او په لوړ غزی وویل : (د ټولې قوماندان
دوم برید من الرزکله)
په هغه وخت کی د بزغز پورته شسو .

د دې سه شنبې په ورځ

ښاغلی هانزن بیغلی سورین ته وویل : (کو -
چی سورین د دوم محل لپاره باید ښاغلی هسه
ته کم شی ولیزو . لږ سگرت ، پوخته خوراک ، د -
لوستلو لپاره خوکتا پونه ، یوه جوړه د ستنکی اودا -
سی نورشیان ، هلکان زکام نیولی ، زه هم دغه زکام
ښه پیژم . د پیره مننه .)
(ښاغلی هانزن د د هولد رلین کتاب څنگه دي ؟)
(حماقت دي کړچی سورین ، حماقت . نه ، ښه
په وي لږ څه ساده وي ، لکه ولهلم پوشا وپسا
همدارنگه نور .)
(ته خو پوهیږی چی هسه له ساده شیانوسره د پیره
مینه درلوده ، په مینه یی خندلی ، تاسو خو په دي
پوهیږی زما خدا په دغه هسه خوږه کولای شوسی
رخاندي .)

۱۱۱۶ . یی هونه ، په قوي گمان ، تیغوس)
کتابچه یی وتر له ، د کتابچی پر وښی لیکل شوي و :
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)
کرنی لاندې : (یوزرا واخلورسوه بسترې)
موظفینود هسه تسکړه پورته کړه . په زینه کسی
سر له پر ستنی څخه د باندې وتلی و ، اوله یوې خوا
نه بلی خواته په حرکت کی و . وښته یی ورته
خریښی و .
د تسکړي یوه وړونکی ریزش کړیو .

د دې سه شنبې په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنیکه وواژه . کله چی
د روازه خلاصه شوه . هسه لیک یی چی په لاسکی و
ونوراوه . میرمن یی تورن شوي و .
په هغه بجای کی د سر ودرجه صفرلاندې خولو -
ښتوه اودغه لیک نه ورځی په لاره کی و .
د پاکت بروم لیکل شوي و : (میرمن تورن هسه ته
دي ورسیږي .)
میرمن هسه لیک جگ نیولی و ، خو گاوندې یی هغه
نه لیده .

خلویښتو د رچی ساره ، او ترشوندولاندې یی زرمه
کړه : (بیچاره سربازان) .

د دې سه شنبې په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د سارای روغتون
رښی د روغتون له سرطیب څخه پوښته وکړه .
(هره ورځ خوکه .)
(پناهغه شپږ کسه .)
اوربیس وویل : (نفرت پارونکی ده .)
سرطیب یی په خواب کی وویل : (هو ، نفرت
پارونکی ده .)
او هڅ یوه د بیل سترگوتنه ونه کتل .

د دې سه شنبې په ورځ

د (جاد ویر فلوت) قطعه یی غزولسه . میرمن
هسه خپلی شونډې سړي کړي وي .

د دې سه شنبې په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسی ولیکل :
(د خندا ایله مرستی پرته استقامت نه شی کیدی)
خو کله چی اسپستان ورنژدی شو . له خایه پورته
شوه . اسپستان لکه چی د نر یی د پوي وچی نیسه
برخه یی پرشا پاروي د سالون له منعه په کړ وپسه
ملاتیر شسو .
الیزابت له هغه پوښتنه وکړه : (هغه ته باید
کم شی ورکړم .)
د اکتر خواب ورکړ (نه) دغه کلمه یی هومره
ورو وویل چی تابه ویل له خپله ځانه شرمیږي .
اوروسته یی تورن هسه د باندې ولیز داوه . د پا -
ندی زیات غالمغال اوږدل کیده . چا وویل : ولسی
مړي په ارامی سره پر ځمکه نه زدی . هر محل هغوي
له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړیږي .)
اسپستان له یو بسترنه بل ته یی . هره ورځ اوهره
شپه .
اوږ دي ورځی اود شپی په اوز د وکی . لکه د هغه
چا غوندې چی د روند باری بر اوږ وي . کس و پ
د سالون له منعه تیرید .
د باندې . دوه کسه چی تشه تسکړه یی وړلسه
سره خپي را ولویدل . یوه یی وویل : (اخلورم
نمبر ریزش کړیو .)

د دې سه شنبې په ورځ

د شپې . اولا په خپله کتابچه کی په غټو تورو -
داسی لیکل :
(په جگړه کی پلرونه سربازان دي .
په جگړه کی ټول پلرونه سربازان دي .)
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله . او جگړه
یی په (گ) لکه گور .

صاحبا ز پوپل

لیلا، لیلا تو روز دوست است خدا یاد دنیا کو روز دوست است



نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من

— در راد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یوتلوزین که زنده باشند در روزه های مایوسی را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انراد در طلوع سوزنیک ثبت میگردم بعد از از زبانی اگر خدا بخواید که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکوه به خورد من داد پس بد یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یوتلوزین کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت بد پند برنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز دوست است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند که تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— یاد راول هاهم از طرف راد یوتلوزین داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد یوتلوزین با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— با آواز مقبولی که در ان ۷ پارچه خیلی کر نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد یوتلوزین راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبانی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده بسازم.

— اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است؟

— یک گپ دیگر هم است من نه کابی بقمه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یوتلوزین موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگنیم شب را سرگنیم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستیز من بینم. او میخورد اند (نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زده ام) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کردم. ام از او دعوت مینمایم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلوزین میگزینیم؟

علاقه مندان آواز تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمبازند کشور ترک کند او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشقی قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفرنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام (گروه کامیون) پلیمشود که در راد یوتلوزین میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقتی او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقتی میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکونه میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۵۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقتی متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوخت نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی
 د خیل احساس سره سم پرمخ
 یی د خیل مراد د لاسسته
 راور لود باره توله مخه رانسکر
 زوی د مار به کال زیزید لسی
 هلك قهار شهوت پرست او
 خورا حساس وی اوزیزید لی نجلی
 بنایسته وی به عابانیا نوکی
 د بنایسته ستاین د باره مار
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل
 کییزی .

نیکمرغه به وی که د مار به
 کال زیزید لی د گامینی اوچرگی
 به کال زیزید لوسره واده وکړي .
 خود بیژود کال سره به طالعمنند
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ
 د کلو سره به بد مرغه وی .
 به یو یزیم کی مارک نیسه
 موجود به توگه گیل کیزی د مار
 رانو پاچا (موجالیندا) بوداد
 سیل به وخت کی وژغوري مار
 خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل
 کیدی ترخود فیلسوف نگارچون
 د نظر له مخی انسانان د مار
 د پوهی سطحی ته ورسیدل .
 همدارنگه به بوداییم کی مارک
 تهر چرگ د شهوت او خوگ د
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په
 دی عقیده دی چی د مار به
 کال زیزید لی نارینه که د سړی
 اومیزی به کال زیزید لی نجلسی
 سره واده وکړي د هغه
 اولاد ونه به نامتوانان داره خلک
 وی د مار به کال زیزید لی نجلی
 که د چرگی اوقایه کال زیزید لی
 هلك سره واده وکړي دوی به
 نجونی زیزوی .

د منگولیا او منچوریا خلک عقیده
 لری : (د مار به کال زیزید لسی
 یو معتدل اوزره سواند مانسان
 دی همدارنگه دی به منطقی
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی
 وی خو عیب به یی دشرویاتو
 خنبل وی د زره مغلواو نوری
 اوز دی ناروی به ولری د د
 د باره لازم نه دی چی د خیل
 رییس (وظیفوی) سره جنجال
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ
 یو سی اووروسته به له منحنی
 ولاړ شی .)

د مار به کال زیزید لی انسان
 به تریوا ویا کلو پوری ژوند وکړي که
 د پاک خدی د کراوشا وایسی
 مشکله خوگ خان حنی خلاصولو
 شی د مار نوروه نظریوا و فیصلو
 وی .

د تبت د شپيته کلتی کییزی
 بیل د جینی کییزی له بیل سره
 سمون نه لری به تبتکی دا
 دوره د سوي د کال خخه بیل
 کیزی به پداسی حال کی چی به
 جین کی د موزک د کال خخه
 بیل کیزی به د دوی ترمنخ تو پیر
 به د روگلوکی دی به دی خاطر
 اوسنی شپيته کلتی دوره به جین
 کی به ۱۹۸۴ کال او به تبت کی به
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .
 د ۱۹۸۹ کال د فبروري د
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال
 یعنی د زره مار کال بیل شو .
 (چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی
 عنا صرو د دی رنگ سره
 مخکه سمون لری کال مونث
 (نرم) بلل کیزی د خختیو
 خلکو به روایت به دی کال کی
 زوری او بد مرضی بیسی سختی
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی
 د منحنی اوختیعی آسیا به خلکو
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه
 شته جابانیا ن عقیده لری :
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی
 خاوند دی خورا طالع مند دی
 هر خه ته بخان رسولی شی مار
 متکبر او مغروردی خوشتر یافغو
 سته شوی دی مار خورا خسود
 خواه او موزی دی خود علاقسی
 به صورت کی مرستی ته هم دانگی
 کله هم داسی ساته کوی چی به
 مشکله خوگ خان حنی خلاصولو
 شی د مار نوروه نظریوا و فیصلو
 وی .

د هر عنصر د باره یوزرگی یعنی
 سورد اور ژر د مخکی سپین د
 اوسینی تور د اوبواوشین د در
 ختی د باره مشخص شوی دی
 کلونه به مذکر (کلک) او مونث
 (نرم) ۲۰۷۰ ل هم ویش شوی دی
 د موزک پراگ نهنگه آس
 بیژواو سینی کلونه مذکر (کلک)
 اورد گامینی سوي مار میزی
 چرگه اوخوگ کلونه مونث (نرم)
 بلل شوی دی .
 لویه یا شپيته کلتی دوره به
 خختیوه او منحنی آسیا کی لخورا
 پخواخه د تاریخ به مختلف زمانو
 کی منل شوی ده . د انگیزه به
 جین کی ترمیلاد مخکی به د وده
 پیزی به جابان کی به مغولستان کی
 به خلوروه پیزی به مغولستان کی
 د میلاد به خوار لسه پیزی ۱۰ و
 به تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور
 یی او ساعتونه هم د خاویوه
 نامه یاد یولی لکه د (صفر متر
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه
 (۲-۴ بجو) د گامینی
 (۴-۶ بجو) د پراگ له
 (۶-۸ بجو) د سوي او هندا
 راز تراخره پوری یاد یولی
 لویه کیزیه :
 پنجه کوچنی د وولس کلنی
 د وری یوه لویه شپيته کلتی دوره
 جوړ وی به دی دوره کی یو
 خاوی بنجه واره به تکرار یاد
 یزی خوه هر وار کی یوزرگی د
 هر خاوی د باره مشخص شوی
 دی د ارنگونه د پنخو طبیعی
 عنصر یعنی درخته اوره مخکه
 اوسپنه او اوبو خخه اخیسته
 شوی دی د اوش به لاند نیس
 جدول کی به واضح ۲۰۷۰ ل هم
 گند یزی :

مور	۱	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
کوه	۱	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
پراگ	۲	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
سور	۳	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
نهنگ	۴	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
مار	۵	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
آهن	۶	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
میزه	۷	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
لیزو	۸	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
چرگه	۹	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
لیپی	۱۰	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
خوگ	۱۱	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
شبهان	۱۲	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور
شبهان	۱۳	شبهان	۱۳	سور	۲۵	ژر	۲۷	سپین	۲۹	تور

نامه یاد یزی به دی ۲۰۷۰ ل
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا-
 نگ ۴- سوي ۵- نهنگ ۶- مار
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو
 ۱۰- چرگه ۱۱- سپی ۱۲- خوگه
 نوي کال به د جنوري د د یار
 لسی خخه د فبروري ترخلو رو
 پشتمی پوری (د جدی رویشتمس
 خخه د حوت ترخلوروی پوری)
 بیل کیدی تل د سپوزم به
 لومړی وړخ نامانعل کیدی .
 منگولیا یی ژری وپونکی خلک نوي
 کال (سگان سر) یعنی سپینه
 میاشت بولی نوي کال به نیمه
 شپیه نه نامانعی بلکه د نوي کال
 به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی
 نامانعی اوبه دی سهار دی یی
 سینی خلک د یویل کورته سس
 نوي کال مبارکی وایی اوسفاتو
 ویش د اعدا ت تراوسه پوری
 به منحنی آسیا کی پاته دی به
 به میلمستیایکی د فونواوشید و
 خخه نیار سوي خوار به دستر
 خوان اینول کیزی سپین
 خوار به سپینه میاشت لور
 حکمت د رلود او خلک به دی
 ارمان وه چی د خوار به
 نوي کال د رمو به زیانید وکی
 اغیزه لری او د پوی خور لسو
 به وخت کی یویل ته د خاویو د
 بجایانو د زیزید ولو هیلیس
 خرگند ولی اوبه مغولستان
 کی اوس هم د نوي کال لومړی
 وړخ د خاویو دورمی به نامه
 یاد ییزی .

نه نگاری د دی برخای چی
 د اقمری شمسی وپولو به به
 وی چی قمری شمسی
 مشتري زحل کلزیه یی وپولو
 بکه د انگیزه د لمر سپوزمی
 مشتري زحل او مخکی د حرکتو
 خخه ترتیب شوی ده د اذکبه
 هم د وولس کلتی بلل شوی چی
 د لمر به شاوخوا پاندي د مخکی
 د حرکت خخه تصحیح شوی او
 توگه ۱۱۶۸۶۲ کلتی دوره بولی
 د اوزره د لمر به شاوخوا پاندي د
 مشتري حرکت دی .
 تراوسه پوری د دی کیزی د
 پیدا کید وپای چاته بحرگند نه
 دی البته به آسیا کی دی خو
 به خختیوه یا منحنی برخه کی د
 خرگند نه ده د پوی خوانجو
 یی شمیرنه د منحنی آسیا کوچنی
 کلتور خخه لیری بریسی اوبه قوی
 احتمال د جین د خوزون نجوسی
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی
 د بلی خواد کلزیه تول خاوی به
 لزا استتا (بیژواوچرگه) به
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ
 خوه مرعای کی ژوند کولای شی
 بکه نوحل به سل کی دیوه روایت
 تا پیدا گاردی خو بیاه به
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کلزیه
 جوړونکی وحرایی کوچیان دی چی
 د مترکوچی مد نیت خاوندان
 وړه خرنگه چی مخکی مورویل دوی
 کلزیه دی کوچنی کلزیه د وولس
 کاله ده هر کال د یو خاوی به

د هر نوي کال به راتلو سره
 تول خلک د نوپیدیدو البته
 نیکمرغه پیدیدو به تیره تمه وی
 او هر یو د خیل قیاس سره سم
 راتلونکی اکلونه وړاندی کوی
 د ابحوانی آسیا یی عادت به
 اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز
 گرچید لی دی خو پوهیزی
 چی راتلونکی کال د کم خاوی به
 نامه یاد یزی اوهغه ۲۰۷۰ ل کالی
 اوما سکونه و فوندي اورد کال
 به لومړی وړخ یا شپیه یو بنایسته
 نوبت بنکاره کوی به عانگری
 توگه منحنی د دی پویشتی سره
 پیره علاقه خرگند وی اورد سر
 زره غوازی چی د نوي کال هم
 د هغه خصوصیات او تقریبی
 ایتکل شوی راتلونکی خان تصعلیم
 کسری
 د کلونود اوش یوه خختیوه
 عنعنه ده چی د پخواخه د
 کلزیه به ۲۰۷۰ ل کال د عدد د سر
 خنکه د خاویو هم لیکل کیدی
 د اوش دوی دوری لری لومړی
 یی د وولس کلتی اود وده یی
 شپيته کلتی دوره ده کله یی
 پوهان د کوچینی اولوی دوری به
 نامه هم بولی د وولس کلتی
 د نورولس هاوکلزیه برتلسه
 د ویره معموله کلزیه نه ده به
 یقینی ۲۰۷۰ ل کلتی د ویر
 حقیقی نه ده لکه یوه نجوس
 او کلتوری کلزیه چی ده به
 علمی ادبیاتوکی یی کله قسری
 کلزیه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و فرهاد محلی خخه
د شیر شاه رشاد ژباړه



مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (توسفيو جزمين) در ارتفاع ۲۰-۳۰ كيلومتر سطح زمين - منتشر است، هرگاه آزون از ديگر تركيبات اتموسفر جدا ساخته شود قشری با ضخامت ۳ ميلي متر را تشكيل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به ۸ قهپها ۸ كيلومتر میرسد، آزون - راديو اکثف ماورای بنفش خورشيد را جذب نموده، مانع ضرر به پوستی - بالایی سطح زمين و مانع تغییرات حرارت در اتموسفر میگردد.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشيد کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمين بر اقليم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمترول میکند. از جمله دشمنان عمده آزون نور - روت و محیط بحرکات مشترک کاربن و فلور و کلور میباشد. از ۶۰ سال است که در میخان ها و کلورهای شکرکس مانع مورد استفاده قرار میگيرد. این ماده زهرآگين نبوده، توت فراران کم میباشد. در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد نميکند، یک اتم - کاربن میتواند ۱۰۰۰۰۰ اتم آزون را تخریب کند.

برعلاوه نور روزگارهای چنان که کساید آزون و ديگر موادیکه تعداد آنها به قهپها ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب میخوانند.

برای ازدياد معلوميات خوانندگان محترم نظر گنگوی خبر - بيه در صفحه (۷۵)

آیاتصادم زمين با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای انتهائی اطراف ما، که بانجم و کواکب مرصع گردیده، نمایشگاهی رامانده که در آن هزاران هزار کواکب سیاره پرتوانشانی میکنند. زمین که مراتب این اجسام جولانگرما مت در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنها دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید؟ علما اظهار میدارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این درید و خلقت این امکان به نياز را برای تصادم با زمین میسر میسازد.



علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره - هیرمز با زمین تصادم میکرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰۰ میگاتن مواد منفجره بوجود می آمد، سیرو عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر مییافت. زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خرابی، مواجه میگردد. این گونه تصادم ولو اگر در آب یا خشکی به وقوع می پیوست تا اثیرات آن سالها سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به وفيات موجودات و خرابی کاینات میشود. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره - هیرمز با زمین تصادم میکرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰۰ میگاتن مواد منفجره بوجود می آمد، سیرو عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر مییافت. زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خرابی، مواجه میگردد. این گونه تصادم ولو اگر در آب یا خشکی به وقوع می پیوست تا اثیرات آن سالها سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به وفيات موجودات و خرابی کاینات میشود. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد. برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد.

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش و اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز. سر درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، یابیس از حد معیسن غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه های و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم. قهوه میبینم تا خود را تسکین دهم، از دواهای مسکسن استفاده میبم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و...

با وجود ا امینان به محبت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگی سازش نمی تواند. داکتر هونگ میدانم که امروز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در نایف - فغیت دارد، تدابیر میگیرم. داکتر بابت بیچکاری نظیر - دارای سوزن موماندنی به نایف مرید نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریباً همه از دست زدن به آن به تقشایمی آید، درین اثنا داکتر در حانیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی در بیمار دستش را بالای نهانگا

در بابتخت جمهور مردم کوریا نظریات خود را بر مومون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تدابیر میخوان و نتایج فنافت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. طبایط سوزن عمل سوزن زنی در نقطه مدیه دیده بدن، که در روی جلد نقطه فعال بیولوید میگو دارد، صورت گیرد میواید آن مد ها مرتبه بالا میروند. این شیوه به صرف کمترین مواد کیمیاوی، احساس کمترین درد و حصول نتایج اعظمی منجر می گردد. به عقیده داکتر هونگ بیوا - مون مومون بیورشن تیورهای نظریات زیاد و گوناگون و همچنان برای جوان شدن نسخه های

بقیه در صفحه (۷۵)

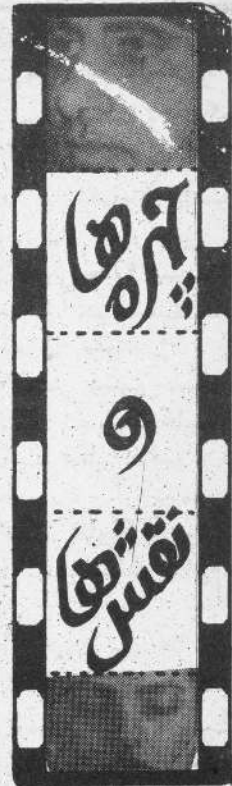
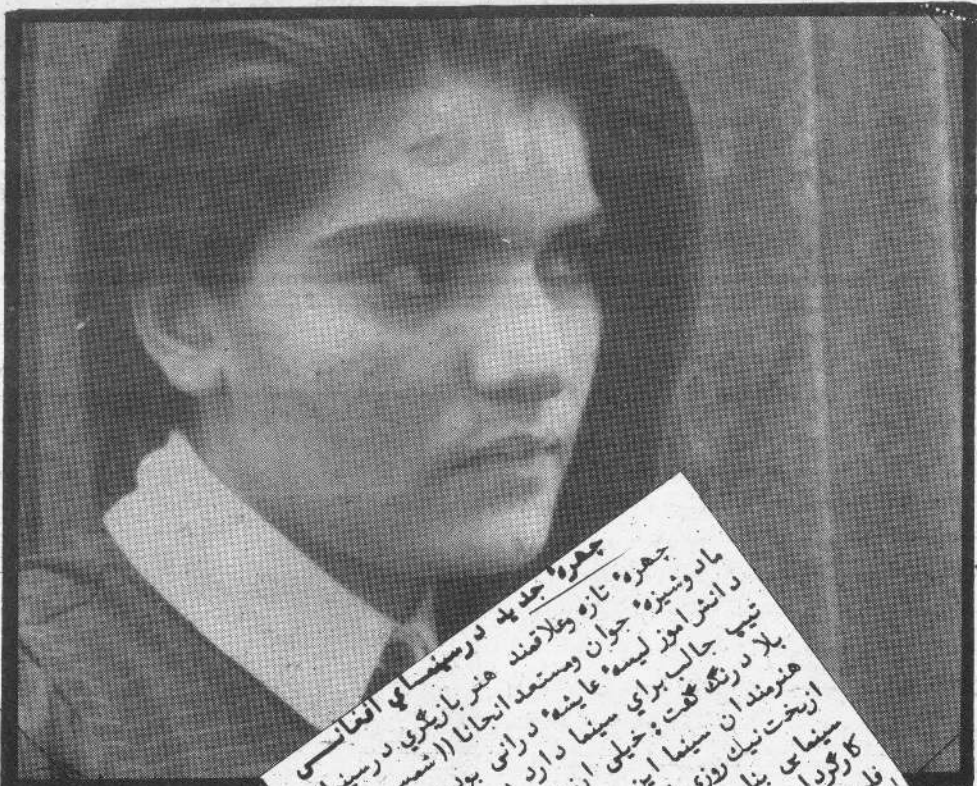
تحقیقات علمی - رتورن وسطی این رابیتشکس میکند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰۰ علی الرغم اینکه نظیه - بالا تکمله - جوانس - وسیع موزع در میان علمای قرون - وسطی نمود ولی عده - تعداد علمای آن صریحاً اینضممن - تسمیر این احتمال میکنند.

چهاروشش میلیون سال قبل کواکب شکلی از دوام گازها ضار را داشت که توسط آنتاب احاطه شده بود، که جذب یک جزان توسط جز دیگر سبب تشکیل آنان گردید و در - اخیر در نظام شمسی همای شان - متناوز گشت.

علمای امروزی نجوم به نظیه - فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، بسا در دارند هرآن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج بلون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه - هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

علمای امروزی نجوم به نظیه - فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، بسا در دارند هرآن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج بلون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه - هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

بقیه در صفحه (۷۵)



چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای مادوشیزه جوان مستعد انجانا (انسی) -

دانش آموز لیسه عایشه درانی بوده است. او که تنها حالب برای سینما دارد در برابر پرستی بلا درنگ گفت: خیلی ارزوداشتم تا روزی در میان هنرمندان سینما این هنر ظریف و حالب قرار بگیرم از سخت نیک روزی اطلاع یافتم که کار تهیه فیلم برای بنام (سفر) در دست تهیه است و فلسفه انتخاب این هنر ظریف و حالب قرار بگیرم در مسابقه جشنواره فیلم فجر بود که برای اجرا کند و نقش (هیروئین) هم ایفا کند. در مرحله نخست فیلم برداش میاید کاندید شدیم. البته نقش را به کوه خان کردیم و ما مجله زیبای در فونرمان که در مرحله دوم ساخته های موسی رادمنش نیز منحیت هنرمندی افغانسی با اسم گیری و اجرای نقش عادی سینمای دیگر دست اندر کاران و سینماگران گامهای هنری در اینده برداشته باشیم.



لیزا بیوی پرده

دوشیزه ایله ازمن شش سالگی با مادرش که از جمله هنرپیشه های مستعد سینما و تلویزیون است، بنا بر توشیح بدش راهی هنر تمثیل شد و گام بگام صحنه این راه، راپیمود و کون در سکوی موفقیت قرار دارد. او دوشیزه لیزا است.



لیزا در برابر پرستی افزود: اولین مرتبه ای که در برابر کمره فلمبرداری قرار گرفتیم، دلم شور و هیجان خاصی داشت، خوشنود بودم که من روزی مثل مساندن (خورشید) هنرپیشه شوم و این فلم (گناه) نام دارد از ساخته های انجنیر لطیف، باردی به فلم سینمایی (گام های استوار) به کارگردانی توریالی شفق بعداً به فلم سینمایی قرار بگیرد. (صفحه ۷۱)

تصویر بردار

این جوان مرم و بر تلاش زمزی (سخی) یکن از تصویر برداران خوب تلویزیون است. او در زمینه کارش حرفه ای دارد که با هم میخوانیم - قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کنم نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم، همه زیبایی ها را در ذهنم تصویر میکردم. بدین

علاقتندی تلاش ورزیدم تا در مورد دسترس پیدا کنم هماناد رسال ۱۳۶۲ بدینسو به هنر فلمبرداری تلویزیون رو آوردم که در مجله پروگرامهای اخباری روز موه را - فلمبرداری نموده بعداً برنامه های اداره هنر و ادبیات کارگرن و جامعه، جوانان، اطفال و پیشه وران را ثبت و تصویر برداری بقیه در صفحه (۷۱)



پیرین چوپیره جیره موقی

یکی از غریبانه گان بر فدرت سینمای هند که نه تنها با آفرینش نقشهای درخشان و نامتعارف و در هشتاد و نه سالگی (مردانگی) می یابد، بریم جو پرواست. از هنرنمایی این هنرمند میگردید با گذشت سالیان در بازیگری از هنرنمایی این هنرمند میگردید. فیثا به تیر ملبوس این بازیگر درون میزند، چرا که این بازیگر در قالب نقش نونو میکند که توجه بر تماشاگر را بخود معطوف داشته. آن مجال دسترسی نیست. نه تنها تازه کاران بلکه سابقه داران از قابلیت باور عاجز بدوی آیند. این مطالبه بچین ضمن صحبت تیره در صفحه ۱۰.

مرد خشن با سحرین تیکو



اوزنده گی را دوست دارم - شت و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه و انسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای امریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسین کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی است در ونیترسا (ایوا) امریکا متولد شد، می باشد.

(جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید.

در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیو نوکس در شهر لانس - انجلس مراجعه کرده و در آن جا

در کارهای صحنه سازی فلم ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد.

نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) ((بیک تویل)) به دست آورد، پس از آن نزد یک ده سال در فلم های ارزان قیمت وسترن (کاوبای) نقش های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آن در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوبای بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) می باشد.

در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوبای در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش ها برای - سالیان متعادی در زمره ستاره های ممتاز سینمای امریکا، او را از دیگر هنر بیشه گان متمایز می گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تماشاگران سینما را بخود منحصر - ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیر بوجود نیآورد.

بقیه در صفحه (۱۱)

سیدیه خاموش شد



و چنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریو های نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه ها از بستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحنه ستیز راه یابد و جلو آخرین گردد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزو هایش را به انجام و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۱۰)

نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر می باشد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری می باشد. بقیه در صفحه ۹۳

آرها



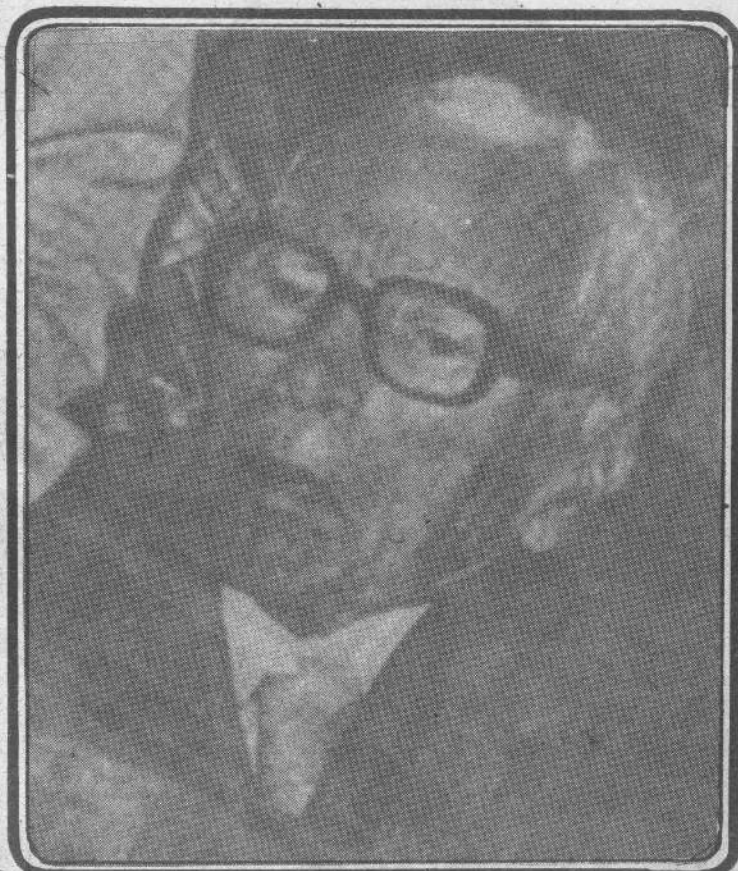
تفصیلات

قافیه و قیافه

کوچک

درسیمای یک مرد

بزرگ.



در صد سالگی

چارلی

استعداد و شهرت افسانه‌ای
چارلی در سراسر جهان
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
حیات خود به شهرت و محبوبیت -
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
شمارانند ، بخوبی کسانی چون
چارلی چاپلین که برای مدت زمان
طولانی محبوبیتی پایان ناپذیر در
میان مردم جهان داشته باشد .
چارلی چاپلین بزرگ که در این
روزها در سراسر جهان با حرمت و -
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد
سالگی تولدش را جشن گرفتند -
استعداد این شهرت آسانوی در
ضمیمه همین گردیده بود .
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
برای نخستین بار روی پرده ، هر
خانواده از ناض آگاه بودند -
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین -
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه
رفتن چاپلین ابداع کردند ، ناض
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .
چاپلین سیمای جاودانه شخص
را در دل پرده سینما خلق کرد که
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از
دیدن آن شادمان میگردد و کیف
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر
نابسامانی های تجسم کننده تب
های معین روزگاران فلماهای
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکثر
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نوز از جلادادن بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ایاته ورزیدم .
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهسد
 و گرم تاشا ی دیکورسالن هتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کم ، از میکاژ ولباس را بیوتی خوشم
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوروی بسر کنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستیم
 که همه چیز باهم در تضان باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خود
 و بوتهای کلان ، تعیدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطرم نبود که مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر ایم روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نسا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، تا ظاهرا شدن بیورود سیتیز
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در بر ابروست قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً سائیز کرده بودم ، در -
 بر ابرین به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 هان نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

۳۵

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انسد. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشت بود. نضا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیهم گلوله های که از دهانه تفنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید واجازه ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: ((قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: ((بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالایی شوهرم تفنگچه کشید مرمی که از تفنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختر گفت: ((چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

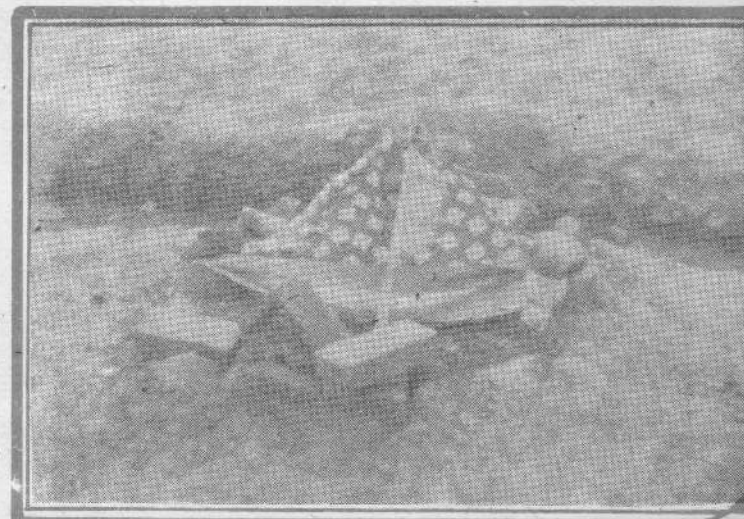
با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟
- نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

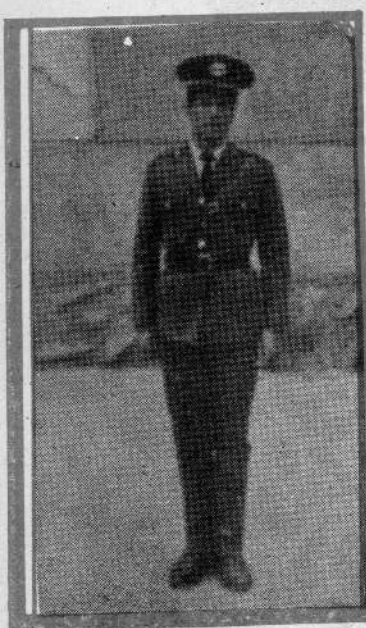
دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی فامیلش رعایت نداشتند. وقتی با دختر نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی با دختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)

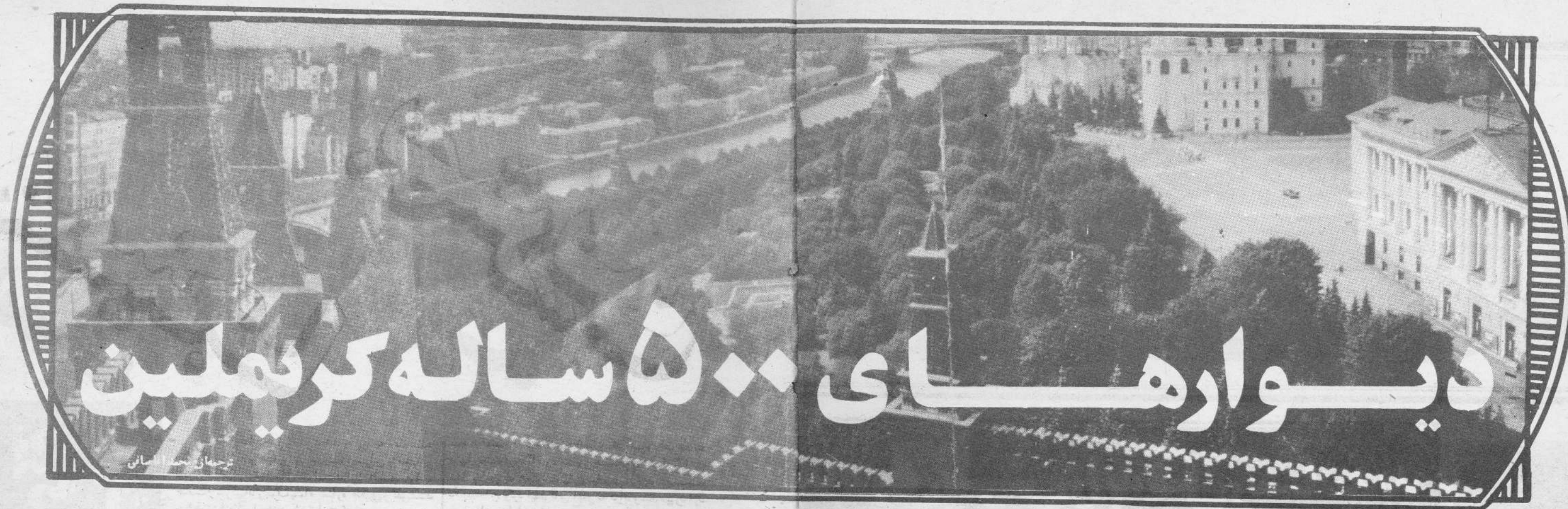
مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی بود



دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

تیمارستان

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟
 دهی از انصاف های باستانی در باره آغاز مسکو که تا به نهم آن معلوم نیست باز رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثل امار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین تنها به شکل شلختماوی الاغلا ساخته شده است.
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پلخت - میدان سرخ میباشد.
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندس تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی یا کلیسای واسیلیانینسک بوده معرف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنو - بنیادگذار تاجران از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد.)
 قرن شانزدهم و شانزدهم (صورت وسعت سه بعدی استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.)
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگورد - ایوان - گورد، کولونو و غیره احداث گردید.
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.
 بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی، دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد. چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست. در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت. در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعد دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.
 اولترازیمه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند. بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد. بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید.
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید. قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر رسیده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان دیوارهای پانزده کیلومتری جوسی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن پانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد. بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.
دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت. معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود. طبق معلومات در اشر حجلات تاتارها طعمه حقیق گردیده و این دیوارها باز جعات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیستی) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اعمار آنها هم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.
 در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیو سولاری، الیگز فنانین، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امبار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوارهای دومی آن، بدور دیوارهای اولی پانثل اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزدهم در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۲۰ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی یا کلیسای واسیلیانینسک معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تکلیف شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین آهک ساخته شده که ملاء دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر آن بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به این شمار مورد توجهات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلثی از برجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخود دارد. نخستین برج طوری ساخته شده که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به این شمار مورد توجهات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلثی از برجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخود دارد. نخستین برج طوری ساخته شده که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بناهای دولتی بزرگترین دیوارهای کرملین ۵۰ ساله

فروشندهای سبزه‌ها در انگلستان

فروشگاه آناه‌ها در هندوستان بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتنت فروشنده به منظور جستجوی اشیای گران
بها و نادر به هر گوشه و کجایند نیا سفر میکنند ، بسا
علاقتمندان و گردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند
و در حراج ها اشتراک میوزند .

انتونی سبزه ۴۹ ساله ، امر د بیارتنت
نقاشی ، همن تماشای سالون فروشات اگسفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا ، که
به صورت رنگه آبی کار شده است ، برخورد و به آن -
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید ، این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق
گرفت ، چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -
نا بیغه رویایی قرن نوزدهم سامویل بالمر است ، بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید .

انتونی گاردنر ، مسوول آثار هنری جنوب شرق
آسیا ، ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترسیم نمود .

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری ، یکی از مر -
یدان بود ، از موزیم میانماتی بنگله دیش آمد
است . او میگوید ، (احتمالاً این برونز در زمان
حکومت هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد ، صا
کاملاً آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقامات
بنگله دیش تعهد بکنند که آنرا در موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند .)

با امانده مجدد برونز ، سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد : (آنچه را که ما
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است .)

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر
بشمار میروند ، نیز در این فروشگاه وجود دارد .
گاردنر میگوید ، که تا این اواخر آثار هنری و منا طبق

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در
لندن ، که (۳۰۰) سال قدمت دارد ، استمداد
جست ، شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت .

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه ، شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است .

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند ستارنگه داد و ستد
دارد . هرگاه بهترین را میخواستید ، همینجا است
گزانبهاترین آثار در همینجا است .

تلفورد شوت ، امراداری فروشگاه اظهار
داشت ، (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است .)

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -
مجسمه های شرقی ، منسوجات ، نقره باب ، نقاشی -
ها ، جنی باب ، مسکوکات ، کتب ، مدال و تعداد
زیادی از اشیاء و اختا بر برانگیزند و جالب آنگند
است . جالبترین بخش آن قسمت آثار چینی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع
ثالث درآمد شرکت را میسازد ، اجناس ترتیبی
از قبیل عاج ، برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه
خاصی در اناقه چیده شده است که کویلا خان
میتوانست آنرا به شرکت خویش در خاناد و انتقال
دهد .

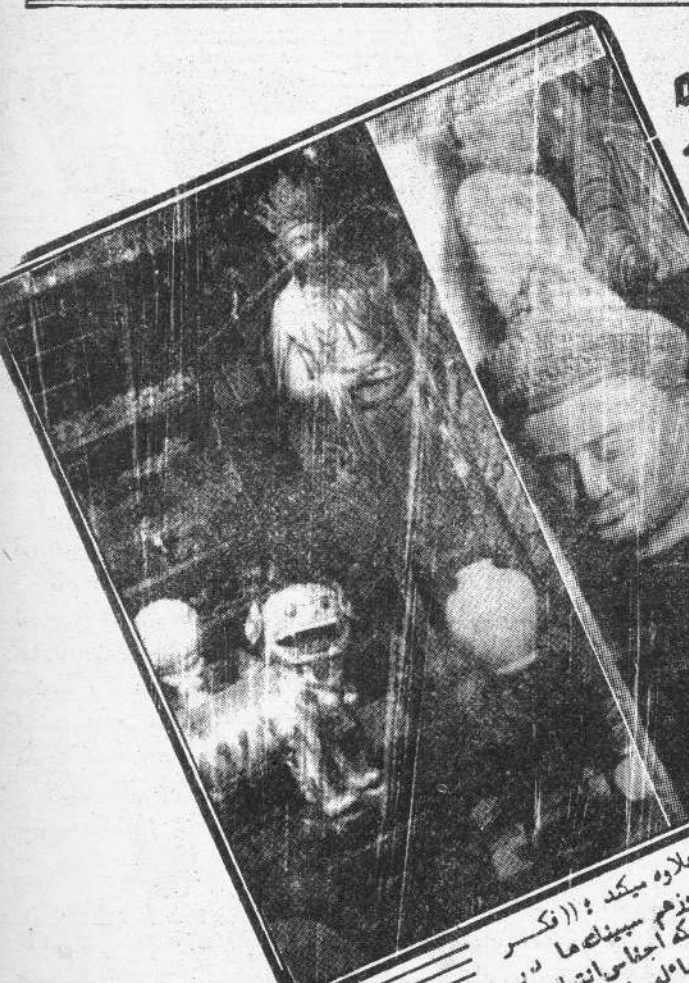
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه
سکات میباشد ، در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آورد .

داشتن همجو اجناس در لکتر توجه علاقمندان
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است ، یک امریکایی
سخت علاقمند است تا در برابر دست آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند .
مشتریان خصوصی و موزیم ها به فروشگاه سبزه

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فارغ التحصیل گردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

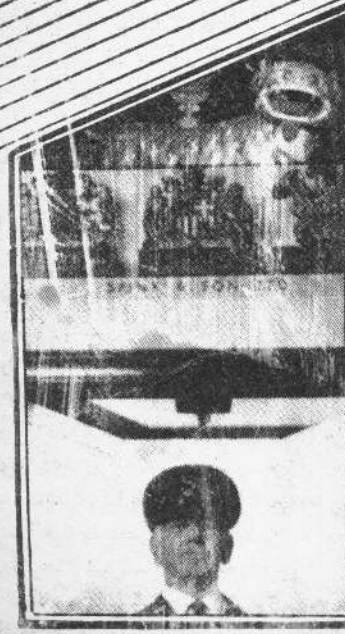
دیپارتمنت نقره می که موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برایم نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویزلندن را به مثابه مهمترین بازار نقره میشناسند. در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دوانی چیزم دم یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ از طرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران برتانیوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند. برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوفسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و واژن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میبایم . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشم ، میگوید : ((ما قصه میگویم به شرطیکه تو او را چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفانم و بفانم که چی دل کلانی دارم و در گه مره ملامت نکن و نگوی که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ...)) قبول میکنم و او با زسان خود قصه میکند و من با زبان خود می نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمده بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضای هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی) خطاب میکرد ، گلی که بر پرشند - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی از قضا مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گذاشته شوم ، آنها در شعر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان نگاههای گمشدگان و نوازش میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که نکته های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزدی جوانی بر اوام مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری را نمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود را ناتوان و ذنبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بی زنی با مهرانی دست به سرم کشید و چنانکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی آرزی داده شود ، دلیل ناراحتی ام را بر رسیدن آنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییک سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود ، زیاد از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روز کند ؟ و من بدون هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بی زنی را در بین موهایم چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بی زنی یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه توه به جایی میسم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .

در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر دیگر کار میکرد ، مراد ریدل پول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من فکر میکردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز) . من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را آغشته به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شو و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میکردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما - در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میکردم -

باعین این آدم نماها خود را برایشان سرویس کتم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچک را برایشان تعارف نمایم صبح ها از کسالت شیشه - بخوابم

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر گذشت یک زنده گی بر باد رفته

ازهریسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زاپسک خاک توده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که بمباری زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

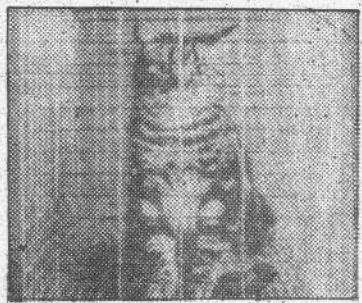
قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک هایی بهره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آسیب رسندگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود. قارن به شفاخانه اطفال در فلادمینا در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکتر اول، وسترمان دهن شفاخانه پسر از معاینه پسر بچه گشت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوستند. او پیوستگی زنده عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در هرگزوت، دکتر وسترمان یک وید دست قارن را نیز با وید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد. این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس مصروف سیاستمداران از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.

ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است



دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از حمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافت از ۲۰۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، جزا خواهد شد دید. طبق این مقررات هیچ شخص اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیر بود مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای بهزلسی مبنی بر ممنوع کردن سگرت های از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را باری آورد.

لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلکینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به حشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طافه رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند. مسوول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر بخاطر تنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد. قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.

خانه‌چی ها



یک سگ ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بد نیا آورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیتا میباشند که بحالست

عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بد نیا آورده

تهیه کننده حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشته و ۲۵ نفر را زخمی ساخت. آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان هنریشهر دایرکتر سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. نگروران گفتند که خطری جدی زنده می اورا تهدید نمیکند. قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر یکجا

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



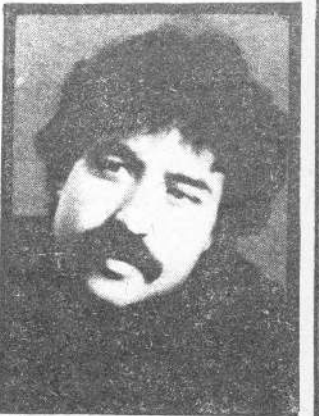
اکیهیتو امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرو عیتو بدست می آورد. انون بران ۲۵۰ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

سه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند. تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سحر های علمی به منظور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپذیر است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه است که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشم.

از گپ های که ما خبر شدیم

آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر و بساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو براینکه اگر در مسابقه برز از من بود پنجصد هزار تمانی می خواهم، اگر با حق می برد از من، سرب مسابقه حاضر شد سرب را بید بود.

معشر هم حاضر شد و گت منتظر معشر و احسان مسابقه ندهند من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدم، حالا سخن از چه فرار است؟ گت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از من می آید و من ندانم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره معشر سخن می گفت که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستاره علامه دارم یک مسابقه جالب دیدنی راتناشا خواهیم کرد.

صد قسم برای یک بوجی آرد

در سیاه سنگ منابیل نقلیهار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیار عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگت از برای خدا چرا تا حق نس میخوری، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موترباییس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارت نسوه منزلت بیس، زیرا موتریکه بوجی ها را آرد معینحاتیق خلاص نمون، منتظرین، موتریکه بوجی قسم اما آن معشر نس و قرآن میخورد که (الله کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایین کردی، خلاصه به میانگیری یک حاجی موسفید به آن معشر گفتند تو حاجی سرب دست را بالایی بران مجید بگا ریب و قسم بخوری که این بوجی از دست! گت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره از بوجی آرد را در موتریک

ساعت خنده متواتر یک طفل

فاطمه دختر همام غلام رسول کارمند وزارت تجارت ۲۴ ساعت متواتر گریست و هیچکس راه خواب نماند پدرش میگوید: من و مادری حیوان بودم که این طفل را چه کرده، فردا ایش به اکثر نیز مراجع می کردیم، اما او هم ندانست گپ از چه فرار است نزد ملایی مراجعه کردیم که او را دو دعانیز نمود اما باز هم میگریست. زمانیکه ۲۴ ساعت گریه اش بوره شد، ۲۴ ساعت متواتر با خود می خندید، که هم ماه خنده بودم و هم نا آرام شدیم که چرا چنین است، باز عم او را به اکثر علقی بعضی بودیم اونیز گت، دختر کاملاً بی حجت است. پرسیدم حالا چه طور است؟ گت کاملاً عادی گتسم بالاخره فهمیدم دختر معمارا چه کرده بود، زیران که تازه چنین خبری را می شنیدم که تقریباً باور کردن نیز مشکل است. جواب داد: وقتیکه پدر کلان مادر را به ان غلام محو اندین که در سر چون دکان بقالی آرد از موع خرید گت: مادرش، خانم بنده و دختر او نیز در بنده ماعکی از چنین علو را انجام داده بودند که در نتیجه موضوع مسئله اثری است پرسیدم آیا از خبر مبارک تان نرسیدید که ایاماد را این عم را یکبار انجام داده یا چندین بار گت: یا تا حد نرسیدم در دیده ام. آینه حتماً خوانم برسد و بالاخره تا آخر ان ایاماد بدید

شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

س: برای مدت کوتاهی در نشرات تلویزیون تغییرات خوبی دیده آمد اما بعد از گذشت چند شب، دوباره نشرات مسیر قبلی خود را گرفت، یعنی اینکه اصلاح قابل دیدن نیست، چرا چنین شد؟

ج: میگردید، در جویبیکه آب رفته باز می رود!

س: چرا بعضی از هنرمندان موع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر این که می خواهند جو سر خود را ببینند.

شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها:

س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟

ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و با تا سف از طرف راست بدن فلج بوده در ایام تمانش در ستر مریضی قرار دارند محمد سرف از لیلان چغسار بود فامیلی خیرخانه مینه:

س: چرا بعضی از هنرمندان هنگام بستن در تلویزیون مسی لرزند؟

ج: آنان نمی لرزند، حتماً شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها:

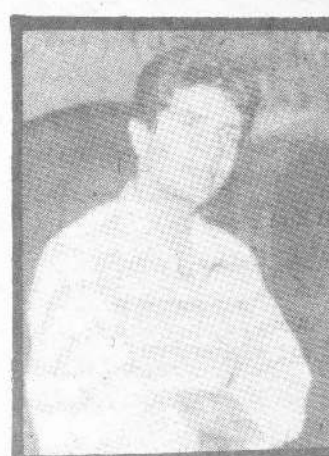
س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟

ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و با تا سف از طرف راست بدن فلج بوده در ایام تمانش در ستر مریضی قرار دارند محمد سرف از لیلان چغسار بود فامیلی خیرخانه مینه:

س: چرا بعضی از هنرمندان هنگام بستن در تلویزیون مسی لرزند؟

ج: آنان نمی لرزند، حتماً

اسد بدیع از طبابت دست می کشد



نور اسد از لیب و بابت کساره گیر کند.

وقتی این شایعه را جایی شنیدم، گت پرسیدم بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیر عم نمانده که سرفاس برود گفتند شاید به نوع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری را با استرات چندین تن از تجار ملی - این نماید و با نماید عم مواد اولیه ترس برز معضه هریان را تعبیه نماید. باران ترانس رز هتوز برساند و با م کدام کسار نیاید بگری را دنبال نماید.

از زمانیکه چند روز پیش از آنکه در همایز دای را بدیدید و از آن کساره می بردند و با کساره

تلویزیون دیدم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه راد یوی آمده بود، غمسه موعات شایعاتی را که در مورد او شنیده بودم برای من گفتم که بعد از شنیدن و تین بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها دروغ است تو باور نکن گت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خنده و گت دست اختیار - اری و من برای منم ای کردم ازین فرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گتیم است، اورا دست تد اوی به اساینگاه می بردند و با کساره

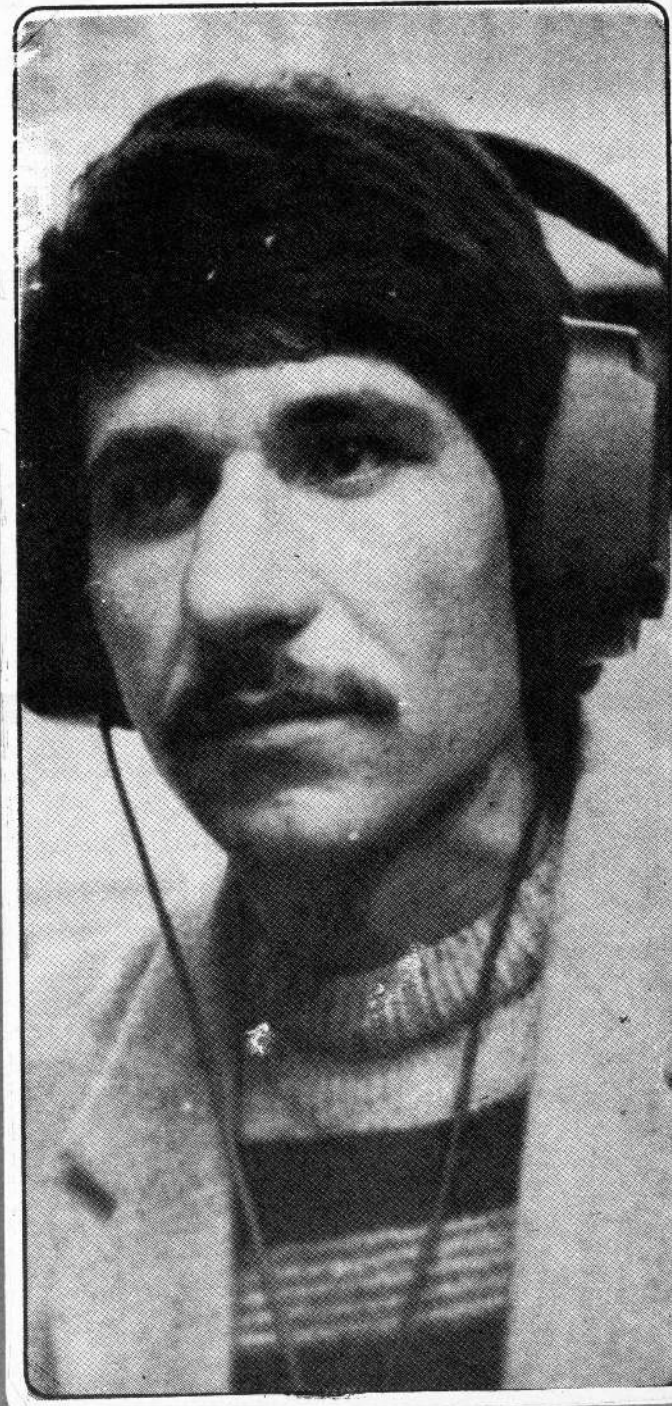
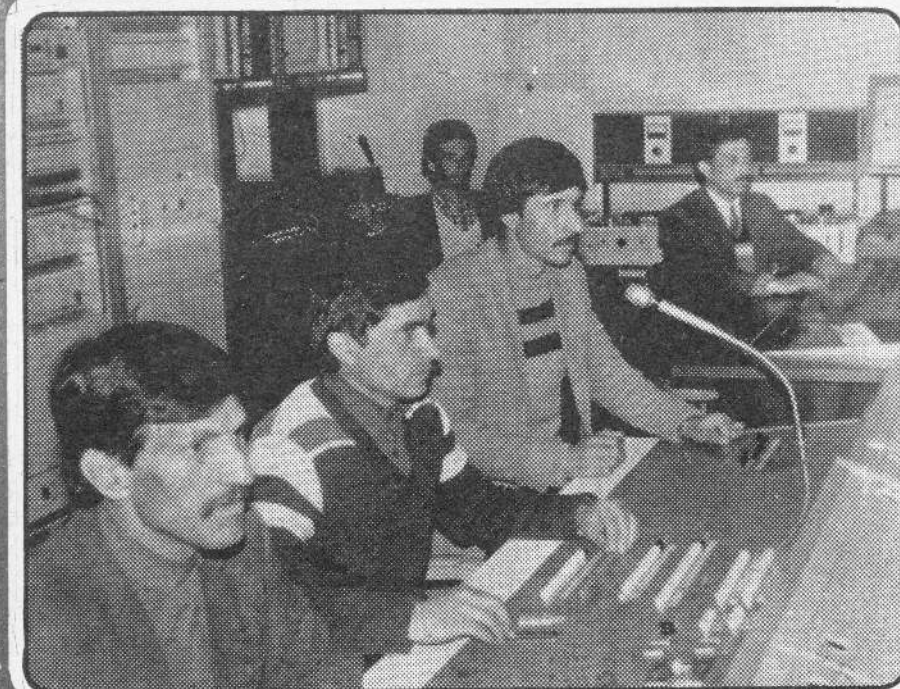
ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتورم و کت اورا نزد خود خواست و گت: بران رتواگر نامه گت نیستی، تویت سرود دستی یک مرد کاملاً عسادی و صحت مند از نگاه طبابت، تو میتوانی عروس کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوبی باشی و همه مردم خدمت نمایی. بازیس جمله حرفها مرید یاد دقت خا سخندان نه کتور اسیدید در اخیر به وی گت: تشکر دارم اما صاحب من هم قبوس می کنم که من دیگر نامه گت نیست اما خدا کند که موعها برین کشند.

مجله ناولوژی

مسابحه از اسد بدیع

سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تیشه های مطبوعاتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سهمی داشته باشیم. چنین برنامه بی طرف توجه و ملاحظه تشریفات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا بر این بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده کوراز صنف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و ملاحظه خورش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راه برای تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام در میان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری میابد. طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان بینی های فرهنگ کشورهای مختلف میپردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و شطاسی هنریه خرم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حسی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دست می یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زمینه تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع ((پرویش هنری)) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شمع

هنری اما با در نظر داشت محدودیت های فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستحکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم حدائقه از دست میدیم و حاصل ما دقتاتش سپاسگزارانیم.

و اما در زمینه نوشتاری از سال سوم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده، علاوه بر نوشتن بخش های درسی، بنا بر موجد موجودیت نهی شده، پشتو در اداره، سا نهی شدگی بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی شده گان - دیگری چون شهر هدا، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستحکم سرورانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نویسند.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هرزه تشراتی خود، تشراتی میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشراتی رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که با تهیه، نوشته و دایرکت برنامه، مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کار من در - تلویزیون، اساساً در دو جمعیت هرزه، شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و نهی شده کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهی شده کی و کارگردانی اثرات نهی شده مدهه داشتیم. جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتیمه و - دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته، سناریوی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتیمه برنامه مجله تلویزیونی شما راهی گویی میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مست مشکل میبود، آنک بیرونیت وسیع مشخص در مضمون بخشهای فنو و

که راه، موسم ستدر دوید برنتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از لازمه های فنو کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کار من وقتی کارگروه کمی از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و ملاحظه است می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتیمه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراگویی رتیمه ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایالات داشته های نیم جان و ناپخته (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کشی و زنده هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رانفان و رهپهان هنر و ادبیات درخور قبول پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی شده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دتسوق هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تمهه دیده ایم که پیشکی شامشود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون هرزه در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طوریست که معایب و روابط بخصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از لایبایی کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
 هرچه میجویی بجو
 بیکران بحر نیست ، گزهر بیحساب
 هرچه میجویی بجو
 فارس گویی ، دري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 لفظ شعرو دلبری گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 بهرین تنها زبان مادر نیست
 همچو شیر مادر است
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست
 چونکه مهر مادر است
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم
 دوست میدارم و را
 چون نوازشهای گرم مادرم
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد
 نه که خبر از بهار دارد
 قمری به طلوع صبحگاهی
 جشنی به چمن هزار دارد
 چشمش ز شراب ناب امشب
 پتگرکه چنان خمیاز دارد
 مردم زنگاه آشنیش
 گلگونه قبا ، نگار دارد
 اندام ظریف و نقره فامش
 بردل هو من شکار دارد
 آید بیم ز راه شوخی
 حیف است به غیر نظر دارد
 صید کشته بود و بناز و رامش
 خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گئی
 من از سپیده های دروغین مشوشم
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
 نشکست ولی نگار دارد
 پژمان شده اسپیر زلفش
 صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
 درسی شوی دادی خیلی بنییرا گانی
 نه چی زما دعاوی تالره بنییرا شوی
 چی ترکی تلی ستا دادا گان
 هغه لاری زما ستا ترمنحه پیری شوی
 دمانام له تیکی تیخ دهلال ووت
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور بنستی
 به هغو بلهارو لکی هد پیری شوی
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی
 بیا به و سپری رسی د سرو رید یو
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
 ببر کنسید ، چمن جامه ، نگارین خوش
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه ، من
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
 مرا به بیک فریبند ، خمیاز چکار
 فغان و ناله ، مرغان خوش ترانه شنو
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
 شکسته شیشه ، قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حز تو یاری هست . نیست
 یاغم را غیر مهتر نمکساری هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد دنیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاری هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می لیرد پیرخه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی
 مائل د هجر زهر خنبلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

ز یاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی
 چی د سپرلی بنگلا پری پنه بنگاریده
 به مرمونولپوچو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بپنشتی عظمت نینه بی
 پرته خته کی وه
 دغه غرور بی د پیری بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانی برگ مینی
 د جاخماري نازینی سترگی
 باندی نمجنی نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جانا ز کوینبوته
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پرزید
 بر روی من بر پرزید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری !
 شاید که زنده کسی
 يك انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می براكند
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شهبازی کنم
 محبتی "سوزن"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی ی خود د ن هدا و یکی ناخسی
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

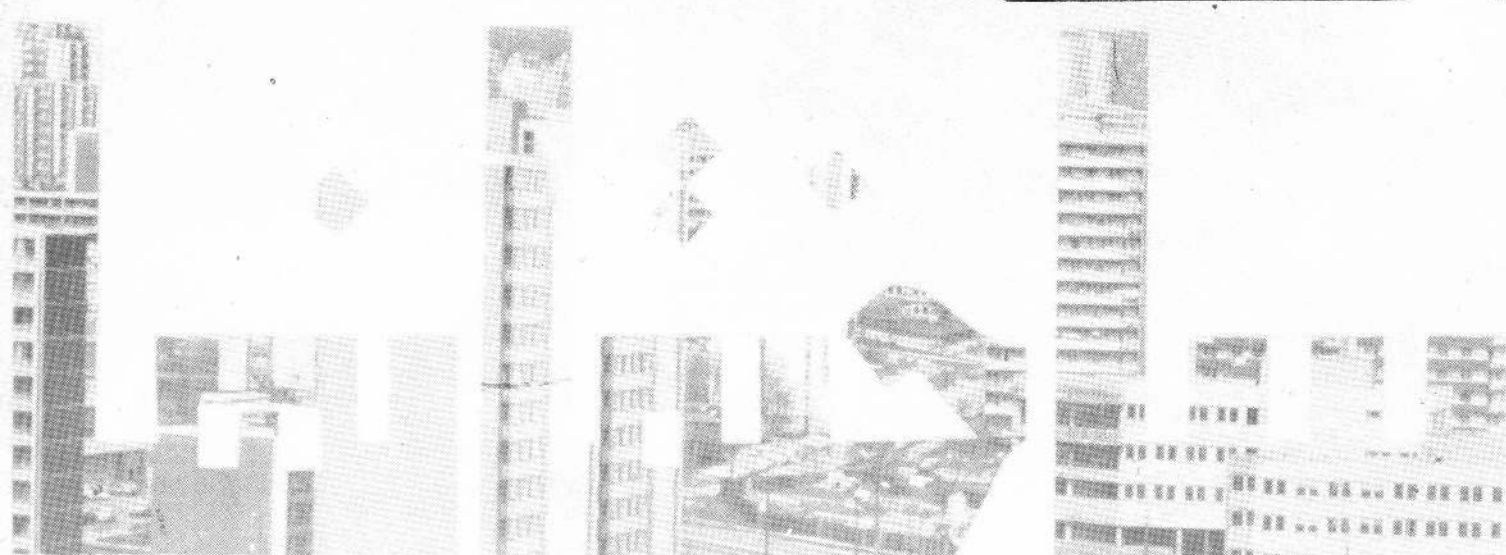
السمعیل

شبنم پاک سحر

واضح باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آیی به سوری من
 به دیت ایرو صفا
 و نازستان لوزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میگرد
 نه دستان سید مرمین تو
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش نرمانوسم
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگرد
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و یار

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان شکوفه یار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانگه بجام چشم اوستای من بنیاد
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 (لومان) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سرسبه
فلك كشيده درجهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خورش از-
همان آفازمورد تعجب و حیرت مد
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشاندهنده اوج ترقی تختیک
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آفاز چنین مزارع یک چیز
کامله لوکس حساب میروند و ملتی که
آنها بنا نهاد ، بود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خورش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
امار چنین مزارع سرسبه فلك كشيده
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیوسته است حتی
انسان امروزی از دیدن این هرم -
دست تحریر به دندان میبرد •
انکشاف واقعی ساختمانهای
بلند از زمان گوتهك آغاز میشود •
دین زمان در تمام جهان کلیساها
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس
راد در شهر رم که ارتفاع مناره آن به
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم
چنان باید از قصر گوتهك در شهر
کولن آلمان یاد دهانی کرد که
۵۷ متر ارتفاع دارد •

بها دگاره های تاریخی همگون در
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم
نیز در پیوستیم ، ولی همان آمدن برج
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -
صوری با استفاده از تکنالژی جدید
بستگی مستقیم دارد •

اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی درجهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •
این برج طی مغل مجالی بمناسبت
تعیینگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوستاف ایفل منسفی شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •

بکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالآخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کوسلر بلدیگ (CHURCH
BUILDING) که ۳۰۶

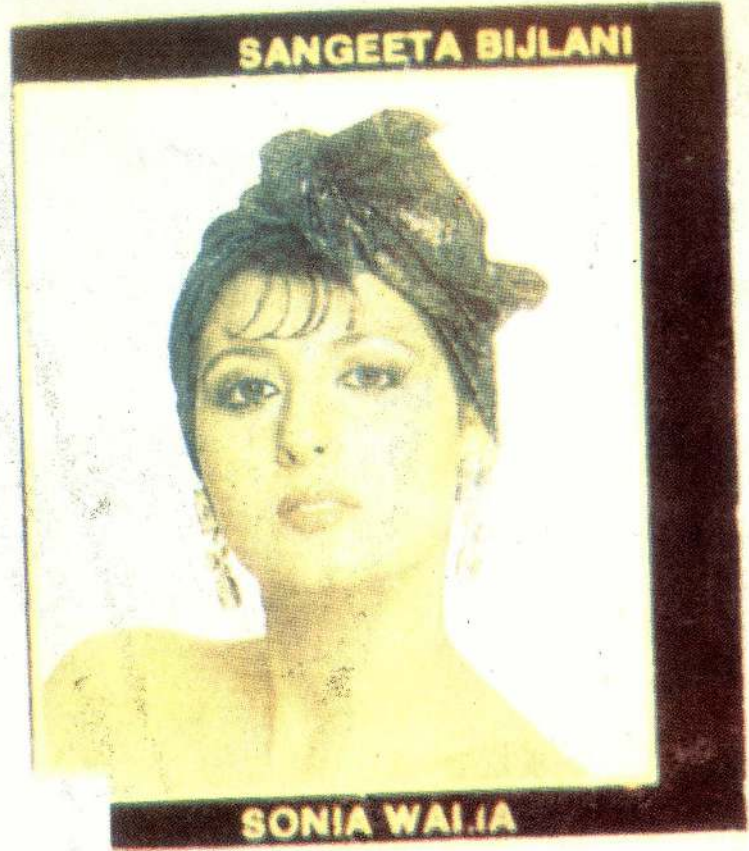
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سٹیته بلدیگ

(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گونتی کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیر می نمی گذرد که -
ارتفاع فوق راساختن دوج مرکز
جهانی تجاری (WORLD TRADE
CENTER) که ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تهن ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •

در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •

در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



SONIA WALIA



از دنیای مود

تجزیه و تحلیل



حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بهری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تهن امیدوزمانی توام بادلهره جاس * برای آنکه قهل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شهرین)) و ((آگوشن)) نیز ظاهر شدولی شعری ازکار خود نگرفته بود *

وقتی اورادرد ((پانسیون)) که زنده گی میکنند

ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بهری مانگ)) برای - ثبوت اهلیت هنری من ، وجه تعیین کننده یسی داشت)) *

ایمعدانک وقته کوتاه ، به دناله * حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ویا این زمینه سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تهنقی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسو، روزی رابسه یاد ندارم که زنگ تلفون به صدا نیاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند و برایم تهیگ نکیند *

عده بی راعتیده براین است که ((راکش روشن))

کارگردان فلم ((خون بهری مانگ)) ازمن به شیوه * نا- جایزی استفاده کرده وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابه انظارجلوه داده استولی اقتصاد من این است که اگر درکارحوض شنا، لباس شنا رابسه تن داشته ام که به مقتضای * حنه * فلم است این چه گناه کبیره است که ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا توجیح یک بهننده این است که درکارحوض شنا، دختری با لباس سوراها مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل- شنا، پوشیدن لباس شنا، امرکاملا طبیعی هست ؟ اگر کارگردان مراد درکارحوض شنا، با لباس های

که ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاهر شده است و ارد هکرد بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جای بزرگی بود که برمن تحمیل میشد.

درنلم ((آگوشن)) نقش نیک هنرمند به نام رسیده بین رامتعهد بودم * نقش نندایت پراغواامش وایدامات بود ولی کارگردان ، مرایشوه * کاررا آموخت ومرا خوب یاری رسانید *

درنلم ((تیری شهرین)) نقش کوچک داشتم * یک فلم هنری بود ودر تلویزیون هم به نمایش گذاشته شد *

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاهر میشود * درنلم های ((جهین داتا)) و ((مهاستگرام)) یا ((ادیمه پنجولی)) ودرنلم ((نمیری آدمی)) با ((متهن چکروتی)) درنلم ((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بهری)) همبازی میباشد *

مناف براین ، یک عده از فلسازان جنسوب هندوستان نیز رغایت او را برای بازی درنلم های جنوب حاصل کرده اند که وی صممانه ومسده * همکاری به آنها داده است *

دراین باره اوصوف هایی دارد به این تحصیل : ((من عجله بی ندارم که درنلم آن به اف-شهرت برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تا * ملوشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم ها هم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکه همبازی من

کست ، بسیاری اندیشم * برایم بسیار بی تفاوت است که درنقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکه قهلا گتم درنلم ((تیری شهر - مین)) در برابر ((مارک نیبر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکبرخان)) ودرنلم ((مهادیو)) با ((وتودکنده)) حاضر به بازی شدم *

من به دراست وجرات این موضوع را تایید میکنم که به هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگزرتکه تن نمایم *

حالت که ((سونوالیا)) دروازه * کاروبار مود را بسته ودرنمایش لباس ها- * نمیگیرد ، خودش می-نهد : ((موقعیت کنونی حکم میکند که بعدازین ، سینما وهنرنامای مرکز تمام توجهاتم باشد و نهرا نقش راکه درنلم ((آگوشن)) ایذا نموده بودم ریه معرفت قناعت بخش نبود وجامه که فلسازان معروف به من چشم امید دوخته اند لازم است من هم تنس های فراوانی از خود نشان دهم)) *

درخروج دنیای مود وپوشش ((سونوالیا)) عکس- العمل خودداینگونه ترازم میدهد : ((اگر پیشنهادی در مورد نمایش لباس برایم برسد رذنی کم مشروط براینکه طبع ونحوه نمایش قابسل

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلائی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
حم نیک و لوکه از احساس بولی ، قابل توجه میباشد))
«سونووالیا» از آثاری که در عین اوج حرف های

نیاسا می گویند ، در یوگون داشته میگرد
(تعدادی چو آمده بی به عزتنامه و دیگرین من
اعتزاز می نمایند ، تردید ندارد که در لسان انگلیسی
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از انسان
صحنه اردو دهندگی هم بهره و نیز گاهی دارم ، روی
این اصل توانم نیکم به انتقاد آثاری که عقیده -
ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی
کم یادگیرین تواند آموخت دارم .

اعتزاز میکنم که حضرت تاجهان مود به دنبال
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست
نیست که میگویند مود را لباس هاتراندندری هنر
ندارند))

(سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل
قام ((دخترهنگ)) پیوسته به تزیینات قابل آمده
میگردد : ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنرینمایی ، تا آنکه
سوانحار آنها را تمنع دادم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم))

برای اینکه ، درین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده نقش های
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هامرید ، در حالیکه از این
رزمه ها کاشته شده است و او به راحتی نفس تازه
میگردد ، در این باره تصریحی ندارم این شرح
(من با ((وتودجی)) در ظلم (معادیه)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم ، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشتم ، اینه خا بر اینکه با دیگر تازه کار
بودم ، به حاشیای هنرمند تجربه کار و مسوولیت ،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میخواستند
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت
حقانیت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم .
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و انرا هات بی اساس
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
شکوهایی خازر الماده می خواهد))

سونو والیا میگوید : (من به خود باور دارم که در سال
های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد
بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند بول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند . از اینروست که با هر
نوع نقش دلچسپی ندارم و اگر چنین میگردم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم))

و اما در مورد ((سنگیتا بجلائی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)



برفراز تياتر ويا سينما

خورشيد



به جست
- خورشيد جان عقيد ه شما در
را بطه به داشتن يك سينماي
خوب چيست ؟
- بعد از لحظه بي درنگ افزود
بايد براي يافتن سينماي خوب
اولتر از همه در جستجوي فرهنگ
مليتها بود . در يك فلم نيز بايد
اندیشه بران داشت تا
محتوي از يك تفكر اصيل و فر
هنگ جامعه گذران زندگي مي
نمايم ، ما به داشته باشد .
- ستم شما در بهتر شدن سينماي
افغانی از چه قرار است ؟
- من بعنوان يك فرد درين عرصه
نميخواهم بصورت ديگري تفكر کنم .
فقط تلاش ورزيده ام با نهايت
صميميت و بي الايشي به اجرا گير
فتن كر كرسپرد شده ، روايت -
نظم و ديديلن - داشتن اخلاق
خجسته و احترام متقابل ستم خود
زاتاهمين اكون با صداقت تمام ادا
نمايم .
- ميخواهم بدانم كار كرد هاي
سينمايي شما از كم فلم و
چگونه آغاز شد ؟
- من با پيشينه كار را دي
ام با علاقه مندي كه در
بقيه در صفحه (11)

- سينما يك شاخه با اهميت فر
هنگ بشمار ميرود ، دست يازيدن
بدان جرات ميخواهد و ايشان
جلاليش جنين بيگريه زيبا و انساني
منحصر به ذكور نيست بكون طبق
حكم زمان ، اناك جامعه ما
مي تواند در رشد و پيشرفت اين
بديده والا از اهميت با ارزشي
برخوردار باشند .
- اگر همانند همه زنان كه
به سلام اين پيكنه رجوع كردند
و بعد بلاد رنگ و دواع كردند چي ؟
- شما مي دانيد كه جامعه ما يك
جامعه عقب مانده و رويه انكشاف
است و از چنانسي بديده سينماي
ما تا هنوز نتوانسته هويت ملي
خود را كسب نمايد و استند هداي
كه بنا بر تخيلات واهي گرا يانه و يا
مكن اشكالات ناشي از تعصب و
ريا ، باي خود را از عرصه تعاليت
باز مي دازند . ولي من پسند ان
مي انديشم كه نبايد عقب گرا بود
و سوي سايه رفت ، سايه بيگريه
سپوش به تاريخي و لغزند ه گسي
مي انجامد . چرا ، خرد مندانه
به سوي خورشيد گام ، بگام پيش
نرفت و از خورشيد بيگريه اشعه
برفروزش همگاني است ، سود

اين بار در رابطه به ويژگي
هاي هنر و شناخت بهتر هنر
مندان سينماي افغانی ، با ي
صحبت هنرمند مجرب و مستعالي
كه پيشينه كار كرد هاش از امواج
راديو آغاز و در زمره نخستين
اكترين هاي (هنر پيشه گان) تياتر
سينما - تلويزيون با درخشش
چشمگير جا گرفت و در آثار راديو ،
تياتر ، سينمايي و تلويزيوني موفق
از آزمون بدر آمد و تلاش بيگريه
و علاقه وافر از زمره موفق ترين
چهره هاي سينماي افغانی در
سطح كشور شناخته شد .
نشيم .
اين چهره پر درخشش محترمه
خورشيد است كه دعوت ما را با
علاقه مندي و محبت پذيرت ايك
توجه عزيز خواننده گان گرانقدر
را به گفت و شنود اين هنرمند
معتوف مي دارم .
- ميخواهم نخستين سوالها
چنين طرح كم :
- در نظر شما موجود
ديت اناك در بيگريه
سينمايي نو پيا خواسته
ما ، از چه اهميتي
برخوردار خواهد بود ؟

همپينكه اثری از خود به جا ميگذارم براي من افتخار است
استعداد ده ها بايد به وقوع كشف كردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و تقریباً حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و بیماری ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بنا تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید می باشد. نهالیت تمام نکبات و مسمومیت ها را از بین می برد. بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکومیز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته می شود و از آن استفاده می کنند.

ارزش های:
از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد متوال هاست. تحمیل این سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰.۴) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار متوال ها و مسمومیت های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فاسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، آهن (۰.۱) ملی گرام فیصد، نیاسین (۰.۲) ملی گرام فیصد، پتاسیم (۰.۲) ملی گرام فیصد، کلسیم (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

خواص طبی:
بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد متوال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد متوال های اسید ساز می باشد. از اینجاست که خاصیت معالجه و درمانی این سبزی را در کربد بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراک آور طبیعی بوده که دفع و جبران ادراک را بهبود می بخشد.

نکته:
بادرنگ دارای مستقل ضد قضا است. کسانی که به قضا مبتلا اند می توانند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

اختلالات معده ای:
صاف بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چمن مواردی هر دو صفت به هم می آید (۴) تا (۶) اونس آن تهیه می شود. از اینکه بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صاف آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید و را خفلی زود بر طرف می کند.

بیماری های ریوی:
صاف بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

هنگامیکه با شوره لکه مخلوط شود بوی شکستادن و بوی ساختن سنگ در مجاری ادراک و تقطیل اسید ادراک می باشد.

جوش ها و دانه های روی جلد:
صاف بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و دانه های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صاف های زودک و گاه را با پوست صاف بادرنگ مخلوط کرده و استفاده کنید. این صاف مخلوط می تواند مایع الکترولیت را که در باسوی بیماری کولرا مشتق گردیده، حفظ می کند.

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵ تا ۲۰) دقیقه موقوت خوب می آید. پوست صورت است. بخاطر استفاده از ماسک آن با پوست تازه باز می آید. بادی با پوست دراز نکند. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با طراوت و شفاف می سازد.



زودک، لیلیو در وقتایی که با تراکم بیش از حد همراه است. به ترتیب، قوس و در مایع نهایت مفید است.

اختلالات مجاری ادراک:
تخم بادرنگ از لحاظ پتاسیم غنی است. شوره و تخم های پوست شده آن در تدای سوزش مجاری ادراک خفلی مؤثر است. این شوره

پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲)
رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی مایه خواهد گردید. به هر صفت تاردوانند مناسب نیست. صداقت و وفاداری جوهر انسان است. با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقله نیست. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟
ج- چنانچه دوستی یک زن با یک مرد میتواند باعث گسترده تری از سکس داشته باشد.
س- در فضا شعله زنده می ماند. مردن کبر می آید. چه می کند؟
ج- واصل، دیوانه خواهد شد. خصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پرت می کند تا از آنجا فرار نماید. و لو بداند شاره ها زنده بلغم می کنند.
س- شما در نگاه انسان خیلی معصوم و پاک جلوه می کنید. آیا

دنوروزیپه ...

د (۱۹) مخ پاتی
نوبه ای. ارد نوروز سندی و ایس داجی:
خوانده بیاد پسرلی کس له وجه پاکند لونگوبوی راختینه د پسرلی به ریخو راشه چی تور تکی رته کیزدی و غورومه حیوانان هم به دغه و ریخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را اخلی. تا کلیومیله خایونوتسه ایس. اتیونه کوبی، نبی ولی او. سلنگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سبب ز پیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکسی حیوانی بیغلی خیلونامزاد شوپو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوبی))
د هزاره سیمه کی برعمومی - دود و نوبسیر کوبی خانگی دودو ته هم ترسترکوبی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایس جی:

د حیوان اتل) دراتگه به انتظار به تال کی کینی. د هغه دراتگه لار بخاری اوبه گزار کرارحان زنگوبی خوله بده مرنه جی به تال کی بی خوب روی او همداسی وید. بانی کیزی. داهم اسطوره ده جی د پسرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوبی. د نوروز حیوان راخی اوتیزیری به باغونو او راغونوکی او گلزارونو. د پسرلی د گلونو ناویغیزی ته خان رسوبی. خو نوروزی بی بی خوارکی جی کله سترکی برانیزی - کوبی جی ددی له بی بروایی خنجه بی یارد نورومه نیز و کسی لویدلی دی. دغه حال نه نس زغملای. د لیونوتوب خیره پری راخی او خان له تال خنجه اجوبی. که چیری به اوبوکی لویدنه نوهغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلویدنه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال وی.
د همدغی فولکلوریک کیسی برینست هیله من یوجی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسوگالیسی د پالی کوبی.

خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹)
زمینه تمثیل داشتیم در سال ۳۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنایی مترجم انجنیر لطیف محترم عباس شیخان، محترم نوربالی شفق در فلم های چون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ، مزوره سبز، مرد هار و قول ایس، گام های استوار، فرجام صبور، سرباز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتیم و داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای قشلاق زن عروس، د لمره لور، شمع زن، د هک، من و شما، پشنامه ها و تیاتر تلویزیونی: غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم هسا، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

مند افزود:
- من از همکارانم صمیمانه متوقع می بین تا صرف نظر از بد در آیس. ها و آند بینه بخود داشتن ها جی بهتر که در یک وحدت از کا - نیکه دست به دست هم داده. گام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفت (سینما) قدم می نایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد، که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریافت - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند. استعداد های بیکه اگر موقوع به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما بینه آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید. به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعداد ها و ظرفیتهای هنری بکار افتد.
- از حتمی کستقبل شد بد از شما اظهار میاس.
- ممنون.
- خدا حافظ
- خدا حافظ

مرد ها را چگونه

40 مینرنگ

آیا فحاشیهای فیزیکی مخصوصاً زنده گی زنانه را اصله

جهنیکولوژی خاخرشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرابلمهایسی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجه متردد بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولس کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده گی این بس تعویق بیافتد .

مینمانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه استروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح استروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد . به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یاسبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه گی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً زنان کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان را به خود مشغول ساخت و به متابعتی بدون جواب و سرگنج کند مای باقی ماند.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در گزوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود، شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند، تغییر چهره میدهد. باتمام این یاها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند - زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اودیپ معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعداً یاد و باوا از طرف شب به اساس قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد - بود و محکم به مرگ میشد از گزوه به پایان میافتد.

اودیپ مورد نوازش قرار میگردد و یوه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در - پیدا این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سزه اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گله های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اودیپ بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون - جاداشت زن است - با تنه از شیر، باقیانه زن و دارای با-

لهای ابوالهول مصری بال ندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. - فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد.

در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نژده بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود - ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدیم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد، های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعداً

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، غمخوار حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نموده که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. - صد هاسال بعد در سوپوتا میسا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت و نیاید قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعداً از اودیپ معمارا رسید تا که در آینده خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

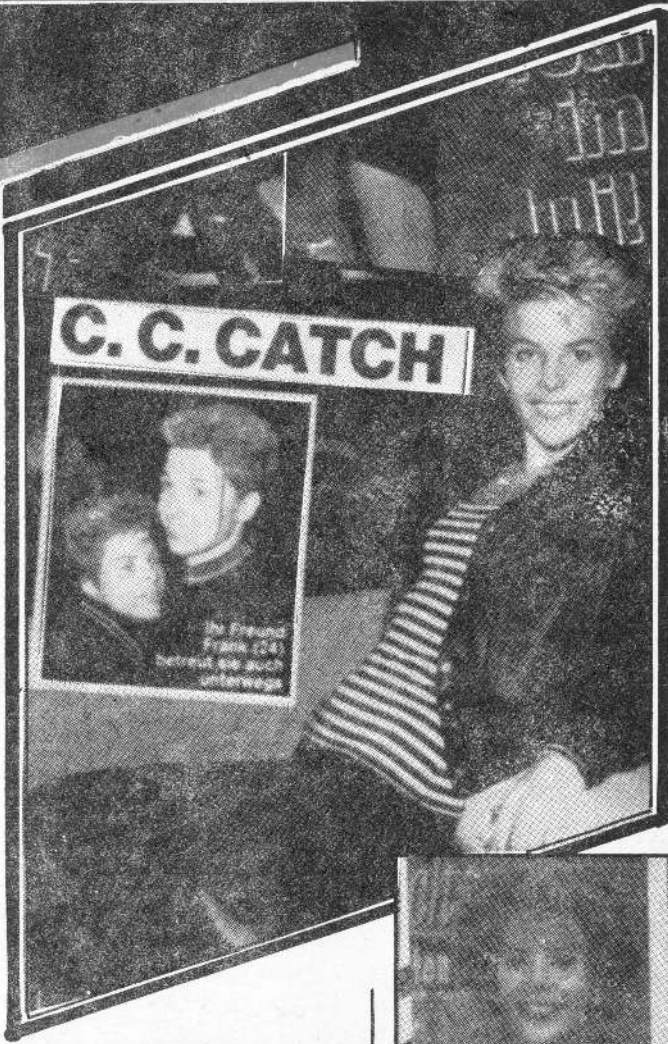
ملک جهانی که بزرگ می‌شود

«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»
آهنگ تازه بی‌ازسری سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتربولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسران آلمان دیتربولن تعجب می‌نماید، تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسران آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر غنای آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید.
شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتربولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است)).
در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد.
تاما جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری اسرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



می‌نمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت د یسکو زوگرم در تمام اروپا شهرت یافت نمود ریک نمایش تلو- یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی ای خود شهرت بسزا کسب نمود.
این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته فعاله در آلمان غرب زنده گس دارد، رنگ دوستداشتنی اش سیاه است و برای لباسهای رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب

دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی- اش سروده ها و پارچه های رابره می‌گیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج‌بخش و نشاط آنزاده می‌سپارد.
اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی- گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شناسمرفسی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه

کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زموږ په ميواو کي نوموړي - دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نماخل کيزي او تراوسه لا - زموږ خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي راپه دي خوادغه دودونه په لږ او ډير توپير سره نماخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورځي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خپل اوږد برتم عهداسي ساتلس دي. په عراق کي هم دغه دود په تخت صفر، بل مالان، خواجه سياران، خواجه صفا، ريگ روان په خانکر و ميلواو خوښيو سره نماخل کيزي. په مزار شريف کي د گل سرخ، ميله جي خلويښت ورځي روانه وي. په دغه ورځ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي. جي په کابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عهدغه ورځ پورته کيزي.

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملگري جي د خلکو د فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي: ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند - هارکي د شالمار، باباولي، جهيل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا او په ننگرهار کي د ډولگي بابا ميلو د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني اوښخلي نوي اوښکلي کالي اتوندي تمبل وهي. زيارت ياتي په (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه. با جاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيو کينه لسو دود پيل کړ او داي په گوته کړه چي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي. د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي چي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه. په ديار - لسمه ورځ چي دنوروز باي وهم ډول ډول مراسم ترسره کيدل. نارينه زويه بهلواني کولي، پيلونه به يي وهل، زړه وښخو او ويند وښه خپل وخت به ندرنو هلنگر نوښه تودولو او د خوراات او ښاک په برابرولو باندې تياروه. پخواني نجوني اوښخلي به په دغو ورځو کي به شيلو کي گزيدي، په شيلو او سمورو گرونو کي به يي خوښي کولي او د راټوکيد ليوشيلو بايي او څانگي به يي دنیکمرغه ښک په نيټ غوټه کولي. له لگيدلو او بلوښو او وروڼو څخه به يي په خاښو ناروغيو اداگانو توپونه جون کله به يي چي وايښه سره غوټه کول، د هغو غوټه به يي د خپلي مينې او بلاتي وړ عنوان په نامه اېوله. د نوروز په درشل ((سيزه بدر)) کي به د باندې باور و چي ټوک يي دغه دود نماښي او نه يي ميروي. هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده، اووه ډوله ميوه به لند يده، اووه شين د سترخوان به وغوړيده چي بيل به اووه سين باندي واوښت. پير سيره برهڼو به يي باکي او په هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به چي اووه وښور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه. د نيو روزه ورځ به د بزگر مېله هم جوړېده دغه ورځ د جمشيد ((يما)) يا چا په عصر پوري اړ ونده بولس. په دغه باب لرغوني انسانه ده چي وايي: دغه باجا د ليدني کتنس ورځ درلوده چي دروازه يي د عامو او خاصو رڼخ پرانيستی وه. هوکي پرانستی وه ځکه چي تر شنه آسمان لاندي به ازاده فضا کي دي ليدني کتنس صورت نيوي چي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کړ يوه. د ميلي په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتنس راهيت شواو هغه څه چي يي په مښوکه کي وود با جابه قدمونو کسي و اجول او وروڼه يي وغوړول. کوم شي چي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نئ لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړي. باجا حاکم وکړ چي دغه دانس بايد سپين پيري او يوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه د پارلس ورځي وروسته هلته نيا لگي راټوکيدلي وو چي -

ترکومه خايه چي زموږ د خلکو او زموږ د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) او د هغه اړوند مراسم زموږ په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري. ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليزد ول شوي او ترموږ پوري رارسيدلي - دي. د پخوانو اريايانو په زمانو کي به چي کال باي ته رسیده د کال وروستۍ چارښه به يي په برتم سره نماخله. دغه چارښه د سوري بارښني په نامه سره ياد يده او په هغس کي به يي ميلي کولي. ځکه چي د اد پسرلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و. په دغه ورځ به يي اورونه چي پات اوښخلي توک و بلول او هغه منگي او گڼي چي پښي ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغتلي نه ډکول په دغو ورځو کي به يي ماتول. د اله زمي او ارامی سره د خداي پاماني ښه وه. په اسطورو کي راغلي دي چي له سوري بارښني څخه د پارلس ورځي وروسته واتپه په فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي. زرد شتيانو د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او بايي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه. او په دغو ورځو کي به د نوروز ميلي وي. له سوري چارښني څخه وروسته به بيا د کال د

شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
 ارسال ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند ، دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی ، بو - دی ارسال محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا اخبار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بین احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را زد دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمام معاشش را که بعد از آن ماه عرق ریزی به دست آورده بود ، مصرف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستاد . خبر می افزاید که برادران زد و خورد میکنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شانرا نمیدانند .

از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تمبره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذتوف داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .
 * * *
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ
 - بفرمایید ، تلویزیون است .
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید ؟
 - امر مقامات بود .
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ کانل شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتوران فعلاً خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰
 - بفرمایید ، اداره ، نشرات تلویزیون است .
 - نشرات تلویزیون است ؟
 - بلی ، بفرمایید .
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
 - بلی درست است .
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید یو کست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کنم و آن فلم هنری

(لو ستوری) را نسر کنید
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نمانندار که آنرا نسر کنیم .
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من (. . .) استم که امرو کم .
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب ، حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ، ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نشیمن



از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی
ژورنالیم ویان برویز از بعه بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار. خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زیاد حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

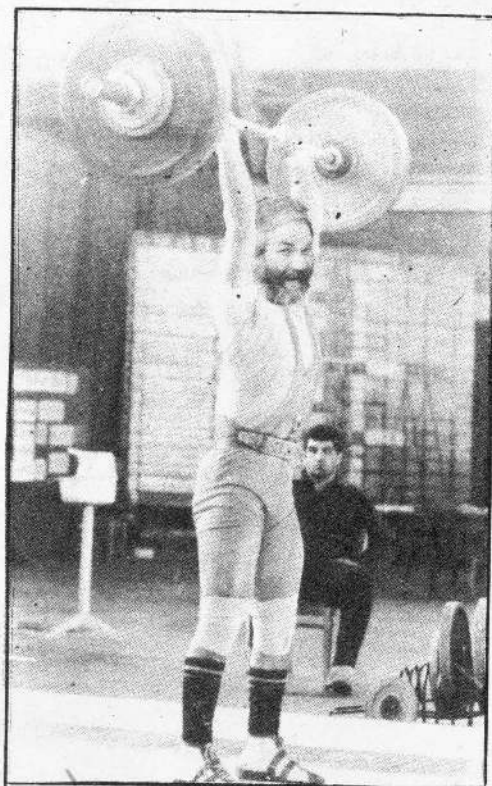
راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانک موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نوروشی بوموقع



ملا صتم خوب است

همسایه بپ

د بیوزیک تن از دست پیل است کمترین تم به آزار که نانسند و گاند آران و یگر تا رئیسند با بی انعمسا همکاری نمایند خود را به خانه رسانده، خود پس نمود.
خبرس از یاد نه خبریان کابین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبرازخوس و قدر دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاستت ره می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم دیشب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگویم! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه

مینیاتوره‌های طلایی

اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .

به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .

چیزیکه امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .

اگر واقعیت ناخوش آیند را بغیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارد .

بهترین منطق منصفی است که بعداً بوجود آید .

تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .

به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .

از تمدن گذشته در نواریهای آینده به وجود می آید .

زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد زیاد گفته شده .

از اندازه عملی شده .

مادر کلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنود ای بیرون آید .

خشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی .

بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : (عقد) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .

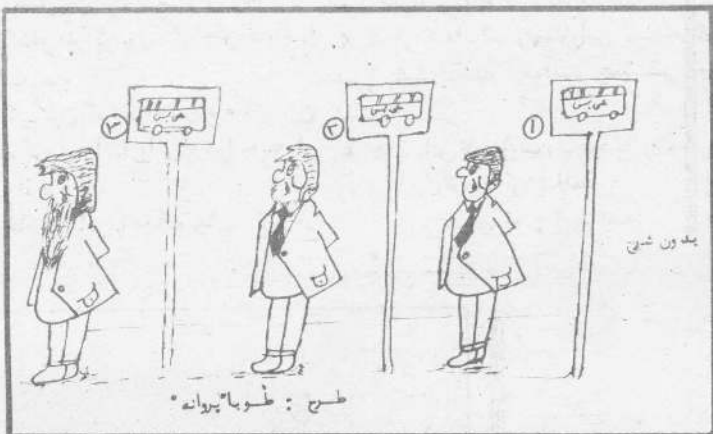
جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .

دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

کارتون



طعم تند



طرح : طوبه پرهانه

نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو میشمورد .
یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :
... دست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، تشین و کلاد استون .
... مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند اند .

امیل زولانزد را اکثری رفت ،
... اکثر پرسید : چه شکایت دارین ؟
... خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .
... اکثر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :
... ای تابلیت ها برای داشته ای تان کت میکند .
... امیل زولانرش را با ناراضی شور داد و گفت :
... اکثر صاحب این تابلیت ها ایراد من کت نمیتواند من داشته ام .
... ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .
محمد سرور خیرنکار که به خاطر تخیله صاحبه نسبت به دیگران رحمت زیادتری را مقبول شده بود به آنشخر گفت :
چند روز پیش مدیر صاحبه برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحبه کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجایه اند ؟
معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :
وله راسته بگویم ، من هم نیامم که مدیر صاحبه کجایه اند ، مگم دیروز در امری امضا صحه علیا داد کهده سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .
محمد سرور که گوی خشکی

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فاجیکه ساختن طلی مکتوب -
... رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظایند .
روز موجود فرار رسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران تشکیکی رفتی را آماده ساخته آنجا رفتند .
همون که داخل شعبه شدند به جرات شخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئیسید :
ایا پیر به شعبه خات آمد ؟
معاون جواب داد :
ایره خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقت که بر آمدن پیر بیایسن .
تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .
در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :
اوسپه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کدن ، نام کارز میکم که تازنده استر یادشان توه ، اوهم ای که برشان میکم که روزیکتیه .
آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس انتقاد بدی تان را تقویت میکند .
متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر د شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتری بر موقت خوبی داشته باشید از همین رو با دید جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزواییه به خار به دست آوردن کین لیت به سر میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انانسه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرقی استید بوی ونگه گیاه کارسری در شما اثری نمیکند ببول صفای را در مواقع معین میبرند از بد بجز واسطه ها واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

متولدین ماه حمل :

امید وارزوه و قیمت کوشش از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت تراز خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اسر وقت از نانوای نزدین خانه تان نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شمس است .
متولدین ماه جدی :

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنود زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متاثر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پیکاری شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوای صروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوای بگیرانده ادامه دهند از لیل سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل شخصی تمسنا تهیه کنید .
برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .
معاور گفت : به چشم و حتما برشان موم .
روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفرازخان نرفت .

روزی که رسید نصیم همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .
همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :
معاور صاحب محترم ، از کسه تمیه صاحبیهت شما با اتمه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفرازخان و امیر شعبات شان بگهین (...) لبتا یاد داشت کهن که مارونیک شنبه آینده ساعت (۱۱) می آیم ، ماروه بر سرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریف و تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخشهای مختلفه





دوهامه پيښه

د راد پوړۍ مجلې پسرلک
په پسرلي د استان

سرپرست رئيس

نطاق: د راد پوړۍ مجلې پسرلک
په پسرلي د استان د پروگرام اوږدېد
ونکو لوستونکو سلام!
تاسې په تيره گڼه کې ولو -
ستل چې د پښتو سپينولو د رڼا -
ست ريس د مقاماتو د لزم د پيد -
ياد ناغږي له کبله برطرف شو -
په له دې چې بل ريس وټاکل
شې او ياد رڼا ست د کوم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشې د ريل -
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د
اداري اوښي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وکښمنځ ته راغې - په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پوري اداري مرستيال په چوکي
پوري نښتې و - خو کله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته
کښي او د باندې وځي - نوښي
مرستيال د رڼا ست په چوکي پښه
پاتې (۱۰) مخ ته



نانوای

دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي:
(نان)) د ډوډي او -
(واي)) د واخ مانا لري -
يانې کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډي پيښي
(واخ)) چيښي ووهي او هغه
هم په لاس ورته ورته شې -

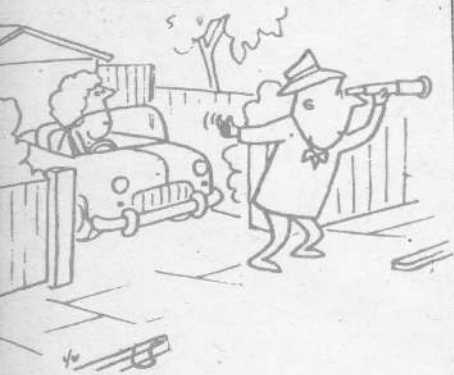
غور خوره - غوري وايه - خو په
غور وښه تير وځه ا



علمي تخييلونه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غوروي د نښونځي په دوران
کې د ناپيروجن دوراني حالت د بيلوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي، خود لته د ناپيروجن پرمخې د پوي بلي ډيري مهمي
اوحياتي مادي د دوران په باب غږيزو - دغه مهمه اوحياتي
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ
په زمونږ پښاريان په دوراني ډول دخولي اوږي له لاري سز او
کولمونه ننه باسي - او د لري ترهڼي روانه ده چې خود پښار
په واټونو کې دخټو او ډوډو دغه حال وي -
له دې خبرې سره دا خبره يې لا پراتواره په ثبوت رسپيزي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه په بل حالت بدليزي او خپلي
بقا ته دوام ورکوي -
راغې چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته
ورنښوئ -

نردی لیدونتی هییره او د سنخی و ریوری



دیو اگانو غوبنتلیک

د راپیو، تلویزیون، و راجیاسو،
مجلو او جرید و محترم موسولینو!
خبره وینو او وروستی به
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیواناتو له باره څانګړي خبرونې
خپریږي او هم به مجلوماتوکس
دغه ډول ګلیښی ترسترګو کړي.
خود یو اګانو خبرونه تراوسه نشه
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه
یی هم لوستلی ده. ایا یو اګانو
غوز ونه نه لري، زه ونه نه لري،
اوستری نه لري یی خوب یس
د دې ډول خبرونو تمه خوري،
د ایه موسور او بریدلی وی چی:
زاره به خواړه، مرګه یی د یی-
سار، خواړه د امانانه لري چی
سړی به مړه کیده، لیتی یا اوکوره
و خوری، بلکی روحی خور و نه چی
د خولی به څنای د سترګو او غوزونو
له لاری کولموته ننوخی هم اړ تیا
ده. هیله کړی چی د دنیس
اړ تیا به پام کی نیولوسوه (د بو-
ډاګانو نړی) ایه نوم خبرونه به
خپلو خبرونوکی وریاته کړی.
ستاس اجزا توت غوز اوستری
به لاریو.

بریالی اوس

کاکا سفندرد بوب اګانو د تولنی
سرپرست

وکل شو!

د بوب اګانو دغه غوښتنه به څنای
ده اوله عمدی شیبی وروسته به
د بدجاره هتی هنیوال د بوب اګانو
د نړی به نیم یوه ټوکرې به هتی
کی وریاته کړی.

ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه
اوس بی مینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته
به مفلس مین شرمیز ی، ښکته ما ځنی اجداد ه
د مهران مودی اوز دی شوی، د وصال به طمعه طمعه
زه زما ورسس وړان دی، د ایں غم بی پروانه
زه د یواښت به هیله، تیرم میاشتی ګندنه
داله څمکی نه عوانه، پورته شوی به هوا ده
لاهم وړخ به وړخ جکیزی، یو څیران رانیتنه شوه
د نر خونوبه سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده
به مړه کیده، عینکله، ماونه خور، به مینه
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د تیا ده
که یی نرخ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی اشتهیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زه د یی عیله یاری کړه
اول نرخ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، به کونوبه بازارونو
خه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شان ه
نورته افریاد ونه کړی، زه مړه کیده، صبر ګندنه
ای مفلس ګندنه خوره، د ازما درته وینا ده



میږز له میږسره خه خپلوی لری؟

میږخوتول بیږنی چی د دفتر
به کوچ کی به څلور ښو ارام
ولار وی اوبه رمسی وخت کسی
میږزایان ورباندی خپل سرز دی
اویده کیزی.
راعی وګورچی میږز اخه ته
وایی: میږز له دوه برخو
(میر-زا) خخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه ښی،
دوه سترگی اودوه غوزونه لری.
اوس که (میر)، (میر) او
(زا) د وار ه سره یوځای کړو
نوبه بتو سترګو ویلای شو چی:
میږز اهغه (میر) دی چی له
(میر) خخه زیږیدلی دی.
(خبرکی)



دیو اګانو نړی

یوه اګانو اوس څوان به کوره ده
پوړی ګاسی ته تا ځمت وړ اړه
پوړی یی خور له
دوی د وار وید خوله شخوند
راهه اوبه سترګوکی اوسکی توپلی
یوس چی دغی عجیبی بیسی ته
هت پت پاتی وکله بوب اخه و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زاری)
- بچیه بوښته نه کوه... نه پامه
خوله کی غاښونه نه شته اوسه
پوړی شخوندنه شم وهلاي...
خودغه څوان چی غاښونه لسری
توله پوړی یی راځنی رځسره
څوان چی خوله یی له پوړی
پکه وه... به پک ستونی بسری
ا و دانګل:

د روغ وایی وروره! زه چی غا-
ښونه لرم، نوبه پوړی شخوند
وهم لږ دم یی، خودغه بوب اخه
ښونه نه لری او پوړی ژوند یی
ژوند یی تیروی.

یوشن میږز ته لار خو خپل بوب ا
پلار ته لیک ورباندی ولیکی، میږز
دغه وویل:
میږز! ښه وروره! پلار ته دی په
لیک کی خه ولیکم.
سړی-سلام... ګرانه پلاره...
میږز! ولی چیغی وهی؟
سړی-د دی لپاره چی بوب ا-
پلار یی په غوز ونو کوه دی او
ورخبره نه اوری.



علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

مجموعه شعر

خواننده گان عزیز در شماره های قلمی مجله باغ رشک سفر
علی مشتری را دنبال عشقش در هیالای به غنای خوانندگی اینک بشر
بهری این همه را برانید

شب فصل بهار و ماهتاب است
نغم باغ رشک مشک تاب است
شگوفه دامن افشاده به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه در بسا لا))
ز خجلت ماه تابان در حجاب است
نغم آهسته تبرنگ رزگوش
که ((ممتاز جهان)) من بخواب است
درین فصل بهار ای گلشن نساز
ز هجرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مدهو بالا را بطور کامل تحت عنوان هللی
مشتری و مدهو بالا بدست نشر سیرده که چند
صفحه از آن مجله بصرف و وزیر را گرفته است
چریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مدهو بالا تشریح
یحات مفصل داده و هم چنین موضوع روز را اطلا
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر
سی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته و اکثر آنها فراموش گردیده اند
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنری
فلسی و ادبی بود، در وقت و زمان خود شهرت خوبی
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش
را بدست نشر سیرده و عکس هائیکه مدهو بالا در آن
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود
و هم چنین عکس های از من در مجله ننداره به
چاپ رسیده

و این است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم
مجله ننداره که مدبرمسوول آن محترم شفیع رهگذر
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور
خواننده گان گرامی سپارون، دیلا، تقدیم میشود

((یک راپور تازیکه در لچسپ خوانندگی
گفتگوی با علی مشتری))

((عشق))، امید ((و آرزو))، سه کله خوش
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهانه و بالاخره
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این است
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسیار خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است، گاهی در
صحاری خشک و ریگ بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلاں می میدان وطن میدان میدواند
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را در دی
وشت پای او را گردی نصب نموده است
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست، عجیب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو - سال تمام از یاد دور داری و در جایی او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالصی ماند، داستان اینکه وی در راه یار غربت چها کشیده، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله مسافر و دوستداران مشتری، موضوع معتنا و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجمالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو و امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فنی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فنی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما ترا می شناسند و جدا - نستن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو معلوم - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم. س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟ ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داریو بینایی یعقوب را یوسف کند س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی ستیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر - مندان را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض.

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفسد و هوش رنده بدیده بازماندی یک انسا یکلویی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در جلوه زیبای و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهوالا، نی، وی - جنتی مالا، نلقی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هائی سازند، محبت و علاقه من به مدهوالا یک - بقه چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهوالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهوالا و اهل خان بد را و بچاپ سپرده اند چاک از اینکس مدهوالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هائی اساس مطالبه کرده است آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محو است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهل و اواله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیریم.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میکنی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریبسخنی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبای طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهوالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هاییکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیادین اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میکنند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هندی بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شما نمودین ،
 خیالی دیدین که چلو قصد خوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدیم .
 سرفرازخان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گفت :
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۷
 شوهر من فلمدار که در من
 حال به حد بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گویی را برداشته سزای
 سرفرازخان که همان روز در شب
 بود تملقین کرده گفت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های توانموتش باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قایون داشته باشم
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل پسترس شوند
 اغلباً دیده شده که انهمالاز
 طریق همبره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 معلوم کردن معتادین هم چندان

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)

نمایشنامه ((ایدم نیست))
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نشانه های داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید اینکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام دارد به کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من



باز رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده گی کردن
 را موختم ، نه تنها به درسام
 میروم بلکه در منزل با مساد
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .
 - ما شما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

آنرا اجرا میکریم نهایت خوش
 آمده بود و از سوزنی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری ما سپ شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده قرار گیرم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ستاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه گی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته
 باشد میشود از تسهیلات تان بیروم ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ۱ ماهه را تمقیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت بن ویا مردم کدام یک مؤفق تراست ؟
 - به نظر من زن مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشیور
 وسیمه ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظراتی مؤفق تراستید و یا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعر را خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بله در فنیشیوال و در گاهه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول)
 ساندرفر از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرهانید در صورت تریکه
 هشت ماه به تاین وقوع این
 تصادم نمانده باشد ؟ ایامشود
 راکت های دوگلوله ای را غرض
 انفجار ستاره به خارج فضیبر
 میرای سیمون بکار برد ؟
 بعداً ساندرفر اظهار داشت :

دفع گردید که در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و
 حبابی در برابر اشعه آنتاب
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های کاملاً حقیقی به شمار
 می آید لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد
 (شویسکر) ستاره ای که قوت
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک میگان
 باشد امکان دارد بعد از هری سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .
 ستاره های پرواز کنند :
 ما بیستم بعضی از زمین
 شناسان را که این کار را نهاد
 موجب اظهار نسی دانند

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ پرواز جنگلات
 دور دست سایهها جسم طمعی با
 طاقت انفجار هایدروجی دو ایزده
 میگان عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غباروتند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از طلا در ساره
 سیم این انفجاروشی . ناسجه
 تانکوسکا سوال میشود ایاجسم
 مذکور رأس متلاش شده ، مذ نس
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخنر
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند ایاد ضرورت

ساختمان ها سریر آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشود . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۷ این
 یکبار به سکونت انتقال یافت . دهن
 شهر اتن تلخون اوستانکو -
 بالارفع ۵۴۰۷
 متر امارشود . این اتن تلخون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوائت واقع است که چن مخود
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -

گفته شد کاری ساده نیست اداره ماصرف درحالاتی میتوانند آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خودشان مراجعه صورت گیرد .
س: آنانیکه بعد از تدای معتامی شوند آیا باز هم چانس صحت یابی را دارند ؟
ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند.

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد .
س: معتامین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟
ج : برابلم های ناشسی از معتامین وسیع است .
از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .
خطر سرطان نزد کسانی که عادت به دود کردن دارند . بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود . زرق داخل رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد .
حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد .
از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد .
از نظر اقتصادی چنین انبساط کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خوشتر با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردد .
گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد .
خانواده کی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنسوجنجال ها بالاخره به طلاق و جدایی منجر می گردد .
انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانعامتاد ازین ثروت کاسته می شود .
رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد .
بعضا بخاطر بدهی است کورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند .
حتی تا سرحد قتل و زندی های بزرگ میهنی اینک برابلم ناشی از اعتیاد طفیل وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم مادران و اطفال مسکمه جوانان و سرانجام مصیبت یک جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد .

نقطه مرگ

بقیه ازصفحه (۲۶)
کوبایی چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نیمی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منحصوی کیمیاوی در آن وجود ندارد .
عبارتند از : عصاره جمجمه سنگ پشت خاور دور ، عصاره شاع کرگدن ، خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids
لیومی چینی ، خسته قیسی و شنبلیله های که در کوروسا نیز پیدا می شوند .
راز روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند .
از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیامکن است که عمر را طولانی ساخت ؟
اینگونه پاسخ میدهند : بل ، با تقویه سیستم های قبلا ذکر شده ممکن است .
زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد .
طول عمر سورا میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد .
بالای اشخاص بین سنین ۶۵-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با انکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته بود توانستیم که آنها را با نرسدای بحال نورمال برگردانیم .
برای اینگونه تدای عموما تطبیق دو یا سه کورس لازم است .
تیمی که کورس از ۱۰ تا ۱۵ بار تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری .
ها چند روز را در بر میگیرد در حله اول بیچگاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد .
چیز مهم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر بد نیصد پیدا می شود .
در حالیکه در سوزن زن عادی تقریبا ممکن نیست .
داری تر رقی شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود را به نقطه مورد هدف میرساند .
کورس اول تطبیق بیچگاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی بهتر و بهتر خواهد شد .
سپس نظریه وضع بیچگاری تطبیق بیچگاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد .
بعضی اشخاص در اولین تطبیق بیچگاری صحت یاب میگردد .
تلاش طبیعی کوریا به تزریق دروا نقاط لان طول عمر محدود نموده در صد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند .
داکترونیک بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد :
در یک حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند .
هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند .
فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اساج و جگره ها می باشد .
از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد .
هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد .
همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد .
به نظر او این نقطه بالایی خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سده و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد .
بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر ، که از قدیم ها تصدیق گردیده ، موقعیت دارد .
مهمترین آنها نقطه چپانگ است .
داکترونیک نقطه جدیدی را هم کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمیم دارد که نقطه مرگ را هم درین منطقه پیدا کند .

چونند انسان را از نظر اشعه هایونایی حفظ کند .
درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟
هنوز حوات راتعا از ضلیم سوی حیوان صورت گرفته .
هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظت کند .
کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد بود .
طوطال ، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاذ ۲۰ نمد حاصل خیزی بخش نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت .
شد تشعشع مابرای بخش امکان دارد نفاذ را بگونه مناطق صنعتی و آلود سازد .
نگر این امر ممکن نیست .
پس از ۵۰ سال صورت گیرد و نام در صورتی ثابت ماندن انسان در برابر آن .
طریق معلوم است در سالهای نزدیک به خط نعداری این از خطر نخب اقدامی ضروری در نظر گرفته شده است .
آیا بخش بیخ خوش بنامه شابه صل دانگنی شبه نیست که از بیخاوش مرض جدی او را بیهان نگهدارد ؟
گفته های من نه تعابیهانته های تجاری طی هبوط نام بلکه برنتیج پژوهشهای جهانی استوار است .
تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگلیسی مل متسد (UNDP) سازمان متروپولی جهانی میانگرنان تطبیق است .
از ده سال در هر پاییز بالان قطب جنوب شکاف آزیوی پیدا ر میگردد ، طت چیست ؟
در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد .
با انهم در زینه این فرضیه ها تمام گردید است :
شکاف آزیوی شاید زا ده جهان کیمیاوی با همیان دنیا کی با هر دو ی ان باشد که بالان توصیف صورت میگردد .
بعضی هالین موضوع را با اهتزازات رزم حرارتی و همیان با اعمال شدن خوبید پیوسته میدهند .
هیچکس تا کنین به تشعشع مناسب آن توجیه نیاخته است .

پژوهشها و آزمایش های بیشتری در کار است .
تحقیقات بشرک شیوی ، آلمان دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ، هند و ایالات متحده روسی است .
در سال حاضر چه پیمانه مواد تهیه کننده این درجهان تولید میگردد ؟
تعدادی روسی سالانه در حدود یک میلیون تن (۴۰ نمد آن در ایالات متحده ، ۳۵ نمد آن در ایالات ۱۰ نمد آن در جهان و شیوی) تولید میشود .
تلقیه تعدادی در شیوی ، ایالات متحده و بعضی کشورهای دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد .
در کفرانس مونتهال چه مصامی اتخاذ گردید ؟
مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۵ در هائیا هم اتخاذ گردید .
چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری جهانی رویدت گرفته شود در پروتکل آن ۵۰ کشور امضا کننده تعهد سپردند که تولید مواد تهیه کننده این را قطع نمایند .
تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد ضربه قطع خواهند شد ؟
در کفرانس مصم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید نوی روسی ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود .
آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری منتظر کاهش بیشتر اند ؟
هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردید و تولید مواد تهیه کننده این افزایش نیابد پیمانه تهیه شد کشور این مایه نگرانی نخواهد بود .
با کورولیک پروتکل مونتهال را تا هنوز امضا کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟
نظریه موافقه مونتهال تکلیفی و وسایل تولید نوی روسی را اختیارات آنها گذاشته نخواهد شد .
البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزنی خواهند شد .

رستورانت میشود .
اخین حرف تخنیک به شهر توتوتو کانادا اطلاق میشود .
۱۹۷۵ زسال دین شهر برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان جهان از نوع خود میباشد .
در ارتفاع ۳۴۷ متری این برج رستورانتی که دارای ۴۷۶ چوکی میسرای معامات بوده و واقع است .
معامات این رستورانت توسط لفت که در کار

برج واقع است و اطرافش را شمشیر اسطه کرده انتقال داده میشود .
معامات میتوانند از لفت به منظره نما که به شهر توتوتو از مشهور لذت ببرند .
شاید برایتان غیر قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده .
این دو ساختمان - مرغع چارت انباه های تلوهون بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسای پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلندبودگی ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پروژه های نوراگراست که در صورت اسطاران ارتفاع هزار متر در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسای پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلندبودگی ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پروژه های نوراگراست که در صورت اسطاران ارتفاع هزار متر در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسای پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلندبودگی ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پروژه های نوراگراست که در صورت اسطاران ارتفاع هزار متر در نظر گرفته شده است .



جواد عبر چهره جوان در بالسخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱ - به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد .

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ در باره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیت آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگر گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گی ام راه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد .

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد

ورقایت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم . زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مریه تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولای رانگیر ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظره علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

مردها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه
قاعده کی را توضیح کند .
چنانچه دم عبارت از این است
بودن سطح هورمون LH
(Luteinizing Hormone) است . این
هورمون که از قده های مخاطی
تراش میشود ، سطح آن در زنانی
که به ورش نوس اشتغال دارند ،
پایین است ، بلند رفتن بیکاره کی
این هورمون به خاطر خارج کردن
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -
قاعده کی ضروریست ، خارج کردن
تخمه از تخمدان به گونه عادی
علت به وجود آمدن کره ای از جنین
در محل تخمه خارج شده از تخم
دان است که هورمون دیگری را به
نام پرورجسترون میازد . کوتاه
اینکه مقدار کم هورمون LH
معنی آن را میدهد که تخمه در -
تخمدان به وجود نمی آید ، بنا

در تخمدان پرورجسترون وجود
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی
تعمیق می افتد .
پریش میمون دالوی در اینچاپ
وجود می آید که آیا به تعمیق
افتیدن قاعده کی خطری دارد و
یا خیر ؟ ما هم میدانیم ، بیسده
شده است که استروژن برای
محافظة استخوانها در زمان
غروریست ، پایین آمدن ها کاهش
استروژن بعد از توقف قاعده کی
به نرم شدن استخوانهای انجامد ،
مطالعه آنهایی که به دوش -
اشتغال دارند ، نشان میدهد که
محتوات منزالی ستون فقراتشان
کتر از آنهایی است که به دوش
اشتغال ندارند .
مادر مورد خانمی قبل از صحت
کردیم که شجاعت وی بعد از مادر
شدن تنه اثبات رسیده است .
روانشناسان و دکوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح
کنند ، در زمینه چندین نظریه
وجود دارد ، نخست اینکه یک
زن که تحمل شدیدترین درد -
یعنی درد هنگام ولادت ، را -
دارد ، میتواند در اثنای
تیمین با این خود فشار را تحمل
کند ، زیرا با این خود اطمینان
تحمل درد را دارد ، دوم اینکه
زنی در اثنای اجزای تمین شاید
کمتر خود را ناگهانه محکم
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی
نرسد ، ولی بعد از مادر شدن
میتواند سخت تر تربیت گردد ، -
نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود
را گذشتانده است ، سوم اینکه ،
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی
امکان دارد که اندازه حرکت
پایه را در اثنای دوش تحویت کند ،
بالاخره چنین مطرح گردیده که
هورمون پرولکتین که بعد از ولادت

را تولید می نماید فعالیت میکند ،
تا تغییرات موثر روانی را با این تمام
مقاومت دارد که تاثير آن مد -
نیادی دوام میکند .
به اصطلاح نوروردن میجادار
زمان حامله کی خسران است ،
ولی در آنهایی که متواتر به دوش
عادت دارند ، تندرست اند و تکلیف
هایی مانند فشار خون را ندارند ،
خطری به دنبال آن نیست ، در
ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان
تا روز ولادت به دوش ادامه
میدهند .
کدام تمینها را باید از زنان
انجام بدهند ؟
در پاسخ باید گفت که هر
نوع تمینهایی که خواسته باشند
پیدا کردی ، دوش ، بوگاها
ورزشهای دیگر ، ولی مهم این
است که از آن لذت ببرند و مفر
مندی شوند .

جهان بعد از قاعدگی

بقیه از صفحه (۷)

ارگانها هم جای زنده را از شمع ماورای بنفر مخلوط نگه دارد در اشد
پرتاب ، تومار آتشین ناشی از انفجار تخمیه خواهد شد .
شمع ماورای بنفر که زمانی محروم و انگیزه زندگی روز زمینی
گردیده میتواند بهمان بهمانه موجبات نسبتی آنرا نیز فراهم کند ، این
شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرورد ایثار وارد خواهد ساخت .
چنانچه اکثر ارگانها هم جای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در
زنجیره غذایی موجودات بنفر - تشکیل میدهد ازین خواهد برد ، و
بدین ترتیب زنده محتوی بودی سایر حلقه های زنجیره را صادر خواهد
ساخت ، نه تنها در این نباتات ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای
بنفر مالیکول های راک مشخصات ژنتیک مربوط به آنست
تخریب خواهند نمود ، در قسمت سلولها تکمیل پوست پاپرها شان
در برابر شمع سیر گردد ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -
امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت .
میلیونها پرنده گان و جانوران ناپیدا در جستجوی آب و دانه سر
گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت ، نیکولو بوچکوف ، دانشمند
ژنتیک آکادمی علوم ضمن استاد شوروی راهپنده ، بر آنست که در چشمن
شرایطی معلقه نخواهد بود تکثیر بشری را از نگاه ژنتیک و ادامه
پروژه تکامل انتظار داشته باشیم ، این جنبش شمع مواد را میسو
اکتف تحولات نهادی را در تمام مالیکولها و ارگانها هم جای بازمانده ، نباتات
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد ، جراثیم کاملاً بی ضرر
خسرات مرکب از راتوجه انسانها خواهد ساخت .
مانه بران ، کمک تغییر بازمانده شرفیت تکثیر را به علت اینکه شمار
آنها به سزای تمین سطح پایین کاهش خواهد یافت ، از دست
بدهند ، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه
جلوگیری از جنین گیری با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -
تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و بهای مایه پختار ارثی که بشر در
طول دوره ، تکامل خوش بدوش کیده است عوامل جدیدی که یقیناً
نیل بشری را به سوی نیستی خواهد کشاند ، امانه خواهد شد .

فردین موزیک

انواع مختلف کسهای
موسیقی افغانی ، هندی و فرسی را
به علافندان موسیقی پیشکش مینماید
آدرس : مارکیٹ جمہوریہ

رستمی حیات

خوله که نه نه در مخره فنی مرستیال
به جوکی کیده اولی و . اداری
مرستیال جی نه جوکی بی د
جان منلی حق با له به خیل
بخوانی د نترکی بی دریاست
بول صلاحیتونه به جان بسوری
وتیر ل . له بی خوا اداری و
فنی مامورین هم له د وید و پرو
تخه کم نه وو . حکه جی د یوتن
به ریسیر کید لو سره د نولو به
جوکی او بستونکی تغییراته
که حیره فنی مرستیال ریسیر
شوی واپی نو فنی خانی د -
بخوجا کولانو د تیره کولو عیسی
مد برد فنی مرستیال جوکی او
بست تر لاسه موه او د مفسه
مرستیال به به خبله د عیسی
مد بریت جوکی وریاتی و . حی
به دی لول ترورستی مامور
جوکی نه نه حق خیل حقدار ته
رسیده .
د عری وخت و جی دلور مقال
له خواد سر برست ریسیر مکتوب
د ارشیف مد بریت ته را رسید .
مکتوب مخکی له دی جی به خبله
د ارشیف مد بریتی و کوربی نه هغه
مامور باکت حرسیری کی یه او د
مکتوب متن بی لوستی و کلمه

جی د ارشیف مد برکتوب د پوست
له مکتوب سره یونای بی د خیلی
ایمانه کاری بیستنهان هم له میز
خانی راه اخست ایبه د اس حال
کی جی در نهایت خندا بی به
شونو و خبره و . د اداری سر -
ستیال د د نتر به لور و رو خوجید .
(لوستونکی دی د خوشیسیو
له باره یوست موزیک و نتر وی)
نصاق : د نولوستونکو (تاسی
خه فکر کوکی جی به مکتوب کی به
خه لیلیکی وی . د ارشیف مد بر
د خه شی له باره د خیلی ایمانه
کاری بیستنهان له مکتوب سره
یونای اداری مرستیال ته پور .
ایمانه ارشیف مامورین له خیل
مد بر خده مخکی بی مکتوب
لوستلی و فنی مرستیال به له
موضوع خیر کر کی او که نه ، او هم
د جی دریاست جوکی نه نه ح
به تعیب وی .
د هغه بویتنی دی جی د
برله بیس داستان به دریمه
اوروستی برخه کی جی به را -
نولونکی که کی به خبره شی حل
کند و نکی دی . اور نو د خدای
به ایمان . روغ او حوین حال
اوستی .



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببود.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخوج بود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوه ((سنگیتا جلالی)) نام پردرخش واستیلا کاشه ایست که از دو سال برسکون موقت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکفرمای می کند.

اوازمدتاهای این سوتقاضای فلما سازان راستورد میگرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی درنظم ها درخود احساس نمیکرد وازجانب دیگرتمخواست ازبفته اصلی اش که سخت به آن علاقتد بودتجاشی کند. چه اوازنیصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم اورا ((چراغ)) - خطاب میکردند ودراین دایره از شهرت فراوان بر - خورد ایهود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. درجهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهن یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، درگروصحت شد ودربرابر یک سوال گت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندین احساس - نمیکردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت وثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینماستایل بمادولی حاللا دیگر شده که شده.))

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال باگساد - دهی وتواضع لب به سخن می گشایدولی هرگسا در سبایل شخصی او سوال دویزنده آن وقت مثل گرم ابهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، اوهم خودش را در لیلان حرف ها، کلمات می بیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را درنظم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، اواز تومن فروریزیکبر فرود آمد واین نقش را بیدهن پذیرفت درجالبه قابل ازان هر تومو پیشنهاد را قاطعانه رد میکرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه می کند:

((نزد من، ((دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از این تومو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمیکردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار میگیرم که حساب توار داد های بازی درنظم ها برای شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هامم شکل ترازان.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرف اسم برای بازی درنظم هاییک توار دادن آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلمی که قرار داد میشود، دهکی آن بازیگر اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری))، ((دل جلتاهی توجلی دی)) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در اواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتما تیک داد. اکثر آهنگهای راکه در ان زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، ((موکیش از عمنی گلوش اد)) میگرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازهایی طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی ادای میگرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگریستند وراضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیورا جانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برقی آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((آه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معشوقه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معشوقه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معشوقه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع - و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰ - ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خوانند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه - موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شکر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر فلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلمها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ میکسرد اصراوی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شتند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش را رد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانسند نظم عقربه های ساعت سه سوراخش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تخنیک در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده وی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای رابا ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در ارایسه بهترین نمایشان فراداشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این وانعیست متوجه می شوم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگده باغم اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازبایی میگیرم قابل اعمیت است بخاطر بیابرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن الود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با فلم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که اوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نرآن سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریوسن
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم دانشمندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطق، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و این کارسالیانه ملیونها خساره
وارد می‌نمایند.



از دنیای مود...

بقیه از نسخه مقابل

در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که ((امتا بهر))
فعلات روز آن کارمیکده، دزبکی از آنها، نام ((سنکیتا))
خوانده نمیشود، دو مطلب قابل توجه است:
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فیلم در قسمت
قرارداد دارند که مابقی آن صرفاً فلانما از آنها
میشود.

دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن آنها ((امتا بهر بچن)) هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.

مگر در هر صورت نظر بر این دو، در پرده فیلم
انقدر هابمید از امکان نیست ((سنکیتا)) در این
مود میبکشد:

((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیمیشی
برای خود کماش کم هر این طرز تلقی که، میگوشد
(مودها)) هنرمندان خوش از این در نمی‌آیند و
خط بطلان بکس تا دیگر گفته نشود که ((مودها))
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند.

اگرچه در فلم ((هتھار)) ظاهر شدم ولی فلم
اولی من ((قاتل)) است که بی صبرانه منتظر مکرر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام میباشم.

داستان این فلم پر از فواض و صیدگی هابمیت
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر انگده از
(سنیس) خواند))

به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودول
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.

او میگوید: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فیزی قرار میگیرد در حالی که در سینما
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.

اگرچه در فلم‌های هندی رهموضه نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بایم ((

((سنکیتا)) فعلاً حدود پانزده فلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.

اگرچه در این اواخر داستان مشقی ((سنکیتا)) با
(آزایمان) روی نمانع است ولی او موضوع را اینگونه
جلوه میدهد:

((در زنده‌گی من فعلاً هیچ مردی سایی
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم)).

ویا سالهای مینوز به ظهور میرسد.

ولی همچنان انجماد زنده‌گی
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم
می‌آورد.

منتها مرد هانیز میتواند
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد
باشند، پس چرا آنها دست
به سرفت نمی‌زنند؟

روانشناس هامبورگی بنام
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:

زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی رایج و عیاحت
درک احساس می‌نمایند، در

حالی که مرد هاندت عاقل‌امو -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بروز

ان گردند. مرد هابیشتر بیماری
های جنسی مبتلا میگردد ((

نباید از ندراند اخت که
زیودن یعنی دزدی رعایت -
خاطرمی بخشد. در جریان

دزدی انرژی تشنج روانی از او
شده کسیده‌گی و گزنگی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.

و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از ناآرامی ترس‌میان می‌آیند
با احساسات لذت‌آور جنسی
میتواند ارتباط داشته باشد.

دو مین نفر معترف به سرقت چیز شده‌اند.

رعیت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای
موسیقی، فرآورده‌های چرمی
والیه سود روز که بیوه مسود
بستند خان‌ها قرار دارند، دیده
می‌شود.

رواقعا خانها، با وجود
اینکه در مقایسه با مرد هاکتشر
مرکب جرم میشوند، به اصطلاح

در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز مینمایند.

در اطری منتشره وزارت عدل
ریاست نورد اینوست فالن المان
عرب چنین آمده است: ((در

دزدی مغازه‌ها زنان و مردان
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))

علت آن چیست؟
روانکوی از دوسلدورف بنام

داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته
ومی‌نویسد: ((عقد و گزنگی

های روانی در رابطه‌علسی
با اختلالات غده‌یی قرار دارند
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

بازی با ترس

هر دو مین شخص بازی با ترس
را انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ المان
فدرال صورت گرفته، روشن
میگردد که چرا تعداد کثیری از
زنها در مغازه‌ها به دزدی می
پردازند. ((نورا برمن چیزه‌گی
یافت و خطر را در جیب پنهان
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه یک
زنی است که در فروشگاه هابه
دزدی میرد از.

زیودن اجناس گسترش
نییابد و طوریکه تازه ترین آمار
نشان میدهد (۲۵۰۰۰۰ -
مرتبه در سال، باشندگان
المان فدرال دست به سرقت
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این

تعداد فقط انعامی را در برمی
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.
طوری که تجارت برچون
فروشی وانمود کرده، تعداد

واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.
از برسن همه گانی‌ای که در

شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسبال، یانک بازان، وواترپولسو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ايسلیندو و بعضی کشور های دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در میونخ دفتر مرکزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابا راه انداختن مسابقات السب از صدمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

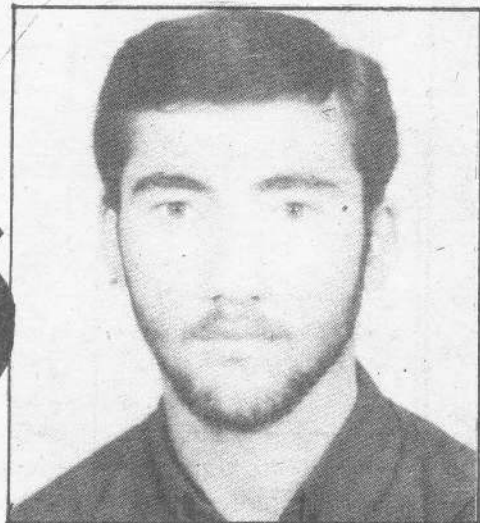
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقب ماننی دروس مانی شود، در فسنیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع از میدان ولوازم سیورسی میباشد، معلمان مانسبت به سیورت نه نیست خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تبیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات مارسیده کی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران را کم نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تی کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو سو-سه)) محترم عبدالناصر هوتکی است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

ورزش تی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شد، است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود.

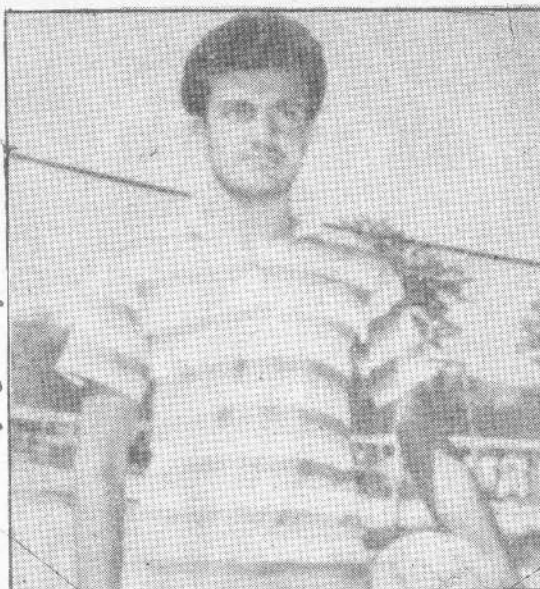
تی کواندو از سه کلمه کوریا می (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن (دو) است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو هیانگ و تی کواندو ی بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باور مند فرد ای درخشان شایسته از جابا می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

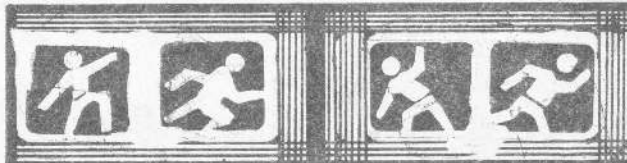
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهایی است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویاپول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین ، در فوتبال ، دیگري انانید پلیناکیرت ، از کوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .
 و اما در مسابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهر ننگ بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند ه بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



سبک فاع

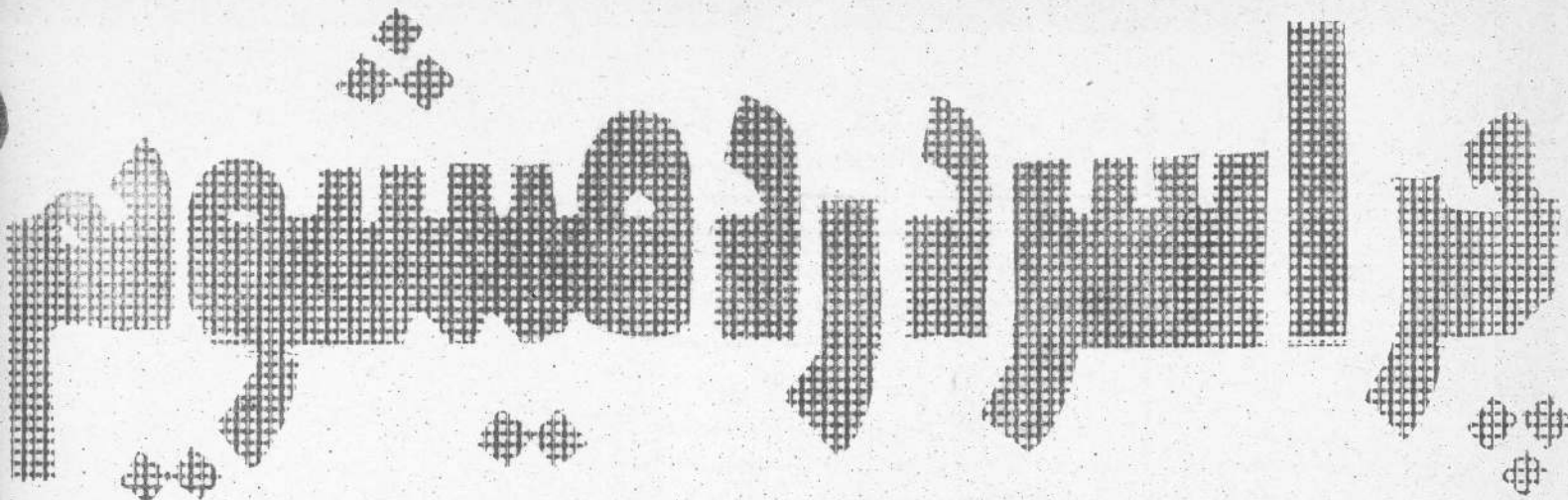
بازگشتم و کلب ((تی کواند و پوسه)) را ایجاد نمودم .
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جزگارد رگلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینس داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظربه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((فدراسیون ورزشی ایران)) موفق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانیسز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موه دبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من





دیدن بعضی تصاویر، استفاده

از عینک‌ها و کلاه‌ها

بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

مجموعه وایلی

یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شریک الکل غشای مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری نیز سوزناک و به داخل معده می‌ریزد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضو منتشر می‌شود.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گه می‌شود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشتر از دست می‌دهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند.

هنگامی که اثر الکل از بین رفت (زمانیکه عضو به سختی اثرات آنرا خنثی می‌سازد)، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود را تا همین می‌کند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی. میگردد میتواند بعد از ماندن زیاد در سبک اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و در وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد، حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میتواند دفعاً از طریق سیستم شریان های داخلی و خارجی باز-توجه شود. در مرحله نخست افزایش سیخ جریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز تقویت می‌سازد و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه مرتبه می‌سازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-)

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می‌شود. صورت بیمار به سرخی می‌گراید این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردد است. مرحله دوم بیماری باعث پائین توفیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زوده های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های درد حساس میگردد. سردردی غیرقابل تحمل میگردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جمجمه بی را بالا میبرد. در نتیجه برای بیمار بعضی پدیده ها از جمله اسپرانی دست میدهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و اسفندگی لسی تا حدودی در زوهای دماغی از بین میرود. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صوف وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حمله رنج نهایی را متحمل شده

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را برطرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم - چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهر شاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از میگرن همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و نیز اجرای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - ایمن قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کوهلین سکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سیاسکیا)) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووتسکیا داخل کوهلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوخت - بودند ، این تاجر با مودوروف مدخل - بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بورووتسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آناه منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند - در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند - باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلمت کامله دتقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود - این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت علبه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت - این یک چاره ساده ولی نهایت موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشه شدن - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد - بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشه نشود - محکم بمتن کالهای تنگ که حرکات کردن را - محدود ساخته و به مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردد - نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و کاهش واکنش - هاست - در نهایت یک افزایش ها انبساط مایلند کالهای تنگ های شانسرا - سمت نمایند ، با این کار فوراً احکام - آراش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با این بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند - در اثر آن بالائی - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم گرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند - معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است - داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسر سازند - برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد - ظرف یک ساعت وضع دمائی اش بهبود یافت و سردردی اش برطرف شد - ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند - چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگها مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدوش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدریجی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس سنگینی میکرد ولی فوراً - توانایی اش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدقیق گردش پیدا شد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه اش را نمیتوانست بخاطر بیارود - صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب بهبود سوج آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فترات مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد .

ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی - صرف آب نیز موجود می آید - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنین فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با این مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توان مؤثری سیستم وایس منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد - درین صورت باید یاداگر مشورت کرد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد وقایع مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایس معروف است ، بهر آرد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایس را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

نیلا نوروژ

بقیه از صفحه ۲۷

میخوانم و نه آهنگ کند پیری را
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم
- با همه آواز خوانانی که خواسته
پا شدند من امتحان میدهم استند
آواز خوانانی که صبح شوق آواز -
خوانی به سرشان میزند و شب بید
روی برده تلویزیون می برانند باور
کنید از طرف فامیل ها و خویش تویم -
شان باران یو تلفون می آید که
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام
کاروان خله با او مصاحبه شود
- پس شما هر ساعت و هر لحظه
در آتش حسادت سوخته آید
- نه من نسبت به کسی حسادت
ندارم ولی بر روی واقعیت نیاید
پرد کشید
- آیا شما در رشته موسیقی تحصیل
هم کرده اید؟
- بله و دو سال در لیسه موسیک
در رشته موسیقی تحصیل کرده ام
ما یک گروه هنری داریم
- سه کدام آلات موسیقی در آن
دارید؟
- به آراکون، اکوردیون، کیبورد،
تبله، جاز بند، دیل و هارمونیه
- شما قبلا به این مطلب اشاره
نمودید که امتحان آواز خوانانی
دادید و موفق شدید یکی ها از شما
استاد گرفتند؟
- در امتحان ما استاد محترم
استاد هاشم موسی قاسمی معلم
نسی خلاصه که ۴-۵ تن از استادان
دان روزی به حضور داشتند
- جراحین استادان روزی
نعلاد رازیبی آهنگها می
میگیرند؟
- حالا این همه مسوولیت به
دوش استادان جوان گذاشته
شده است
- بالاخره با آنچه که گفتید وضع
موسیقی کشور ما چگونه است؟
- وضع موسیقی ما خیلی خوب
است، ما چارنج نفر نوازنده
خوب داریم و پس ولی موسیقی ما
اصلاموسیقی نیست، در موسیقی
غربی باید زست های هنری وجود
داشته باشد که ندارد، صرف
موسیقی شرقی و فلک لوریا موقفاست
- گاهی آواز خوانان ما از طریق
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای
هنری هم میخوانند نظر تان چیست؟
- در جواب شما به غیر از آنکه بخندم
دیگر چه میتوانم؟
- بالاخره تصمیم آخری تان چیست؟
- بالاخره اگر اجازه ثبت آهنگ در
راد یو تلویزیون برام داده نشود
هنرم را کنار میگذارم ریک بیشه
دیگر اختیار میکنم
- کدام پیشه؟
- آرایشگری است، مانند هویده
صاحب خوراکی فروش بازمیکنم
- آنقدر سرمایه دارید؟
- قرض میکنم
- نظر تان است دعایمیکم موفق
شوید یا در این یاد ران

عکاسی جهان نما

عکاسی عکاسی جهان نما
ستدیوی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی خوش شمارا غیور
رنکه رسیده و سفید می بدید
ادرس شهر مزار شریف منگوس
شفاخانه ملکی شمار روزه تیرید
تلفون ۰۲۲۱۴



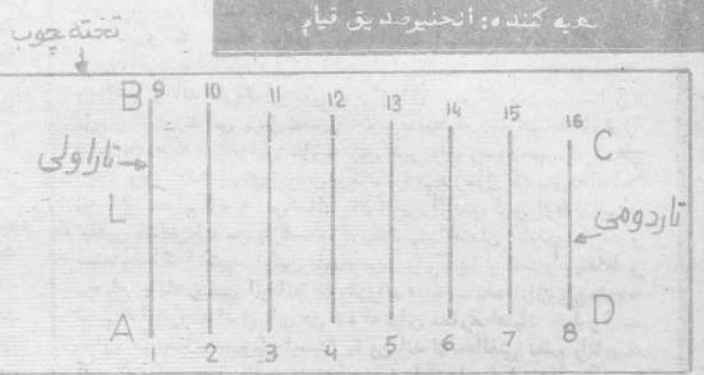

درسهای موسیقی برای همه

در تعریف موسیقی

قبلا مجله سپا و سلسله
درسهای موسیقی را آغاز نمود. بود
که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال
نتوانستیم. در سال جاری محترم
انجنیر صدیق قیام که در این زمینه
دسترس دارند و عده همکاری
را داده اند ما سر از این شماره
درسهای موسیقی را در نبال
خواهیم نمود.
در میان علاقمندان هنر
موسیقی غرض فراگیری اساسات
آن تقاضا به سطوح مختلف وجود
دارد. یعنی یک عده شنایند
ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و
آشنایی با مروج ترین آلات مو-
سیقی (هارمونیه، طبله) به
شکل تدوین شروع کرده اند.
دیگری شاید دلچسپی به
شناخت رانگ ها و تال و اطلاعات
در باره کلاسیک، نفل، تهرمی،
ترانه و غیره و عده هم شنایند
به نوتیشن و تفاوت های موسیقی
شرق و غرب و بالاتر داشته باشند
که همه به یک بار مشکل است.
بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره
محترم مجله سپا و سلسله مستند به
نامه هایی که به آن اداره رسیدند
ناگزیم از الفبای موسیقی شروع
کم و به تدریج امیدوارم به ذوق
همه تاحد حد امکان معلومات آرایه
نمایم. تقاضایکم تا در وقتند آن
محترم کمک نموده یا نظرات
پیشنهاد و تسولات خوشش

شکوه، تلیر، نیرومند که نه باید
هیچگاه فراموش شود و موسیقی های
بیگانه جای آنرا بگیرد.
ولی فراگیری نوتیشن به همیشه
غریب یا تقسیم و دسته بندی را گها
وتال ها به سیستم هنری نیاید
با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود، بلکه
سواد موسیقی است برای هر هنر-
مند فراگیری آن لازم و ضرور است.
همانطوریکه برای فراگیری
هر زبان دانستن الفبای آن در-
قدم اول ضروریست به همین ترتیب
در موسیقی هم دانستن الفبای آن
گامی است در فراگیری. کسی
قدیمی ترین الفبای موسیقی
در چین و برای اولین بار الفبای
موسیقی به زبان سانسگرت در
هند به وجود آمد. این الفبا
در چوگان هفت سر یا هفت
لغت یا هفت صدا این که از تکامل
سرود های مذهبی به وجود
آمد بود نامگذاری یا ریخت
گردید.
الفبای مذکور که به الفبای
طبیعت انتخاب و به موسیقی
داد شد هر یک معانی بخصوص
دارد:
۱- شاجده به معنی صدای ط-
وسد و رقص است
۲- رشاید: سرود یکی برنده
بنام چنگا
۳- گنداره: مانند صدای بز
۴- قدایاه: مانند صدای مرغ
ماهی خیز
۵- پنجامه: آواز ناخسته
۶- دیوات: ترنم بقه در موسم
بارانی
۷- نشاده: ترنم آواز نیل
همچنان یک نوع نامگذاری
دیگری که منشأ آن سرود های

مذهبی است قرار بدیل:
۱- براتاما تون اولی
۲- دیوتیا در دویم
۳- ترتیا در سوم
۴- چتورا در چهارم
۵- پنچاما در پنجم
۶- شستا در ششم
۷- سیتاما در هفتم
ولی در غربت برای اولین بار
فیتانورت ریاضی دان یونان
به استفاد از هفت صدای فوق
که در شرق مروج بود و به انگلیسی
ریاضی و صوت اله موسیقی را به
وجود آورد که هفت صدای هفت
سرفوق به آن تطبیق میگردد و
یا گفته میتوانیم که مذکور اولین
بیانوی ساده ابتدایی بود صرف
دارای برده های سفید بقاییه
بیانوی امروزی. ناگفته نماند که
بیانوی اله موسیقی تازه در آستان
و بعداً آرایه زبان یونانی
نام گذاری کرد.
موصوف تجربه خود را آغاز
کرد با استفاد از اینکه اهتزاز
یا فریکونسی از روی دفعات
نی ثانیه اندازه گیری می شود.
مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز
آواز در زنی ثانیه زیاد باشد به
همان اندازه سطح سوه اول
(زیر) می باشد و همچنین به
استفاد از قانون دیل:
۱- تار تجزیه ای یک جنس مشخص
باریکتر باشد
۲- در کش زیاد قرار گرفته باشد
نمیرد و برای اجرای عطیه خود
تخته چوبی را انتخاب کرد و ریخ
ثابتی را به آن کوفت که نقطه
مذکور را (A) نام گذاری می
کنیم



و بعداً در نقطه (B) میخ
متحرک را محکم نمود و انحصار
های تاری را به دو میخ B و A
بسته و توسط میخ متحرک کش
نمود طبعاً با تماس صدای به
وجود آمد. مرتبه دوم عین تجربه
نوق را در نقطه C و D نمود
یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C
میخ متحرک بود ولی موضوع مهم
اینکه این بار فاصله DC
طول تار DC نصف فاصله یا
طول تار AB بود. بعد از کش
نمودن تا توسط میخ متحرک C
شاهد نمود که صدای تار CD و
AB با هم مساوی ولی تفاوت
صدای تار CD و چند صدای
تار AB بود که این موضوع
را شما در هارمونیه های دوسره
خود دیده و میتوانید وقتی یکی از
برده های هارمونیه را فشار
مید دهید بطرف راست و گاهی به
طرف چپ برده هشت نیز با این
میشود که عین تیوری فوق است
حال طول تار سرهای دیگر بسیار
ساده پیدا میشود قسمتی نامبرده
فاصله AD و BC را به هفت
یا رجه مساوی تقسیم نمود به لای
نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹ میخ
های ثابت را کونست و مقابل آن
بالای خط BC در نقاط ۱۰-

نوت: در سیستم هندسی
برده ۸-۱۶ نامگذاری ندارد
بدین ترتیب فاصله ا تا هفت را
بنام سیتک یا هفتی یاد میکنند.
چنانچه در سیستم غربی کلمه
Octave یا هشتی دارد.
تازه ترین الفبای موسیقی در غرب
در قرن ۱۷ در ایتالیا بوجود آمد
قرار بدیل:
دو، ری، می، فا، سول، لا، سی، دو
و یاد رازیبی است به حروف
انگلیسی مانند:
C-D-E-F-G-A-B
بقیه از صفحه ۸۸

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده زنده گئی ام الکمور را نیز ریخته و من دست و پا زان و میخورد خندیده گریستم - کی میتوانست مردان را کند ؟ دست میتوانست گشوده ام را به من باز دهد ؟ کی میتوانست آنچه را که از من ربوده شده بود باز دهد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت و اتم را باز رساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره می گرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لگن و میانش باشد - و خیاط دانست که من کی باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرا به خانه اش کشاند خانه میکه دست کسی از خانه قبلی ام نداشت و علاوه بر من عده دیگری زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگردت و مخدرات و الکحول بود اینها محافل نمناک و سوره جمعی بودند همه محرم بودند در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و دست کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حیوینی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که هزار بار رقص ها گاهی میخواستند برهنه برقصم و وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای منجمع همه با همراهم (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشا بخت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میسر میدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است - چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش مینگست (سرماره از پشت خار) - تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و دست کسی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر خوشی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم - زنیکه از واقعیت زنده گئی ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریفت و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سیری کرده بودم خبر آزادی ام را به همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده بگفت بعد از آزادی با او زنده گئی خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمناک بود در ریاضت که تقدیم چنین بود که من نباید در واز نجای باشم - آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرا به خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر دادند ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری جام را باید بر میگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از بد تیکه در این خانه زنده گئی میکنم صاحب خانه (با همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بسرزن که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه ششم - و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضم حسم جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کنار سرمیگردند و من به تنهایی ناگزیر بودم - پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند - شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده گئی میکردند و مرا اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگیم شده بود که باید ابا میوزیدم و کارهاییکه باید در اینجا انجام میدادم - بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان درون صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم دست به دروغ میزدم یعنی فرار میکردم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابنیل را پیش میبردیم در کابل هر شبی را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرای - و گاه در کانی سر میسازم - برضی ام شدت پیدا میکند من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانین راهمه احساس سر رسیده میافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشهر را پیش میبردیم اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام را دلیل می آورم از توجه و مهربانی های بیخیزن بی بهره می شوم

این اجتماع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتماعیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتیم هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد هر کسی به دست نظیر سلام دانگیم بخاطر فروش جانم و بد بگری به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بدیده ام

بدی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سرقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا ر محکوم به جارسال حبس گردیدم و دوساره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم - محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید - خبر مرگ شوهر آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف در منزل ماد رش به ادا زنده گئی محکوم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازاد و اج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازاد و اج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیروین است - بدون اندک مخالفتی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته گتورفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میکنم و روسی ظلم را که هنوز کرد که بکمال است زبان میدهم و نه تکه هامیچیزم - چرخ میخورم پول میکنم و شوهر معتادم را مرقوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالگی مرد - من ((سهیلا)) شده ام ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است - شباها برقصم روزها میجویم - بدرکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکرد تا بندی شد - او میخورد ترا زمین است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتیاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده گئی اش را چنین قصه کند که دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده - من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده - پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام - احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش بر من ظلم کرده نگاه کرده اند - اما حال دیگر شاید بد زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد - کاش چنین باغور میبود - مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نویسنخ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند - معامله گران از قصه ام دست به کیسه هایشان میزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیچ ود دوباره زنده شوم و تقدیم بیکه اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندارم اما زبان سواد زنده گئی ام است - زنده گئی این بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم پادستند دیگری در رقصهای گانفد ترسم میبود

من نه گهر نه اسلحه - نه زنده و نه مرده - تعمانی از انسانیت که سیماست بر من است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچکیدم - شاید خدا چنین خواسته که این بد و (خوشبختی و شرافت) را به انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند ازند و باز روسی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایبند شوم - زنده گئی طومار آماز شدن است و بیگانه طومار زنده گئی و من آغاز شده انجام شدم - مانند آن قناری که زبانش (زنده گئی اش) را - گرفته اند و زبانش را بیخود جدا کردند و گوهر خود را میقتدر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
ده، مگره بحان بوری
بی هم بایسد و تری
حتما تاسی ته خیل
د کجکاوی حسن اجازه نه
درکوی، ترخوموخیل بحان
نه و نی ازمایش کری چی
ترکوم اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کنیزی
۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی.

ساخته ویرایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم
داشته باشم.

زمری علاوه بر کلکسیون پسته،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افسانه از سی کشور جهانرا که متجاوز
از چهارصد سکه میشود نیز بدست
آورده، دسرکه های این کلکسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل درازنه، تانخ چه درسیکه
خط وجود داشته وچه قبل از آن
برجسته است.

زمری سهارضیراز این سکه ها
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت را نیز در البومها نگه
داری میکند.
او آرزو دارد تا با کلیه کلکسیونان کور
تماس، تبادل و تعمیم تجارت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زاد بخش کلکسیونسازی ادامه
داده و بارهنمایی و تشویق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلکسیونها دست
یافته.

کلکسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره، مومو و صفی بوده
از ذوق و سلیقه، عالی برخوردار
است.
کلکسیونهایش هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی

کلکسیونهایم را دوست دارم

منعنه * کلکسیون سازی
در کشور ما پدیده بیست نو، معدود
از کلکسیونران کست، گوگرد، عطریات
شبیخ، سگرت، پسته، سکه و
بانک نوت و... را سرانجام دارم.
زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه، انقلاب است یکی
از این کلکسیونرها میباشد، وی پسر-
بست هوشمند و دقیق، او اکنون با-
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده، اضافه از ۴۰۰ کور-
جهان را با سلیقه، لازم حفظ مینماید
بسته عایر که با نظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند، سببهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری.

زمری سهار که از تشویق و
حمایه، فامیل، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است، در
حفظ و نگهداشتن کلکسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید:
(کلکسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم، این پسته
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلکسیون

- الف - یخچال ۳۰ نمری
- ب - تلویزیون ۵ د
- ت - د کالیود مینعلوما شین ۲۰ نمری
- ث - بالابوش ۱۰ نمری
- ۲- آیاتاسی همیشه خیلند کالیو الماری تنظیموی ۲۰ نمری
- هو ۱۰ د
- نه ۱۰ د
- ۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه به هغه معینه ورخ جاروکوی ۲۰ نمری
- هو ۵ د
- نه ۵ د
- ۴- آیا مخکی له دی چی میلانه موکورته راشی، کولای شی تمول خوراکی مواد به اشترخان کس تیار کری ۸ نمری
- هو ۲۰ د
- نه ۲۰ د
- ۵- آیا کم وخت داسی تصادف واقع کنیزی چی خیلو، میلنو ته سوی بوپوی، مخ ته کنیزی ۱۰ نمری
- هو ۱۵ د
- نه ۱۵ د
- باتو به ۹۳ د

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بیکیه‌گیری چسباندند و سپس آنرا صیقل میدادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د میکردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال میکنند، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می آید و دریا تلاقها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته باز هم خطرناک است میکانیزم (سنتز اسید نوکلئیک) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدید در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید
 س از شهر مزار شریف:
 س خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی آرامی بگذرانم
 ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.
 راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم سن ۱۰:
 س: گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قساره ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نظامی شوم چکنم؟
 ج: همی، واسعه پیدا -

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را -
 هم ندانم؟
 ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.
 خانجان از صوفی مویل:
 س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می نوازد؟
 ج: محشر نامزد است و در بقیه از صفحه (۴۵) است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برای شوم است مرسیه از بو هنتون لایل:
 س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمردیار - نمت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))
 موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس اقای ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.
 انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است. آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که ستندرد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۲۹)
 در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال رتبه و رشته خدمت او موجود است. برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکای روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.
 یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قوایسه فروشی

علی گلرین

مصرف کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست، معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.
 ۳- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:
 ۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.
 اصول عمده بودیسم عبارتند:
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، نی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، رونمایان، محسوس، هنگام.
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قسط سیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکلیف شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تپ ها را متحمل گردیده اما با حملات رهزوری هیچگاه متصرف نگردیده بودند.
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.
 واقعا که ارمن ها، کورچی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهار خوی بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواثار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکوا - همین انامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.
 دیدن کرملین توجه جمعیت کثیر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکوا دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

سپید دردی

بقیه از صفحه (۸۲)

انحساست را بگریزی) ولی در واقعیت امر چنین کاری را نمیتوانستند - ساختار خوش وضع زوی او چنین است -

سردردی ها بسیار بی ماری ها از فصل بهاری های معده ، جگر ، کلیه ها و پرده ها همراه است -

انقباض سردردی هاست که در تریلیج - ناراحتی های متین قنرات بخصوص قنرات ناحیه رقی ، رما تسم - بیماری های کولیک تلی نیز میزند

مکند - در واقعیت امر ، تمام - بیماری ها سردردی را با خود دارند

باز همین جهت است که دانستن طل آن لیتقر مهم تلقی میگردد زیرا بادردی ط آن راه درست تدای وی را درسی میبیم -

در اغلب حالات ، ظهور سردردی برای بیمار آشناست - به عنوان یک قاعده ، بیمار رژی - های خلص خوش را برای مبارزه با سردردی دارد - این رژی های تدای صوف شکل طوی نداشتند - بلکه اشکال خوب فلکوری - همیز وجود دارد - بیمار ممکنست برای لحظه کوتاه قسمت خارجه - جوف

در همه موارد ، اینبه های مکن که با این صراها تاثیر منفی داشته و احساس درد را تخفیف - میدهد ولی طبیعتا انسان آنطوری که هست باقی میماند یعنی نمیتواند -

کرکتر و احساسات خود را تقصیر دهد -

رضی که موجب بیماری میگردد در استخوان مواردی ملاحظه که چگونه در شرایط خلصی با آن برخورد صورت می - گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند - برخی اشکالی حتی میباید خلصی - نیز را هم مشتمل بر تدای آنخلی جدی تلقی میکنند - بعد از گذشت لفظه ای این بیمار خواهد گفت ، (بسماله را - کاملاً درک کردم ولی نتوانستم جگر

اف (بالای بینی) را با انگشتانی محکم بگیرد (برای یک دقیقه در فضای آزاد) بیمار با این کار احساس بهبودی خواهد کرد - این عمل را میتوان تکرار کرد - یا اینکه سر را می توان بایک تکه نازک مکس بست - این تکه را تا ابروان و - کوشاکتی گیرد و پوست پیشانی - اش بشاهد - این کار با بسیاری بیماری های سردردی های ناشی از اینهم آمدن فشارخون دارند که نهاد میکند -

در سردردی های سردردی با مثل با ها در آب گرم بپوشد - هر چند از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد - در صورت آن تهیه معکوس آنچه که مطلوب است بدست خواهد آمد -

از پلاسترهای خردل میتوان در پشت گردن و من تخمه های شانه یا روی قفساق ها استفاده کرد ولی این پلاسترها را نباید بکاره روی تمام این قسمت ها گذاشت -

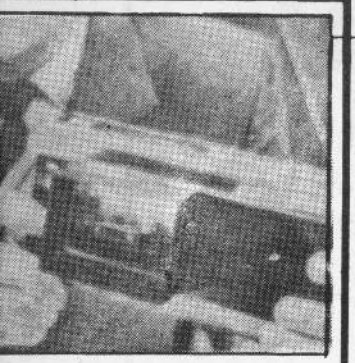
ساز خودی قسمت های - مختلف سردردی میتواند ضد ثابت

شود ، چین فشار متوسط بر روی نقاط دردناک سر می اثر کرده است - استفاده از مرهم ها مانند مرهم - پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه ها میتواند خیلی موثر باشد - گاه گاهی با بکردن بعضی عطبات و ماساژ ها یا بخار آب گرم سردردی بطرف میشود -

هرگاه در حالیکه روی جاده راه میرید چه سردردی دچار شده که ممکنست ناشی از تشنجه باد روی پیشانی باشد - شال یا کلاه تا نرا تا ابروان تا پایین بپوشد -

گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد شد ولی خیلی بهتر از آنست که به سردردی ناشی از تشنجه خوره کی مبتلا شده که میتواند شکیست دوامداری را برای تان بیاورد -

با د چارشدن به سردردی ها معمولاً میدانیم که چگونه با آن برخورد کنیم - ولی اگر سردردی برای بار نخست باشد باید وایم پیدا کرد و وضع بدتر نشود - پس در آن صورت باید فوراً با دکتر مشورت کرد -



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و تلویزیونی کوچک را بپارده - تصویری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد ۶۰x۱۰x۲۰ سانتی متر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

کار ویژه که در مجله ماهیگرا دست با زنی توانم شعری را در بوی های برناه ، بگجانم ، نهرام - کله ، آن از سوی ستولون ارنهای و نشر توجه و در نتیجه سانسور - میشود ، چه این شعر مربوط به مولانای بزرگ باشد یا حافظ لسان الفیبا یا از شاعران معاصر -

من گاهی برای تهیه یک مطلب ، روزها سرگردانم و بارها با خاطر یک شعور و مورد نیاز چندین روز آنهم در به ان در گفتم و در نتیجه - هاست که تهیه " برناه ، نامی - لفظات را به خود اختصاص میدهد و از نگاه فکری و روانی ، در حد فیر قابل تصویر خسه ام مجازد ، تازه صوم بخشهای برناه راه شایسته در حال دهر مکن می نهم -

س - یک دایرکتر تلویزیون و مصور - دایرکتر برناه های ادبی چه اگاهی های را ضرورت دارد و چگونه باید در باره " برناه اش تصمیم بگیرد یعنی روی کدام اصل اساسی اتکا کند ؟

ج - دایرکتر برناه های ادبی ، در کار اینکه یک ژورنالیست است ، یا بیست تا حدود نهادن به ادبیات هنر و سایر لازمه های تهیه اش - دسترسی و آگاهی داشته باشد -

اودر واقع یک ژورنالیست هنرمند است -

س - فکر میکنم چه چیزی برناه تا نرا بر بیشتر میدهد ؟

ج - صد سال میشود سخن از زلف پارگت -

در میدان مجله که مضمون نمایند است -

س - ایها تا کون مقامات تلویزیون شما را بخارج از کشور اعزام کرده اند -

ج - من هنوز برای مقامات عالیه - تلویزیون اقتدر هنوز نشده ام که لیاقت چنین چیزی را برابرم قایل شوم -

نوه مورد سوال قرار دم - هر چند که طبع های در زنده بهبود آن همین اکنون هم در سردام -

س - ایها عصم اترا دایرکتر مجله تلویزیونی به یک مجله " زنی و خانوادگی بدل شود تا به مجله " هوز " هنر ؟

ج - هرگز ! هنر تلویزیون برناه های فراوانی برای خنواده ها دارد : برناه زن و جامعه کودک ، اطفال ، جوانان ، نمایشهای تلویزیونی ، برنامه های ترقی و تفهیمی ، فلم ، سیاه و ...

س - چه چشمال باشکالی در راه ساخت برناه ، تان وجود دارد و آیا طرح و تهیه برنامه چقدر به اراخ روان و آراستش زندگی تان صدمه میزند -

ج - تهیه برناه بی چنین مجله تلویزیونی هر چند که در گام نخست سهل و ساده به نظر میرسد ، اما ، حقیقت این است که دشواری های فراوانی دارد - این دشواری ها اگر از یک رهگذر امور تهیه برناه را در بر میگردد " تما " مربوط - تهیه کنندگان برناه میشود ، از سوی هم ، محدودیت ها و امکانات اندکی هست که روال بهبود برناه را صدمه میزند - از کم بودن وقت محدودیتها که بودن امکانات ، عدم منابع - تصویر ضربه که بگذریم ، گاهی زنجیر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها سیاسی ، اقتدر صدمه کار را برای ما محدود میسازد که بهتر است از خبر

سدید

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم ۱ سدید ۱ طی دوره کارش بی نهایت اعتماد فلم درهلوی سناریو نویسی برای هنرمندان و دست اندرکاران سینمای کشور لکچر های نیز تهیه می نمود -

مرحوم سدید قبل از مرگ اش شش سناریو آماده کرده که دو سناریو یوان را عباس (شبان) کارگردان ورزیده سینمای ما تکمیل و بنام های (ستاره گان نمسی میرند) و " هیرت " فلمی تحت ساختار است و یک سناریو دیگر ان تحت نام (تلاتش) بوسیله موسسه هنری قیس فلم در جریان فلمبرداری قرار دارد -

دکتر غلام محمد سدید در شام سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۳۷۲ ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشاهد نشانای صحبت وی بهرامون صدمین سالروز تولد ی ناخنه سینما - چارلی چاپلین از وری نشرات تلویزیون جمع - شوروی افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی وفات یافت -

آخرین کارهای او به سان اشکهای که در رخساره شمار می بندد و بی خشکد و به گونه - لبخندی ناتمام به تمام شدن زندگی او ناتمام ماند - ترجمه نسا پشنامه تیازنی او بنام (بدن شکمن را خورد کنند) برنده جایزه اتحادیه هنرمندان گردید ، این آخرین یاد اش بود که هنر برای او اهدا کرد -

و چی غم انگیز است این برای کسیکه با هنر زیست و در راه هنر - و جلاش آن تلاتش ورزیده - و سر انجام حباب اکسا بر ستر

حسرتی از نفس انتاد - اعظم جور هنرمند شناخته شده را که یو تلویزیون و سینمای ما در رابطه به شخصیت فرهنگی مرحوم سدید گفت : (مرحوم دکتر غلام محمد سدید که شش سالگی خواهرزاده من بود دوست بسیار صمیمی من نیز بود - مرگ ناخنک او برای من نیز سخت رنج آورده شد -

دکتر سدید انسان خوش برخورد ، خوش قلب ، متمم با دانش متواضع و صمیمی بود صحبت ها و معلومات های علمی وی در سخن های مختلف برای علاقمندان هنر و فرهنگ نابلی استفاده بود - من شخصاً در سخن سناریو نویسی از مشوره های سودمند وی بهره میگیرم ، مرحومی دارای دو فرزند ، یک دختر و یک پسر بود دل بستگی

نخمر معده

بقیه در صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در انباج معده مرض گسترگستگویی شده ، دریافت نمود ، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren در شفاخانه Rogalpearl این میکروب را در بیو شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره تدقیق بیشتر یک ترکیب Blomulk + Cimil + line Tinidazole + Amoxicillin تولید کرد که بکتریا را محوم کند

بارت این واقعیت دیگر تدای گستریت عا و زخم معده ، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده که ممکن در اکثر " مریشان قیلا " کم باشد ، میشود بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده و تعقیب مریشان ، تداور گردد و ناخنه نمائند

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای مکل جواب نمیدهند ، ممکن علت مریشی شان چیزی دیگر غیر از زخم معده باشد ، ممکن فقط حجای حاجز و ابیز و فسزیت و سندرم ایتزیال باول و غیره باشد و ناخنه نمائند که بعضاً " مریشان ناقل میکروب بیلورن صاب د سیمی نفع و گاز هلو توسر و بدی بوی دهن ، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن متد ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین میروند - در اخیر باید اضافه شود ، گرچه اسید معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب مقاومت میکرو را بعهده درانتعاش توسط بکتریا بیلوری برای تاثیر فکوریته و بقت اساسی قرحات گستریت ۱۸ میزمن میباشند (دکتور ویرج اللوریان)

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای مکل جواب نمیدهند ، ممکن علت مریشی شان چیزی دیگر غیر از زخم معده باشد ، ممکن فقط حجای حاجز و ابیز و فسزیت و سندرم ایتزیال باول و غیره باشد و ناخنه نمائند که بعضاً " مریشان ناقل میکروب بیلورن صاب د سیمی نفع و گاز هلو توسر و بدی بوی دهن ، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن متد ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین میروند - در اخیر باید اضافه شود ، گرچه اسید معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب مقاومت میکرو را بعهده درانتعاش توسط بکتریا بیلوری برای تاثیر فکوریته و بقت اساسی قرحات گستریت ۱۸ میزمن میباشند (دکتور ویرج اللوریان)

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشن مردم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموخت و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا و نیویارک سفرهای داشته از هر یک کدام را برایتان تنظیم و آماده کرده است.

تصویربرداری استفاده کرده - اینست:

- از میتود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات لنز و کمپوزر تلویزیون هم از تبادل نظیر و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.
- با امکانات محدود کمرب تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز - داری کرده اید ؟
- بلی کارهای در صورت دارم و توفیق امروزم اولین محترم آموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - شترنگد اشتن و سایلند جهر سنز تکنیکی برای کار بر نمود به لویان توجه روی پرابل ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیوی هر چه تمامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثیل بود - بالا و هم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم.

من - برای من جالب من میباشد ابراهیم کینسور تا و در زنده گی شما در افغانستان همین انگیزش برای شعر گویی چون نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تا اثر در وصف شخص مای هوایا سروده اید.

«اولاً» اینکه عشق به اختیار خودیام نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدری راه و معز انسان خارج است چنانچه حرکات غیر لزومی و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و تکیه سلطان عشق بر زمین دل به خمیازه منقلب و اشتغال کنی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران مطلق العنان و کلید بود و چون انسان میگرد و در میانه جور شده در فغان همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و تقویت کینه و بد او و بعضی و تقویت مای از زمین قلب تحلیه میکند.

«ثانیاً» اینکه بزای صورتی اشعار خود بیک منبع العلام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمبودی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد مانده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میکردم و این منبع العلام باید حتماً زنده انباشته و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع العلام بر خود اید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبرهله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هنری و ادبی را راهی دیدیم که در نتیجه مبرهله بالا براد زلم حاصل شدیم منبع العلام خود را پیدا کردیم و بقصد استان را بخودشان میدادند.

نماینده درین شعر در کربلای سیی دل خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدم که از آن چشم کوروست این شعر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

مجنون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزنامه هائیکه گفته آمد پانزده خنوسه موجود است و یاد رکتاب خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده میتوانید.

یک عمر میتوان سخن از زلف یار گفت در زیند آن میاش که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میارون منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی اس:

مختر علی مشرفی ایاب رسیده می توانم که شمار برای بد در هندی تان اشعاری سروده اید یا خیر، انشا الله خو خفه نس شود ؟

عربی صاحبه اصطلاح شطرنجی در لغت هندی ام شعر سروده ام یک و دو صد و در وصفی بکلمه هزارا یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است و بیسوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد بزود رصاحه گذشته صورت شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، متأسفانه آنرا نشر نگردیده که دلیل آنرا نمیدانم شاید به ترم و تراکم مضمون و شعر در چار میانشه البته تمام اشعاری که در سیارون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقصی محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله زمین تان نشر شود و اکنون که ازین سؤال کردید در چه مورد شعر سروده اید که لازم بود یک نمونه آنرا برای تان مرض تمام اماب دلایل فوق از اظهار آن صرف نظر نسوم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سر - کسین استوارن باشد که سلاید رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سبز - آبی - بنفشه (که انعا در ترکیب شعبن جهرنگ را میسازند) سه قشر کربنیل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند و نگار برده اند.

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متعابز متعابز دکه برده جدید با مغز فوق العاده که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی رنگه گونه سلاید در مقابل رویشی بیسوان مشاهده نکردم در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتاده شده من توانم اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود.

ولانندی زیاد از حد غافلیتن بد اینته ولی خن در شست هائیکه باور د اشتیک چیز را در میانتم همه به همیشه در زمانه طولانی در تلام بود و بی هموار میگردید تا بر سطح انرا خاصوس سازد البته چه رنگین و چه در زیند داشت از اهر گز به کسی نگفت در دست تان روز هائیکه سناری (تاریکی زندان) را با همی سنی و احسن نظری کار گز ان روزید و سنیما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید ولی با تاتر که میسرک به سرافرا اند در اثر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده بجای دگتر غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار روحش شاد و بیسان موسی را در شش

بیشتر و در نتیجه چنگی بیشتر به خشد با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از جرمهای بود رخش سینما هند و یکی از باارمنگ ترین مردم ترین، خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است در جهان نمایش امروزی او به همان بیمانه که در روی برده سینما (بد) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما (خوب) نشانه میشود باز خود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافت کاری های رسوایی یخن خرفی زده نشده است فلمازان جرات آنرا ندانند که با این ابراهیم ایتان و سیالیسی یکشنده مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن اراست

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم جویره نیز نقش بسیار - چنانچه علم های (ایلی) و (سینا) بر زمین منسوال بنایافته است تا جان برود بیوسران نتوانسته اند کسی را بد انباشند که جایگزین بریم جویره بنامزدند آنها یکم میکنند درین روز گاران بریم جویره بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استعمال در تمثیلی او را به جلال است بد اند که اگر شور و شوق او نباشند گذشته رویه انرا بیست ولسی رویه کاهش هم نیست بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار - فلمازان از غیر بنه گان، از نیایان با ویک زره هم کاهش نیافته است برود بیوسره بر عکس تلاش میوزند که در روزهای خود او را نیز نشان نمایند زیرا انعامی اند که فرین فراوان پس از هر فلم بالاتر رفته میروند حتی یک سینما روحانی ندیده میتواند که او مانند امیتا به چن با تاقیه هر فلم جدید

برایم جویره

بیمارمون فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم جویره را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ای فلم که بریم جویره در ان محیط اکتور در وقت نفس داشته باشه، خیرت برانگیز است زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکتور دیگر ترا و امید آرد تا سوبه غیر تمایی در جها اجرای نقش خود را بالا ببرد) خوش کار بریم جویره در آنست که نمیخواهد مغزین تقلیدی ویک نواخت حلوسه کند او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حیا میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را آمیزه سی اروا نمیتابد آن این موسوع حقیقت دارد اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (عتر میشگان) تازه استخرا می کند خود را

مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه میباشد و در شش (۵۰) سالی که موزن سرعان در چار شده مدتی تباری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی از اول ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس اعانه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود ،
فرخنده نام ، فرخنده خروسی
داشت و خروسش هر صبح زود از
خواب بیدار شد و دیدگون
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
بس از آن سویی فرخنده دیده ،
از کف دستش هاله هاله بار بار
خوشی می چید و آرام بروی دراز
چو کویی که جلو خانه شان قرار
داشت ، کارش می نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت
و طوری جلایش میکرد که گویا همه
بارون جرب شده باشند ، روزی
از روزها فرخنده نزد زن همسایه
ماکیانی را دید و از ماکیان و
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه
گفت :

ماکیان تابه من بده و من
در بدل خروس را بشما میدهم ؟
باشنیدن این حرفها خروس
تاجش را به پایین آویختند
و سرش را به زیر انگه چه
این خود مالکش بود که میخواست
ویرابه کس دیگری بدهد ، زن
همسایه با فرخنده این تعویض
را قبول و ماکیان را در بدل خروس
به فرخنده داد ، فرخنده
به زودی با ماکیان دوست شد ،
ماکیان با پرهای سفید خود
احساس گریس و آرامش می نمود ،
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
کنید .

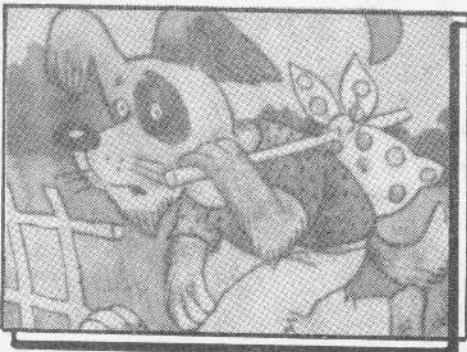
فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
همواره ماکیان را در آغوش گرفته
و بروی برهائی زیبایش بصرهائی
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
رو بروی شان همراه پایک مرغابی
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
مرغابی خوشش آمد و از زن -
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید
و من در بدل ماکیان خود را به
شما خواهم داد !

ماکیان از شنیدن این حرفها
نمکین شده و از تاه ترشد پند
بالعایش جانب زمین آویخته
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -
شت ، چه این مالکش بود که
من خواست وی را به کس دیگری
بدهد .

د بیری نگذشته بود که فرخنده
با مرغابی دوست همیشی شد ،
یا هم یکجا به دریای رفتند و در -
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
آنقدر رها دور شما منم ، زیاد را
در آنجا زرف است (با این صدا
د دخترک دوباره به ساحل دریا
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد
یکی از روزها همسایه بی باسگ
کوچک و دوست داشتنی خود به
خانه فرخنده ، شان به معناسی
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
قد رکافی از چشم نگذشتند ، بود
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در
بدل من مرغابی خود را به شما
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -
شنید ، بالعای خود را از روی قهر
به هم زده و از منقارش آواز -
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
می کشد ، عمه بی فایده بود و
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن
را در مقابل مرغابی به کس دادم
و حالا مرغابی را داده و سگ
قشنگی بدست آوردم ، همینکه
این سخنها به گوش سگ رسید ،
دم خود را جمع نموده و به زیر
در از چوکی خانه فرخنده خود را
پنهان کرد ، در تاریکی شب
هنگامی که فرخنده در خواب
شیرین بود ، دروازه را آهسته
باز نمود ، و بایک خیز به بیرون
خانه جست و یابه فرار نهاد ، در
راه این سگ دوست داشتنی
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم
یک جا زنده گنم ، وقتی
دخترک بیدار شد خود را تک و
تنها یافت .

آیاتناسی د...

- ۱- آیامیلانه د یخونیزې هو ۱۵ نمرې نه ۶ د
- ۲- آیامخکی لدی چی د کور څخه د خوراکي موادو د رانیولو په غرضوړي د نوموړو موادو - لست نیسی
- هو ۲۰ نمرې نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنۍ ته وړي په ټاکلی وخت بخوي
- هو ۱۵ نمرې نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولونوي آشوزي د ستورونه استعمالوي
- هو ۱۲ نمرې نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسی د آشپزخانه سامان آلات منظم په الماری کس کیزدي
- هو ۲۵ نمرې نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونکی ستاد گوزوند ملگري کمک کوي
- هو ۱۲ نمرې نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسی پخجال د کور د پیر د ضروري شيانوڅخه شمیري
- هو ۴ نمرې نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جمع کسري د آزمايش نتیجه تر ۱۵۵ نمرې پوري که غواړي چی د کورنۍ د خیرکو د میرمنوله جملی څخه وشمیرل شی باید پخپلو کارونو کی نورهم دیر تجدید نظرکوي تر ټولو د مخا باید د یخو د وخت په موند اقتصادي واوسی او په ښه صورت سرخیل کارته سازمان ورکوي د ۱۵۶-۱۹۵ نمرې پوري تاسی کارکه یاستی هرنی ستاسوپه کورکی خپل مشخص تعای لري که چیري تاسی کوم وخت څه شی باید ولتوي د لدی کیله چی تاسی تراوسه پوري د کورنوروزور یات په ښه توگه ندی زد کوي د ۱۹۵ نمروڅخه پورته ستاسوپه کورکی د استقیما خیالی دی همیشه یوڅه شی مینعی یا کوي او یا جاروکوي اما اعتبارولري چی د آکارونه لانوره هم په لیز قدرت او په کم وخت کی تراوسه تر سره کولای شی لدی کیله لیا نورسوي ترخوچه وخت لري اما باید هیزه کوي چه بدون د کورنۍ مشکلاتو څخه نور مصرو فیتونه لکه تیاتر سینما کتابونه اولمگري هم شته دي



خانواده سوگواراست

فایده...

بقیه از صفحه ۳۵ بعد از نسخ نامردی همیشه فامیل ما از طرف اعدا تعهدید میشد دوسین که صاحب منصب اند همیشه آنها در وظیفه میبودند فامیل ما مورد تعهدید قرار میگرفتولی من هرگز به سرانم چیزی نمیگفتم موضع را بنهان میکردم تا مباد امنیان آنها بر خورد صورت گیرد بالاخره بتاریخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حادثه المناک رخ داد آتش جاوید بسرسر بخانه آمده بود صبح چندین بار صدایش کردم گفتم مگر رگد از خوابم نمیدانم چرا خوابم بوره میشود وقتی در زده شد ما رینا د ختم رفت تا ببینند کیست همراه با باز شدن دروازه صدای دو غیر مری و فریاد د ختم شنیده شد بجای آمد وارخطا از خواب برخاست بطرف برون دوید د ختمم انیتاکه بیشتر از برادر خود شی ربه قاتل زسانیده بود مور د اصابت مری قرار گرفت و لسی برادر خونش را سپهر خواهر ساخت که یک مری درجان خواهر ۸ مری درجان برادر جای گرفت وقتی من به نزدیکی بسیر رسیدم خواهر و برادر هر دو د راغوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود میکوشید خواهر را از افتادن مانع شود ولی بعد هر دو بزین

افتادند من بانی لی و سولج عقب قاتل میدویدم او بطرف سرك میدوید وقتی به سرك عمومی رسیدیم زیر سینه اقبال همراه یانه و شارسندوی او را احاطه کردیم چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نمیکرد نزدیکش شوده گفتم او را بگیرید تفنگچه مریسی ندارد و بایند شده در غیران من تا اینجا زنده نمرسیدم درین اثنا دو مظنین حوزو رسیدند او را گرفتند او را دوباره به محل حادثه آوردند به جن خود اقرار کرد همه جاها را نشان داد گفت بازم می آیم همه را میکشیم و دختر را میبرم همراهِ ربه شفاخانه بردیم ولی او مرده بود طب عدلی ۸ مری را در وجود او نشان داد ولی من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت یاد کردم او که بسر را ظالمانه کشت من او را توسط قانون میکشم دو د ختم زخمی شدند یکی در کرده و دیگری در رطن درین یکسال چقدر دویدم روزها بالب و دهن خشک بایین ویلا تا دویدم یکسال مدت کسی نیست در طول این مدت بارها از طرف فامیل نعمت الله هغه ما تعهدید هدم بارها گفتند شما که خون ربا خون می شویید ماهمه تا ترا نابود میکنم ولی هرگز از تعهدید آنها نترسیده ام زیرا در صورتی که نعمت الله اهدام شود چانس سپم خود را برای نابودی فامیل من از دست میدهد اینک نمر مکتوب را بدست د ان که نعمت الله د ولد نورلم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳ به اهدام محکم شد با اهدام او دم اندکی آرام خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ سوراخ شده جاوید که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشمانم هزارها بار جان نخواهد داد

نقش جدید من...

بقیه از صفحه ۳۱ من در فلم سفر نقش مصطفی را بازی میکنم که با گروپ از جوانان که برای سواد آموزی به قریه دور افتاده میروند فلم نیز از همین جا آغاز مییابد و حوادث فلم یکی بی دیگری اتفاق میافتد و گروپ از جوانان به شمول مصطفی با این حوادث درگیر میشوند و قهرمان متن باد یگر جوانان با شجاعت و پای مردی با ان دست و پنجه نرم میکند و در مجموع فلم نمایانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو میتواند به هدف دلخواه خود برسد من از نقش راضی میباشم زیرا اولین بار است که نقش یک جوان تحصیل کرده و روشنفکر را بازی میکنم و نقش های من عمدتاً با نقش توردی در فلم مسافر و فضلود فلم مرد هاره قول است فرق دارد در این فلم با من سعید اورکزی واسع صدی اسد الله آرام خورشید فریده همرا انجانا شمسی موسی رادمنش فتح الله بزند شاه محمود شارق زلمسی عبادی همبازی میباشند فلمبرد در فلم محترم قادر طاهری بوده و اهنگ از محترم شاد کام میباشند

دواړې

بڼه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ايمده ال بود
 بازي هر چيز نيك مانهيد ايمده گر -
 خنده دار بود از دل ملى -
 خنديد' سهم نگاه ميگرد و هلى
 ميخنديد و انيس خنده بخود
 مبلزنيده' اين كوشى مراجعات داده
 به تويح تهم پردازم *

سنت يى مقدمه خطاب به
 ديگران گت: ببينيد اين آدم هر
 كاره است، ولگرد، انا، شامر،
 ايمد وار، تنها چاشق پشه و -
 ماجراجو، او ميخواند شما را مقاصد
 سازد كه عالم، مونسين، اشراى
 و بازيگر پولواست و در زين حال از
 بوداشتن تهم سوخته سكرت و -
 شيرينى برخاك افتاده ننگ ندارد -
 خوب من او ريسه خود را
 به پايان ميرسانم ميدانم كه وقت
 و شرايط بر ايم بهمار مناسب بود -
 محبوب مردم سراسر جهان شدم -
 هم دوستم داشتند و هم از من
 نفرت ميگردند *

بلى زنده گى از ديمه هاشم
 خويشمن و بهتمن رابم ارزاني كرد -

البته يك كى از ناملمات راهم
 تلاشچان چارلى بهتر چه
 ها و كارگران بودند، و برخلاف تصور
 همگانى فلمايش تا سال ۱۹۲۰ -
 هنوز مورد عاقله امان و اشرفان
 ترارنگرفته بود، نيز آنها هنوز
 خام و عوام پسند بودند - شايد -
 تقاضاى زمان بود كه آنهاوش رنگ -
 ماهانه داشته باشد - طبقه با
 سواد و تصميل كرده كنى در برتبه
 چارلى عاقله مند شدند و ميانها را
 نتوانستند او را منحرف سازند - از
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((كوچه
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش ننگ ۱۹۱۸ -
 و ((پسوك)) ۱۹۲۱ او ((زايير)) ۱۹۲۳
 و ((جستجو خلا)) ۱۹۲۵، او -
 ((روشنائى شهر)) ۱۹۳۱ او -
 جديد ۱۹۳۶ آنچه به نظر ميرسد
 نه دگرگونى بلكه ژرفاييى و كامل -
 شدن شخصيت ((ولگرد)) است - حتى
 لباسش كه اتفاقاً بر او بعد از ظهر
 بارانى تدارك شده بود كم كم معنى
 خاصى ميبافت - در اين لباس زنده -
 يوشى از نگاه نجبا، لوكس
 از نظر فقرا، نقش مبرد
 فقير يى هم چيزى را بازي ميگرد
 باشجاعت تمام واقفيت تلخ فقيرت يى -

دستى خود را ناديدده ميگرفت چارلى
 نمونه مردم يى همه چيز و فقير شد
 براى تجسم روجه ((مرد كوچك)) از
 حيله هاى بهرى و تبديل ناگهانى
 اشيا كه در قلمهاى نخستين به
 كاربرفت استفاده ميگرد - مثلاً در
 ((پسوك)) وقتى چارلى دستكش يى
 انگشتش را برون ميگريد تا هم سوخته -
 يى را از قوطى سكرت (قوطى سارهن
 است) برون آورد اين حركت عادى
 را ظورى انجام مدهد كه مانند
 تنفس بسيار ضريف و گرانجا به
 نمر هر سد - در ((روشنائى شهر))
 چارلى در مهمانى مجللى اشياش را
 يى بلعدو از درون شكش صدائى
 فصل شنوده ميشود و نيز در كار باره
 وقتيكه توشه هاى كافذ با مكروشاش
 مخلوط ميگرد - اين دو واقعه هر
 يك عموه براينكه به جاي خود بسيار
 خنده دار است در ضمن تعاليشگر
 است كه چگونى چارلى از در و جان
 ميگريشد تا هم رنگ جماعت شود - تا
 ميلموتوان، دختران، بانوان خويش
 لباس او را در جمع خود ميديرند و بلى
 چارلى بخوبى ميدانست كه كوچك
 مردى هرگز نمیتواند هم رنگ اين -
 جماعت شود - سرنوشتش چنين است
 كه هميشه در تاريخى به اهد و انتظا

بسر زد و هميشه با همين دورى نسا -
 اهدى را از خود دور براند -
 شايد در اينكه چايلين دوروز -
 گارائى كه مردم به سنن و رسوم
 جامعه گردن نهاده بودند -
 شخصيت ولگرد خود را جلهدهد
 معنائى خاص نهفته باشد - شايد
 چايلين ديگر (صردك كوچك) به
 نهر و ايمتادگى اش در برابر اجتماع
 ايمان نداشت و شايد احساس ميگرد
 كه رسانيدن پهاش به جهانسان
 بهان صحيح تر و مستقيم ترى را ايجاب
 ميكد - وان اناكه به نفس و ملامت
 نروائى چارلى ولگرد ديگر براى -
 اين منظور كافي نبود - حتى ارسال
 ۱۹۴۰ به بعد بافلم ((ديكتاتور
 بزرگ)) چارلى شخصيت خود را كاتر
 گذاشت، تا ازته دل پهاش اهد -
 واپس دهد و دلگرم كننده اش به
 كوشهاى مردمان خود شنوده در
 نيرسا و ظلم و استبداد برساند -
 در فلم بعديش ((سويور)) -
 ۱۹۴۷ چارلى ولگرد بلكن نايديد
 شده - در اين فلم، كه شايد -
 هيمان اميز تهن فلم باشد، قاطلى
 در دفاع از خود ميگردد - جنليت او
 انا گناه نيست بلكه عقايسه
 آن وحشتناك است - ((قتل يك
 تن انسان را چايلينكار همراز ولى
 قتل چندين ميلمون تن باعث افتخار
 است))

از وي - تاسى و لوستل جسى
 ادارى مرستيال د دغى نيمى
 و رضى صلاحيت به زور - تولسو
 د فترتونه د خيل خان د سر -
 پرست والى رسمى اطلاع بررسوله
 اود هماغنى و رضى له فرمى و روسته
 چى فنى مرستيال ترجمى خان
 و رساوه - نوپولود فترتونه يى د
 خيل كالت متحد المال مكنوبونه
 و ليزل - به دوهمه و رى سعار
 ادارى مرستيال بنغه جسى
 موسى ته راضى - حال دا جسى
 فنى مرستيال له پيښى ناخبره
 به اووه جسى پكسى موتركى له
 نوروما مورينود مخه خان موسى
 ته راروسى - خوكله چى خو كيدا ر
 ورته و اى چى ادارى مرستيال
 ترده د مخه راغلى دى - نونسى
 مرستيال د موسى به عومنى
 د روزه كى لكه و رگى به خاى
 و ر كلك باقى كيزى - اوسر به
 و گوروى دغه لويه د جابه كته
 راخرخسى -
 (يونم او ملايم موزيك دى به
 خيله لوستونكى و غمز وى)
 راوى : كه فنى مرستيال
 موسى د روازي به خوله كسى -
 لرگى غرنى ته تكيه نه و اى كرى -
 نوبى له شكه به به خمكه راغور -
 بخيدلى و اى - دومره و رسر -
 بخت يارى و كره چى د ما مورينو
 موتره و رارسيدلى - كه نوبه
 دغسى وضعيت د فنى مرستيال

ليدل كومه و ر - خبره نه و هغه
 د ادارى مرستيال به دغه موقتى
 برلاسى نا ايمده نه شو - او نيغ
 خيل دفتر ته لار - فنى مرستيال
 د دى له باره چى ادارى مرستيال
 يى به راتلو يوه نه شى - خيل
 بو تونه يى د د هليزه د روزه كى
 و ايستل اولكه د چرگانو د غله
 غوندى د گوتوبه خو كو خيل دفتر
 ته لار -
 (د فنى مرستيال د و و و و -
 قد مونوبه مگرونوكى دى محترم
 لوستونكى د قمرگلى دغه مند ره
 چى : ((و و و و كيدا - قد مونسه
 اشنا)) له خانه سره زمزمه كرى
 به دغه و رى ادارى مرستيال
 د و مره د روند درياست به چوكى
 باندى ناست و چى به ارمونو
 به هم جانه و اى و رخنه ارمونى
 د غرنى و و و يى هم د خيل كار
 ميزله پاسه و خور - او به دا لويه
 و رى كى يى ترمازد يگره پورى به
 جاي روزه هم ماته نه كره -
 د فنى مرستيال خانه سامان
 حضرت مير چى يورخ د مخه يى
 د كيم غرورى كار له باره له فنسى
 مرستيال خخه اجازه اخستى وه -
 به دغه و رى كار ته نه و راغلى -
 كله چى ادارى مرستيال له دى
 پيښى خبر شو - د اجيرا نوحا -
 ضري يى دفتر ته و رغوښته او به
 خيل قلم يى ((نيم روزه)) نيمر -
 حاضر كرى - فنى مرستيال به دغه

و رى د چوكى به نه نيولود و سره
 خپه نه و لكه د خيل خانه سامان
 غير حاشيد لوچى به قهر كرى -
 دوه د رى حله يى تيلفون ته
 لاس و رتير كرى - خود تيلفون له
 لارى ادارى مرستيال به بى ابه
 كرى - خو هرخل به يى به
 شيطان لعنت كى او دغه كمات
 يى بل وخت ته - ريسنود - هغه
 پوهيده چى ادارى مرستيال د
 رياست به چوكى پورى ميسخ
 شوئى نه دى - او غرور به يووخت
 و رخنه پورته شى - هغه وخت
 چى فنى مرستيال يى فال به
 زه - كى نيولى د درسى وخت
 باي ته رسيدل و و - كله جسى
 رسمى وخت باي ته و رسيده - نو
 فنى مرستيال د ادارى مرستيال
 د غالفكتر كولو له باره د نوروما -
 رينو به خير له دفتر ته راويوت او
 به لوى لاس درياست د دفتر
 د كرى تر خت تير شو او هداى
 حال كى چى ادارى مرستيال
 درياست د چوكى له سر نه ورته
 د ستر كولا ندى كتل له موسسى
 و و -
 ادارى مرستيال درسى وخت له
 باي ته رسيد و و روسته پوره يسو
 ساعت لا هماغسى تينك به چوكى
 پورى نېستى و - كله چى د خيل
 رقيب به تللو پاوه شو - نو
 د روزه يى به خيل لاس و رگولپ
 كره او كوحنى يى به حيب كى له

خانه سره و اجوله - خو خبره و
 چى فنى مرستيال به كوچس
 لا برون ترلاسه كرى وه او هم يى
 د ديوال له لارى موسى ته د -
 بيرته رانوتلونيت كرى و -
 (دلته دى يوازي درياب يوه
 لنده نغمه د خوتانيله باره -
 و نزل شى) -
 فنى مرستيال د ما بنام و و و ي
 به كوركى و خور - اود سهار له
 باره يى يوه وجه و و و و اوخو
 ايشيدلى هكى له خانه سره
 به بى كرى و اجولى - د ما بنام
 به خره كى د موسى به د ديوال
 و روايت او به بيخه زه يى د
 رياست د روزه و ر خلاصه كرى او به
 خرخى چوكى شيز اووه خرخه
 هاخواد يخواتا و راتاو شو - كه خه
 هم د شپى د خوب او ولاستى
 له باره به دفتر كى يونغ او -
 مناسب كچ هم بوته و - خوله
 دى و و و يى چى سهار دى و رسده
 و اوچوكى يى ادارى مرستيال
 و نه نيسى - نوښه يى به هماغه
 چوكى سباركه - (دلته دى لوستو -
 نكى داسى فكر كرى چى گوندى
 چرگان بانگونه كوي اوله دغسو
 بانگونه سره بيخاى دى د صحنى
 بيلولو يوموزيك هم و رسر و و و و و
 سهار ادارى مرستيال بيا
 د خيل رقيب له و و و يى به هماغه
 و و و و وخت موسى ته راغلى -
 باقى به (۷۷) مخ

دواړې



مجنون قرن ...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ماد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما يك بارتی
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا بود -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز
نوروزان بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند
راستی در سفر خترافان که دو خواهر بود رسید
و حدیثاً در جهان فنی شروع بکار نموده بودند
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هویلا، کیتوز
و چندل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -
موجهر شوهر همشیره مد هویلا هم تشریف داشت
که او هم يك هنرمند جهان سینما باشد - فلم بود ار
عکاس موقع گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته برادام، کشمیر
و انکور و خزر بوزه افغانستان در هند شهرت
فنون العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارت و یاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان
بیا آید که آدم را سوال بپس کنند سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست؟
ومن باید همه این سوالها جواب میگفت، بعد ون
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و سوس به اردو و چارمی
هم به زبان دری - ومن درین حیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم
همچنان مد هویلا را سوال بپس کرده بودند که
آیاتوهم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه
عشق او کلهه است یا یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی؟
ومن درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که
کتاب ((وینوس شوق)) را که برای مد هویلا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشد - با تشریفات
مخصوص بحضور تقدیم کنم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کرد -
چون این کتاب را بقلم متن نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و دیباچه جداگانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابرین کتاب
دست بدنت کرده بودم و باره بدست مد هور رسید
که او کتاب را پوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت ((این يك کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعر برای يك ستاره فنی ازین نوع العاده
دارد)) - مد هویلا ضمن بیان خوش اخلاصه
نمود: ((تو من لقب وینوس شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف
دای - جست آمریکا هم مندیگرانی من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
است -
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
انقدر بلند بردی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا
نمیدانم و یا خلق ناشناس و ناسیاس هستم))
مد هویلا افزود: ((در یکی از جراید فنی بعضی
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند ومن این را نمانید نمیکم اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق
باید اریاشده جزای؟
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی
پس توانی مجنون عاقل نامید و سوسول و رهنمای
عشاق هستی، تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی، تو توانستی با تمام مشکلات دوست
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تالیا (میدی) آمدی بعد از کدام جاد بیه
بود که مرا وادار کرد تراه نزد خود بیدیم - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برای من نوشته ای بیکار دیگر
ساز و دیگران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگروه، ژورنالیست ها و مدبران جراید بپس
تقدیم میدادم - امید رام بد پرته گردان)) در اخیر
گفتار و بیانیه مد هویلا در وقت از قسمت آخرین
کتاب را برای من چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم:

هو کن گریمن جسارت کرده ام
ازم در يك اشاعت کرده ام
نیست نهامشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آسوس تو
مد هویلا فوراً گفت: ومن غرق در آسوس تو
در اینجامد بر سوسول مجله کهنکشان گفتم:
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشرفی برایش
بخشید یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود
صحت هزار طلیبی اشرفی برای فردوسی داد -
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته خاموش
ماند - مد هویلا گفت: ((من قدرت برداخت
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بپردان)) - من گفتم: ((قبول نمیکم - زیرا فقط يك
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد))
گفتم: ((من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی)) - مد هویلا همیشه مرا با هم
خدا میگرد - ومن هم او را مد هوی - و گاهی متاخر
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل پایان رسید
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا
از ترن بد بیرون کرده بگفت: ((بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است))
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت: ((بهتر
است علی شب همین جا ماندگاریم)) - ومن این را
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا
در کتابچه با دست خود نوشتم:
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم
بری بیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آنت د بود - شب جاییک من بودم
رقیان گوش بر آواز او درناز من حیمران
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما
جهان فنی را وداع گفته کنون عاشق کی استید؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید خصما - سرا
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جواب تان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا تان
تان جواب گو باشم
پس گفتم کنید:
ما من خداداندولی در شانه من بینم
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمارایی رحمت تان که با من این صحابه
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال:

در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردم ، ما از نظریات و انتقادات تان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمدصابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادق سیحیل فرملی ، محمد داود فرملی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویا مشعل ، صدیقه فریبا سریزاده ، همایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی کارمند شوراب زریز حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرملی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکرید ، نادیه رضایی ، ناجیه ، ختابه نور ، احمد شکیب ، عبدالرشید ، وحید الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکرید ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، حمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیاسی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تقی ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطمہ ، فائزہ شهاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، لالانا عرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نقیہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند ، نوربہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیلہ انور ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سعیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصمہ یق یار امید ، فیز محمد متین ، لیل سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حساس ، سید موسی عباسی ، احمد سیاہ صبیح سرباز خاندونی و امنیت دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق محمد امام حزین محمد سلیمان چغان پوهنچی فارسی بوختون کاس

دوستان خوب از کسارت ارسال تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم . رضوان ساحلی از مزار شریف ، چهار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد . عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما ہم آدم بزرگاری هستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزاد از ولایت هلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما ہم میخواهد سیارون را اول بہ شما بفروسم ، حتماً در نظر داریم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

مؤد و فیشن یا سرنوشت مین

شمس علی شمس حاصل استیقت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر داده اند کہ اگر چاپ نشود همکاری ام را قطع می نمایم .

((بہ سرنوشت مین خویش می اندیش))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس های بد روز دقت میشوند بہ چهاران خزان زدہ مین شان ببندیشند زیرا مردم از او شان تقاضای خدمت را دارند و نمی خواهند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسهای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہت برسان و دختران مجله سیارون را دقت شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بیند و رنگہا را برمی گرداند اگر این صفحہت را از مجله جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم کرد آورده های بہترین را ہم می درگوشی رنگہا در جہان مود و فیشن خواهد بود و ذوق های گوناگون جوانان ما با شکم های گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقها محسوب خواهد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مین بہ تلائز جوانان متعلق است نہ بہ بیبیرایہ گوناگون آنها . و من فقط بہ سرنوشت مردم و جامعه خویش می اندیشم و از ذوق های کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این دقت (بہ مود و فیشن) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

(براد عزیز ! درین صفحہت خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیازهای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت)

پایسج های کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی حاصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راه دور نامہ می فرستید لطفاً از بهترین مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان های کہ فراوانتر ام احمد جاوید مجید بخشیری نامہ تان رسید اما چرا اینقدر کلمہ و گداری ہنگاری تان را بدین مشوم بہ ما نامہ بنویسید .

از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از مفرکنذر ، سلام ہا ہا ما ہم بدینا تشکر و نظریات شما را بہ مجلہ سباز مود توجہ ما نظر گرفت ، تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحبت تان ما را یارین میرسانید ، مود شماره غار یک تا ششم شان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأثیر بدین باشد .

چاپ شماره اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین روزگاریون مانتیت چیزی است مربوط بہ خود آنها اما نشر است و کجا اما نظر اداری مجلہ ما نیست کہ بفرماید ما هم سعی فرما و از جوانان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود . از شما تشکر .

بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا در نظریات شمارا د مورد داستان بازگور کرد ان در نامہ ارسال تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما د مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگور در نوشتہ الیور گولسد اسمیت چاپ شماره سوم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تا مل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شماره متذکرہ مجلہ سخن را بہ دقتیر محلہ بیابورید ، از همکاری شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

پایسج تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه های مختلف را بدین تو یز یون همچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب در ایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد . تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند . با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا بہ این فکر نیستند کہ باید بہ راد یو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشور ما خوب را از طریق راد یو ویا تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم مانتیوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا برنامه را تعقیب بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسوولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مکریم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات ویر نامہ های راد یو تلویزیون در ہمہ کشورہا جعان معمول است آنچه کہ درین نامہ ما آورده دارد بہ شغادات ، انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی بزرگ باره ، متحن و رهبر بزرگانی میباشند و در مقابل مذاقات ومشکلات حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیز طبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومساوی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مسلطند ومعلمی بزرگرو شایسته معرفی میگردید ه اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان بزرگ حوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرعبرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم معترف کرده وبدر بساط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه ((زین)) از کوزین کابل سنتر

زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی پاکت از دورن - فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است ((فکر سوار لم بیرون است))

۲- چنانچه پوستر قدردی متقابل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((دیوانه وار ترامیرستم))

۴- اگر سر پوستر قدردی متقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است ((ترا دوست میدارم))

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتقابل بر است چسبانیده ، مفهومش این است ((دیگر ترا دوست ندانم))

ارسانی : حلیه

نگته ها

۱- کم دانستن و بزرگترن مانند پول نداشتن و زیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن و مانند فکر بیندیش .

۳- جدیت و اشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از نیکی چاره فرزند توان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مرد کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود و از شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایسن شادی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله کن !

فرستنده : شریف نورین

مستوره محبت نامری (استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بو هندی علم طبیعی (بیسی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم و از خانه به میخانه گریزم
سایره شکیب از ولایت جوزجان (بارجه کردن حملات و مصراع وار نوشتن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید . (۵) شکلا ازلیسه " آنه " فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید) (۵) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیته های تان با کمی تصرف :
الله یار جان بگیم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونوک زیانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر نمیکند - مصراع سوم نیز زیاد است . (۵)
خالده خرم اقل " مهم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامه سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد " بندری از سروده " تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :
خواهراتم بگذرید از مد تو
مد تو ارقش ندارد یک دو جو
تو مکن تقلید از هر بیگانگان
ابروی خود همیزان رایگمان
کی توامد خوب و نهیام کند
بسل تو این کار رسوا مکنم

هنزه نوین از نوسوالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیته)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید . سفوکودی به شهر دور دستی دل نازکتر از جام شکستی
بهارتوک و فاکن ((بیوه)) چنان
به هر آیین و هر طبع که هستی
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام از پ . اقتصاد :
((نارام)) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمیک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکند و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

ملالی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال)) شما گامی های فراوان دارد .
جستن معشوق از طرف شاعر و در شعریش ، ((سنی)) نه نخواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل " خبیبه :
به املا و اثباتوجه کید بیته اشعرا تان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه " فزده گان اه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مام دارم) . نوبه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره همایون بیژاد ازلیسه " مهم (دوستی تان قابل نشمر نیست) . عادل اخترازی از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان اگر قسم یک بیت آن :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوام کن)
سخن مراد مسکین امسوق غ ولایت مزار شریف (شعرا تان گامتی های دارد با آنهم دوست آنرا نسر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید
که فرم دوستان در عالم خود
خراب یزار و حیران نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود ()
شکیلا نور از بو هندی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد ل از ندراری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) ماد راد بیته در ی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید)
اینهمه قبل بنام ازلیسه " مهم (دوست عزیز شاعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید)
میروسی ژند ازلیسه انصاری (دستوزبان) و زن قافیه و دیگر معاییر شعری را با موزید " رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فرید احمد امید از مرزا - شریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه " روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعوس باغ خندان می رسد)
شکیلا پوهس از مزار شریف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :
باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرو
لبیل غیلم نزل خوان آمده)
واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تعمیم رفع میگردد و مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور بسازید خوب است :
((هر زمان خواند شکیلا این سرو)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید) . بارجه " ک . ازلیسه رابعه " بلخی (حرفهای که به آری جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند) . تورن عبد - الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید)
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با چها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین)

براسمه فال گزینیم

متولدین ماه حمل

موفقیت های شایانی پیش رو دارید ، اما دقت کنید که متکبر و خود خواه نشوید . از صحت تان مواظبت کنید . باد و ستان مهربانتر باشید . دیدار تازه در تنمیر سرنوشت شما نقش خواهد داشت .

متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست . باید شهامت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید . کودکان عزیز می همسان خانواده تان میشوند . مجرد ها به ایجاد زنده گی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می کنند .

متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی مورد عمر شمارانیم می سازد . از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می برید و این نکته بی است که متوجه آن نشده اید . قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده گی نمایید که استید ، ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید .

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما ، ضعف اراده تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید . دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است . اعتماد شما نسبت به خانواده تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند . مجرد ها دیدارهای خوبی در پیش دارند . دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید .

متولدین ماه جوزا

امید هایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می پیوندد . یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می آید و دیدار تازه شما پایک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود . فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید .

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربانتر باشید . کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارد . کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند . درس بزرگ زنده گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است .

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است . زنده گی باغم های پیش زینماست . دیدار تازه ای که دارید برای شما امید های جدیدی میدهد . بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امید های بزرگ خانواده تان رانیز جرات بخشید . آرزوهای تان بر آورده میشود و انهم در همین روزها .

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید . هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا ازیت مینماید .

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده گی تان کار معقول است . تشوشت روانی خود را دور سازید . خوبست که دل بسته گی های تان به کار زنده گی افزایش می یابد . بیشتر به فکر آموزش باشید . آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت .

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید . تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است . یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد . قدر دوستی را دانستن ، قدر زنده گی را دانستن است .

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برایتان پر خاطره و جالب است . نامه های دوستان تان را بی پاسخ نمانید . همسر تان را از خود دور نسازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می یابند .

متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید . ورزش مصروفیت بسیار خوب برایتان خواهد بود . نگذارید کسی از شما بی جهت آزرده شود . دیدار عاشقانه بی در پیش دارید ، امیدوار باشید که بخت با شماست .

تهدیدهای فضا

تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بیفتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خوا- همد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . درباره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند . یک راکت مجهز با کلاهک هسته‌ای میتواند چنین سیاره‌ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه‌های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهتر آنکه در سال ۱۹۸۰ رایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت د لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزد یکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره‌های با عرض نیم میل در - سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره‌های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون تا یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره‌ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره‌ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵۰ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده بی‌ازستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

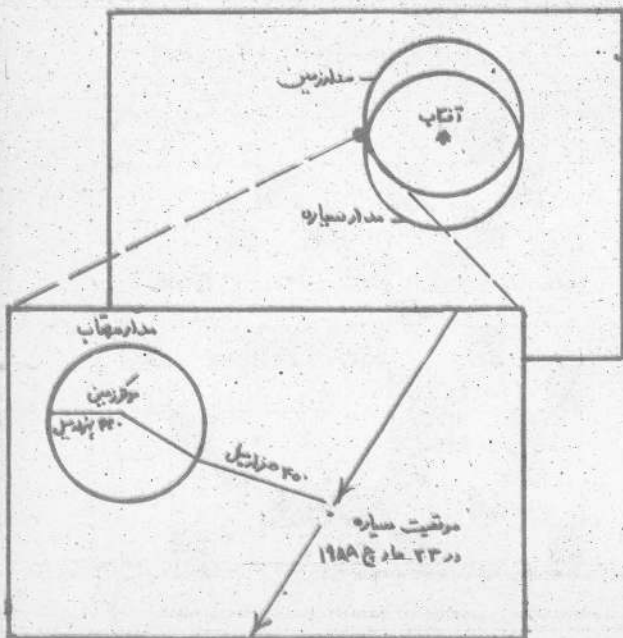
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکو- پ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیای تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یار د بوده باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره‌ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوا- نست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتیده بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه‌ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده بر جمعیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور - آفتاب گردش میکند منتهای سه عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در سر خواهد گرفت . وقتی این سیاره در ماه اپریل دوباره از نزد یکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون ترقرار خواهد داشت . اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را رایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند با زهم خطری به وجود آورد یا اینکه به زمین اصا-

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه بادوستان یا مشغول تما- شای برنامه‌های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزد یک از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه‌ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش ازینکه شمار زیاد به هراس بیفتید لازم است بفهمید که نزد یکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابت . با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزد یک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزد یکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون



مسطربازي

سفید بازی را شروع می کنند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کند .

سفید بازی را شروع می کنند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کند .

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقره - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوي نيست .
- ۳- غم نداری انرا بخسر - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ای ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را دزد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

پرسش ها

انقی :

- مادرومی گویند :
- ۷- مارازان بدش بدم غارش سبزی می کند . زورش به ان نمی رسد پیالانش می زند .
 - ۸- زمستان زنت روسیاهی به ان مانند .
 - ۹- شق (اصطلاحی) - هرجا انست دریای لنگ است - خشک بی سر .
 - ۱۰- معکوس ان روشنی (پینتو) - شراب - نخستین عدد .
 - ۱۱- قطی ارمعروف است - وقتی ازت اند تروان با هم می سوزد .

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... بد برادر ندارد - ... مردان دیربخشه می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا، $\frac{1}{3}$ پول شعلان نیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا، $\frac{1}{3}$ پول شکیبا نیز جمع شود . شعلان گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

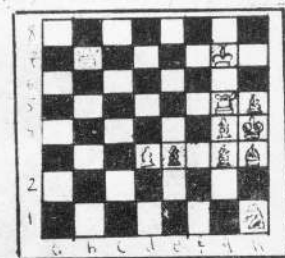
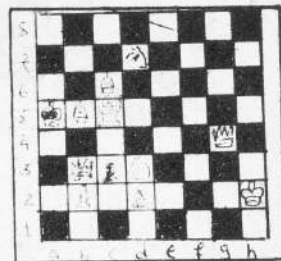
مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

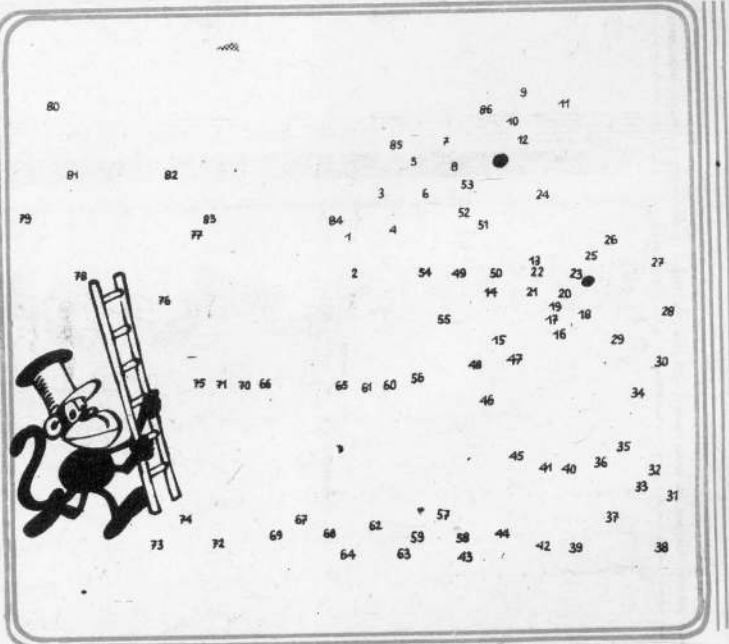
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه ضرورت است اعداد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شماره رباره آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نموده بمانفرستید.

۶- آیا شماره رباره نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره بمانویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نموده اید؟ درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت؟

صحنه گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک نورجان ضیایی عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیسه نایل انزهرا تفتح محمد فتاح، سلم دانستن لیلیا کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان سیدعزت الله مجید، سوما فران فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سیدعزت الله مجید، گل علی فقیه فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله ناچه شکره انور، محمد عمرعزیز عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رانیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فائزه یادگار سونیا اسمعیار، مرغیبه محمودزاده احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوطنان!

فرقه کئی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری
نمبر تېلفون (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هروقت برای هرکس برای هر جا .
این اجناس را طور عمده از جاوید لعد ، کوچی مارکیٹ
نماینده گی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی
شہر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است .

نیازمند ان عجلہ نمایندہ :
تلفونہما (۲۰۰۰۱ - ۲۲۶۲۹)

وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میرویسر میدانہ مقابلہ تانکہ تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان و نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است
قدای خوب قیمت مناسب

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**